



## فهرست مقالات

- آرامش در زندگی براساس آموزه‌های اسلامی؛ عوامل و زمینه‌ها / حسن بوژمهرانی، علی جلائیان اکبرنیا..... ۳
- امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه / مجید بابالیان، علیرضا رادین ..... ۲۱
- اصول و راهبردهای ارتباطات براساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی / علی احمد پناهی ..... ۵۱
- بررسی اثربخشی رشد علمی ایران و پویایی علمی اقتصادی  
/ محمد امین خسروی، محمد رضا شریفاتی، روح‌الله رحیمی ..... ۷۹
- اولویت‌های تولید از دیدگاه اسلام / علی محمد میرجلیلی، سمیه یوسفی ..... ۱۰۳
- نگاهی به تأثیر فرهنگ بر پیشرفت اقتصادی / جواد ایروانی ..... ۱۲۷
- ترجمه انگلیسی (Abstracts) / علی برهان زهی ..... ۱۵۹

## راهنمای تدوین و ارسال مقالات

- مقالات ارسالی نباید اینترنتی باشد، یا قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده و یا برای نشریه دیگری ارسال شده باشد. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی الزامی است. حجم مقاله از ۲۵ صفحه تا ۲۵۰ کلمه‌ای بیشتر نباشد. حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ است. مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن و صرفاً بیان‌گر دیدگاه خود اوست. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ خواهد بود و هرگونه چاپ و تکثیر منوط به اجازه کتبی سردبیر می‌باشد.
- جهت تسریع در امر بررسی مقالات ضروری است که نویسندگان محترم همراه مقاله نامه‌ای جداگانه حاوی تقاضای بررسی، نام و نام خانوادگی، نشانه پستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود ارسال نمایند. مقاله باید تحت برنامه word و مطابق با معیارهای مندرج در این راهنما باشد. مقالات ارسالی، از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
- الف - چکیده فارسی: حداکثر مشتمل بر ۲۵۰ واژه و چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
- ب - واژگان کلیدی و معادل انگلیسی آنها حداکثر ۱۰ واژه.
- ج - مقدمه و نتیجه‌گیری.
- د - پی‌نوشت‌ها: توضیحات بیشتر، از جمله معادل خارجی اسامی و اصطلاحات مهم یا مهجور، با عنوان «پی‌نوشت‌ها»، در انتهای مقاله آورده شود.
- ه - کتابنامه: فهرست الفبایی منابع فارسی و غیر فارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه و با رعایت قالب‌بندی زیر آورده شود. کتاب: نام خانوادگی، نام مؤلف (تاریخ چاپ)، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد. مثال: هارت ناک، یوستوس (۱۳۵۱)، ویتگنشتاین، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران: انتشارات خوارزمی
- Nozick, Robert (1981), *philosophical Explanation*, Oxford University Press.
- مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه. مثال: علیزاده، بیوک (۱۳۸۲)، «فلسفه تطبیقی، مفهوم و قلمرو آن»، نامه حکمت، ش ۱. نحوه ارجاع داخل متن: برای ارجاع دادن به منابع و مآخذ در متن مقاله، مشخصات منبع و مآخذ، در درون پرانتز، به صورت زیر، آورده شود:
- الف - منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، صفحه). مثال: (مطهری، ۱۳۶۱، ۹۵)
- ب - منابع لاتین: (صفحه، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف). مثال: (Plantinga, 1998, 71)
- اگر از یک نویسنده، در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
- ارسال و دریافت مقالات صرفاً از طریق سامانه مدیریت نشریات به نشانی [www.razavi.ac.ir](http://www.razavi.ac.ir) انجام می‌گیرد. ارتباط با مدیریت مجله از طریق رایانامه [ISS@razavi.ac.ir](mailto:ISS@razavi.ac.ir) امکان‌پذیر است.

## آرامش در زندگی براساس آموزه‌های اسلامی؛ عوامل و زمینه‌ها\*

- حسن بوژمهرانی<sup>۱</sup>
- علی اکبر جلائیان اکبرنیا<sup>۲</sup>

### چکیده

آرامش، تعادل روحی و نبود تشویش و اضطراب است که برآیند آن برخورد درست با مسائل و گرفتاری‌هاست. آرامش در اقسام مختلف آن (طبیعی، روانی و اعتقادی) از مؤلفه‌های سعادت است که به دو شکل آرامش روحی و امنیت اجتماعی ظهور می‌یابد.

از آن رو که عموم فعالیت‌های افراد به امید دست‌یابی به آرامش می‌باشد، این نوشته در پی ارائه عوامل آرامش به بررسی آموزه‌های اسلامی پرداخته و برخی از آنها را گزارش نموده است. این عوامل عبارتند از: ایمان، عامل اصلی آرامش که دیگر عوامل را نیز در سایه خویش دارد؛ ذکر، دعا، نماز، روزه و حج، که از مصادیق عبادی دینداری و زمینه‌ساز آرامش فردی و اجتماعی‌اند؛ توبه، توکل، امید، صبر و انس با قرآن از مصادیق اخلاقی و روانی ایمان؛

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث سمنان (نویسنده مسؤول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

عفت و پاکدامنی، دوستی با نیکان و دل‌داری دادن که از مصادیق اجتماعی ایمان و بسترساز آرامش روح و روان فرد و جامعه می‌باشند. و ازگان کلیدی: آرامش، آسایش روح، تعادل روحی، زندگی، ایمان.

### مقدمه

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ «همان کسانی که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد».

آرامش روانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و حیاتی برای بشریت است که تبلور شخصیت فردی و اجتماعی وی را برای تن دادن به زندگی منظم و سلامت از اضطراب و فشارهای روحی در پی دارد. اگر اصل اساسی آرامش را از زندگی حذف کنیم و در عوض به جای آن هر چیز دیگری را اضافه نماییم، تعادل به زندگی بازمی‌گردد و انسان به رشد جسمی و روحی دست نمی‌یابد. یک نویسنده یا هنرمند و یا صنعتگر اگر همه امکانات لازم برای کار را داشته باشد اما آرامش نداشته باشد، نمی‌تواند به موفقیت دست یابد و قله‌های پیروزی را فتح کند. بررسی زندگی انسان‌های بزرگ که توانسته‌اند خالق آثار ماندگار باشند نشان می‌دهد همه آنان یک زندگی توأم با آرامش داشته‌اند. لذا با توجه به این ضرورت می‌بینیم که دستیابی به آرامش واقعی یکی از خواسته‌های همیشگی بشر بوده است و در این راستا انسان در طول تاریخ تلاش‌ها و رنج‌های بسیاری را به جان پذیرفته است. بی‌شک بخش وسیعی از تلاش‌های علمی بشر و کشف رازهای ناگشوده جهان طبیعت به منظور دسترسی به امکاناتی بوده است که آرامش را برای انسان به ارمغان آورد. از سوی دیگر مطالعات آکادمیک و تحقیقات روانشناسی پیرامون آرامش و اضطراب و عوامل و موانع هر یک بخش قابل توجهی از پژوهش‌های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸) و در این خصوص کتابهای مختلفی نگاشته شده است.

در سال‌های اخیر کوشش‌های زیادی در زمینه روان‌درمانی افرادی که دچار

بیماری‌های روانی و اضطراب‌های شخصیتی و عدم تعادل آن هستند، انجام شده است و در این زمینه روش‌های مختلفی برای روان‌درمانی پدید آمده است که هیچ کدام موفقیت مورد انتظار را در از میان بردن یا پیش‌گیری از بیماری‌های روانی کسب نکرده است. از این رو روان‌شناسان به دنبال یافتن علت این امر برآمدند و از طریق آمارگیری به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عامل در درمان بیماری‌های روانی، «دین» است و درصد بهبودی بیمارانی که معتقد به دین هستند بسیار بیشتر از دیگران است (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۹). لذا آنان بر این باورند که «ایمان بدون شک مؤثرترین درمان بیماری‌های روانی به ویژه اضطراب و افسردگی است» (فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۸). در تأیید این مطلب سخنان روان‌شناسان غربی گواه است.

ویلیام جیمز فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی می‌گوید: ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد. فقدان ایمان زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد (جیمز، ۱۳۵۶، ص ۲۲۰).

کارل، یانگ روان‌کاو معروف، می‌گوید: «در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان متمدن با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام، اما از میان بیمارانی که در نیمه دوم عمر خود به سر می‌برند (یعنی از سی و پنج سالگی به بعد) حتی یک بیمار را نیز ندیدم که اساساً مشککش نیاز به گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک تک آنان به این دلیل قربانی بیماری روانی شده‌اند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمان به پیروان خود می‌دهند نداشتند و تک تک آنان فقط وقتی به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند، به طور کامل درمان شدند (گولدنر، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵).

بنابراین حتی جوامع غربی هم متوجه شده‌اند که برای درمان بیماری‌های روحی باید به دین پناه برد و چون دین اسلام خاتم ادیان و اکمل ادیان است،

پس منشأ اصلی آرامش را باید در آن جست.

در این مقاله سعی بر آن است که به برخی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین راه‌های رسیدن به آرامش از نگاه آموزه‌های اسلامی (قرآن و حدیث) اشاره شود. پیش از بیان عوامل آرامش مطالبی به عنوان درآمد و مقدمه بیان می‌گردد.

## فصل اول: کلیات

### معنای آرامش

آرامش، به حالت نفسانی و صفت روانی و قلبی خاص (آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه) گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۸). یعنی داشتن یک حالت تعادل روحی که نتیجه آن تعامل صحیح با مسائل و گرفتاری‌هاست (رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۱۵).

### منشأ آرامش

قرآن منشأ آرامش را خداوند می‌داند. در واقع آرامش هدیه و لطفی است از خداوند به بندگان و گرنه انسان از خود هیچ ندارد (رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۴۹). خداوند گرفتاری‌ها و تاریکی‌های روحی و روانی را از انسان دور می‌سازد و بستر آرامش آدمی را فراهم می‌آورد.

﴿قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۶۴)؛ «بگو خداوند شما را از این‌ها، و از هر مشکل و اندوهی، نجات می‌دهد؛ باز هم شما برای او همتا قرار می‌دهید (و راه کفر می‌پوید)».

### اقسام آرامش

آرامش از یک نگاه، به سه قسم تقسیم می‌شود:

#### ۱. آرامش طبیعی

آرامش طبیعی، آرامشی است که برخی از پدیده‌های طبیعت در انسان ایجاد

می‌کنند. این عوامل زیاد است، از جمله: شب و خواب شب (ر.ک: قصص/۷۳؛ انعام/۹۶ و فرقان/۴۷)، منزل (نحل/۸۰)، همسر (روم/۲۱؛ احزاب/۵۱ و بقره/۱۸۷).

﴿۷﴾

## ۲. آرامش روانی

آرامش روانی از حالات انسان حکیم، صاحب اراده و از نتایج ایمان است. انسان به صورت فطری براساس مصالح و مفاسد عمل می‌کند. در نتیجه نفس انسان، آرامش می‌یابد. بلی این آرامش تا زمانی است که خواسته‌های نفسانی در آن خللی ایجاد نکند (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۸۳).

## ۳. آرامش اعتقادی

گاه انسان در حالتی از باور و اعتقاد شکننده است؛ باوری در او پدید آمده، ولی هنوز رگه‌هایی از شک و تردید در او وجود دارد. این حالت از آن رو است که نوعی دانش مفهومی و نظری در او وجود دارد، ولی آن را به تجربه نیازموده است. لذا خداوند با به تصویر کشیدن زمینه‌های تجربه شده، آرامش اعتقادی را پیشکش مؤمنان می‌نماید.

قرآن رسیدن به مراتب عالی آرامش اعتقادی را در چند مورد به تصویر کشیده است: داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، آن گاه که برای رسیدن به مقام آرامش در مسأله رستاخیز مردگان، از خداوند می‌خواهد چگونگی رستاخیز را در دنیا به او بنمایاند:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي﴾ (بقره/۲۶۰)؛ «و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من بنمایان چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: آری (ایمان آورده‌ام)، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد».

داستان مرگ عزیز و زنده شدن خودش و الاغش نیز تصویر دیگری است که قرآن به آن اشاره می‌نماید:

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِثَّةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِثَّةَ عَامٍ﴾ (بقره/۲۵۹)؛ «یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف‌هایش فرو ریخته بود، (و اهل آن همگی مرده بودند، او با خود) گفت: چگونه خدا این‌ها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟! (در این هنگام)، خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: چه قدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز؛ یا بخشی از یک روز. فرمود: بلکه یکصد سال درنگ کردی!».

داستان اصحاب کهف نیز باور به رستاخیز را در حد بالای خود نشان داده است (کهف/۱۴).

نیاز به آرامش اعتقادی، از آن رو است که ذهن همواره با تردید و شک رو به رو است. در داستان مائده (حواریون حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ) با آن که حواریون به آن حضرت و گفته‌هایش ایمان داشته‌اند، ولی خواستار مائده آسمانی برای ایجاد آرامش اعتقادی می‌شوند که این درخواست مورد اجابت قرار می‌گیرد و آنان با مائده آسمانی پذیرایی می‌شوند (مائده/۱۱۲-۱۱۵).

## فصل دوم

### عوامل رسیدن به آرامش از دیدگاه قرآن

قرآن کریم کتاب هدایت و کامل‌ترین نسخه برای آرامش روح است. از این رو در این بخش با تکیه بر آیات الهی و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، برخی از عوامل مهم رسیدن به آرامش را بررسی می‌کنیم.

#### ۱. ایمان

راه اساسی و اصلی رسیدن به آرامش، ایمان واقعی و کامل است و هر چه ایمان قوی‌تر باشد آرامش هم بالاتر است. خود واژه ایمان نیز این معنی را در بر دارد،



چه این که از ماده «امن» به معنای طمأنینه داشتن روح و زایل شدن ترس است (رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۵۷). پوشیده نیست که ایمانی آرامش آور است که آلوده به شرک نشده باشد.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام/۸۲)؛ «(آری)، آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با هیچ ستم (و شرک) نیالودند، ایمنی تنها متعلق به آنهاست و آنها هدایت یافتگانند».

آیه از لحاظ ادبی دارای تأکیدهای متعدد است و این مطلب را پافشاری می نماید که امنیت (آرامش) و هدایت از آثار ایمان است و شکی نیست که این دو از ویژگی های مؤمنان است.

آری ایمان به خداوند این حقیقت را برای انسان روشن می نماید که تمام امور به دست خداوند است و بندگی، رفتار مطابق با وظیفه و سپردن نتیجه به خداوند. اگر انسان به این حقیقت دست یابد دیگر اضطرابی نسبت به آینده نخواهد داشت. راجع به ایمان، فواید آن و نقش ایمان در رسیدن به آرامش، آیات فراوانی وجود دارد (رفسنجانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۵۸؛ ر.ک: فصلت/۳۰؛ زخرف/۶۸-۶۹ و احقاف/۱۳) که فراتر از تحمل این نوشته است و جستاری خاص می طلبد.

## ۲. ذکر

یکی دیگر از عوامل آرامش، ذکر است که به معنای یادآوری به قلب و زبان می باشد. ذکر در برابر غفلت و گناه در برابر نسیان به کار می رود (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). قرآن می فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ «همان کسانی که ایمان آورده اند، و دل هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می فرماید: مراد از «ذکر الله» یاد خدا، و مطلق توجه انسان به خداست (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۸۷).

در انبوه کارها، تنگناها و اضطراب‌هایی که بسیاری از مردم را به نابودی می‌کشد، دل به یاد خدا آرام می‌گیرد. اضطراب‌های درونی با ذکر خداوند چاره می‌گردد و از آن می‌توانیم به عنوان سپر بسیار محکم در برابر اضطراب‌ها استفاده کنیم (یکی از کارهایی که در سیره علما نمود زیادی دارد همین دائم‌الذکر بودن آنهاست). اگر انسان در تمام لحظات زندگی خود به یاد خدا باشد و بداند که خداوند ناظر اوست آنگاه خواهد دید که چه آرامش درونی بر او حاکم و چه برکاتی را به همراه دارد.

### ۳. دعا

انسان در امواج پرتلاطم زندگی و در کش و قوس رنج‌ها به تکیه‌گاهی نیازمند است که به آن پناه ببرد و درون پر اضطراب خود را آرام بخشد. خواندن دعا و تضرع در درگاه الهی یکی از عواملی است که آرامش را در وجود آدمی ایجاد می‌کند. دعا و نیایش همان پل ارتباطی عالم ماده با ملکوت و تجلی قلبی ارتباط با خدا است (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

انسان اگر از سلاح برنده دعا استفاده کند قطعاً منفعتش به خود او می‌رسد. لذا امام علی علیه السلام می‌فرمایند: چنین نیست که خداوند باب دعا را بر کسی بگشاید، اما در اجابت را به رویش ببندد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۵).

دعا و نیایش تسلی بخش دل‌های خسته و مایه روشنی و صفای جان و نیرو بخش انسان در برابر مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی و از بهترین ابزار ارتباط با خداوند است. انسان موجودی است بی‌نهایت کوچک، وقتی در برابر آفریدگارش که بی‌نهایت بزرگ است قرار می‌گیرد و خود را، حتی کم‌تر از قطره‌ای در برابر اقیانوس و ذره‌ای در مقایسه با کهکشان‌ها می‌یابد، احساس کوچکی در برابر آن عظمت، او را به کرنش و نیایش وامی‌دارد و همه عظمت در همین احساس نیازمندی است. آنچه که این «هیچ» را به آن «همه» پیوند می‌زند دعاست (بیستونی، ۱۳۸۴، ص ۹۷). کم نیستند کسانی که دلهره، نگرانی،

ترس، اضطراب و تشویش خاطر را در مقاطع خطر و سختی‌ها و بحران‌ها، با داروی «دعا» درمان می‌کنند. به عنوان نمونه مهاتما گاندی، رهبر فقید هند می‌گوید: «اگر دعا نمی‌کردم (اهل دعا نبودم) مدت‌ها پیش دیوانه می‌شدم» (کارنگی، بی‌تا، صص ۲۶۳ و ۲۷۰).

خداوند در قرآن نیز به این مسأله مهم اشاره کرده و به پیامبرش دستور می‌دهد که برای مردم دعا کند، چرا که این دعا کردن موجب آرامش می‌شود.

﴿ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ (توبه/۱۰۳)؛ «از اموال آنها صدقه‌ای (به عنوان زکات) بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی و (به هنگام گرفتن زکات) برای آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و داناست».

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید: منظور این است که نفوس ایشان به دعای تو سکونت و آرامش می‌یابد، و این خود نوعی تشکر از مساعی ایشان است، هم چنان که جمله ﴿ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ مایه آرامشی است که دل‌های مکلفینی که این آیه را می‌شنوند و یا می‌خوانند به وسیله آن سکونت می‌یابد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۵۱۲).

#### ۴. نماز

خواندن نماز در به دست آوردن آرامش تأثیر بسیار زیادی دارد، به نحوی که می‌توان گفت هیچ کدام از عوامل آرامش‌زا به اندازه نماز در رسیدن انسان به مقصود تأثیر ندارد. خداوند می‌فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾ (بقره/۲۷۷)؛ «کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارش (محفوظ) است، نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین

می شوند».

حضور خاشعانه و خاضعانه انسان در برابر خداوند متعال در قالب نماز، به او نیرویی معنوی می بخشد که حسن صفای روحی و آرامش قلبی و امنیت روانی را در او برمی انگیزد.

روی گردانی کامل از مشکلات و امور زندگی و فکر نکردن به آنها در اثنای نماز باعث ایجاد حالتی از آرام سازی کامل و آرامش روان و آسودگی عقل در انسان می شود. این حالت آرام سازی و آرامش روانی ناشی از نماز، از نظر درمانی تأثیر بسزایی در کاهش شدت تشنجات عصبی ناشی از فشار زندگی روزانه و پایین آوردن حالت اضطرابی که برخی از مردم دچار آن هستند دارد. تأکید بر نماز، به عنوان یکی از عوامل آرامش، از آن رو است که انسان برای رسیدن به هدف عالی و رضوان حق، نیازمند آرامش درونی است. این آرامش با یاد خدا به دست می آید.

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/۲۸)؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می گیرند».

بعد از قبول توحید و ربوبیت، انسان نیازمند به نیایش، عبودیت و بندگی است که قله آن در قالب نماز بر بندگان واجب شده است. نماز انسان را در برابر مشکلات مختلف بیمه می کند.

از دیگر سو نیایش و بندگی، نیاز درونی هر انسان می باشد، که در هیچ زمان و هیچ شرایطی نباید ترک شود. نقل شده هرگاه دشواری نگران کننده ای برای پیامبر ﷺ رخ می داد، حضرت ﷺ عادت بر آن داشت که فوراً به نماز بایستد (زمخشری، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۲). قرآن نیز در سوره مزمل به پیامبر ﷺ امر می کند که شب زنده داری کند و نماز و قرآن بخواند، چه این که قرار است به زودی سخنی سنگین بر ایشان القا شود (ر.ک: مزمل/۱-۷).

## ۵. روزه و حج

روزه گرفتن نیز یکی دیگر از عوامل آرامش است. روزه تقویت روح و روان آدمی می‌باشد. چون نخوردن و نیاشامیدن در ساعتی خاص به دستور آفریدگار عالم هستی، نوعی تمرین جهت کنترل شهوات و غرائز است. روحیه صبر و تقوا را پرورش می‌دهد تا در مقابل ناملايمات بی‌تابی و آشفتگی نشان ندهد. حج نیز در آرامش و تقویت روح نقش اساسی دارد. امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی فرمودند: «الصيام والحج تسکین القلوب» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۲۶۷ و ج ۹۶، ص ۲۵۵)؛ روزه و حج، مایه آرامش دل است.

## ۶. توبه

یکی دیگر از راه‌های ایجاد آرامش توبه است. بازگشت از گناه، وسیله تقرب و دوستی با خدا و راهی به دنیای پاکی و وسیله رهایی از فشار وجدان است (شفیعی مازندرانی، بی‌تا، ص ۱۴۷). توبه زمینه ایجاد آرامش و اطمینان روحی و روانی است، چرا که گنهکار خود را در یک بحران روحی می‌بیند که این بحران روحی با توبه تبدیل به آرامش و سکون خاطر فرد می‌شود. در حقیقت بنده با توبه از ناامیدی و بریده شدن از درگاه الهی خود را جدا نمی‌بیند.

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر/۵۳)؛ «بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

توبه بازگشت به خداوند است و تخلیه روان از فشار گناه. توبه حالت پاکی و طهارت نخستین را به انسان برمی‌گرداند. برای همین احساس آرامشی عمیق وجود انسان را فرامی‌گیرد. چه این که خداوند توبه و توبه کننده را دوست دارد. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (بقره/۲۲۲)؛ «خداوند، هم توبه کنندگان را دوست دارد، و هم پاکان را». نتیجه دوستی خداوند همان آرامش

درون است.

## ۷. توکل

توکل به خداوند و واگذاری امور به او یکی از عوامل آرامش است (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۶۴۰). اگر انسان در انجام کارها به خدا توکل کند در حقیقت به بزرگ‌ترین و شکست‌ناپذیرترین اسباب تکیه نموده است، که این موجب تقویت اراده می‌شود، و دیگر هیچ یک از اسباب ناسازگار روحی، بر اراده او غالب نمی‌آید و همین زمینه موفقیت و سعادت است که آرامش را به دنبال دارد (طباطبایی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۱). خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (طلاق/۳)؛ «و هر کس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ به یقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

## ۸. امید

وقتی انسان گمان داشته باشد که در آینده نعمتی نصیب او خواهد شد، احساس خوب و حالت مطلوبی به وی دست می‌دهد. این همان امید به آینده است. یکی از عواملی که موجب آرامش افراد می‌شود امید داشتن به آینده‌ای روشن است. امید، به انسان حالت نشاط و شادابی می‌دهد. در مقابل ناامیدی به انسان احساس یأس، سرشکستگی، ضعف و ناتوانی می‌دهد و موجب بی‌ثباتی شخصیتی و از دست رفتن قوای درونی می‌شود. در سوره یوسف آمده است که:

﴿يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيْسَبُوا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيْسَسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمَ الْكٰفِرُوْنَ﴾ (یوسف/۸۷)؛ «پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل آیه می‌فرماید: بر هر کس که ایمان به خدا دارد لازم و حتمی است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد و به هر چه اراده کند حکم می‌نماید و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فائق آید و یا حکم او را به عقب اندازد، و هیچ صاحب ایمانی نمی‌تواند و نباید از روح خدا مأیوس و از رحمتش ناامید شود، زیرا یأس از روح خدا و نومییدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او و کفر به احاطه و سعه رحمت او است. طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۲۰). انسان بدون امید، خصوصاً امید به رحمت الهی، نمی‌تواند زندگی خوب و آرامی را داشته باشد. و افراد ناامید و مأیوس در زندگی تعادل روحی خوبی ندارند و برای همین شیرینی و لذت زندگی را نمی‌چشند و همیشه در حالت نگرانی و اضطراب و هراس به سر می‌برند.

## ۹. صبر

صبر مطمئن‌ترین کشتی نجات و کلید هر خوبی و دروازه خوشبختی و کامرانی دنیا و آخرت است و از زمینه‌های ایجاد آرامش به شمار می‌رود:

﴿إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (آل عمران/۱۲۰)؛ «اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می‌کند و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند، ولی اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، توطئه‌های آنان، به شما زبانی نمی‌رساند؛ زیرا خداوند بر آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد».

در این آیه به یاران پیامبر صلی الله علیه و آله که در میدان رویارویی با دشمن قرار گرفته‌اند می‌فرماید: اگر اهل صبر و باتقوی باشید، ضرری از ناحیه دشمن به شما وارد نمی‌شود و در امنیت و آسایش قرار خواهید گرفت. یعنی افراد صابر با تقوی از نیرنگ دشمنان در امان و در آرامش‌اند (طباطبایی، ج ۴، ص ۲). این آیه به خوبی بیان‌گر این مسأله است که با صبر و تحمل می‌توان بر طوفان سختی‌ها فائق آمده

و آرامش را در روح و روان خود تزریق کرد.

### ۱۰. انس با قرآن

قرآن نسخه‌ی شفابخش دردها، عامل تسکین قلب‌ها، محکم‌کننده‌ی دل و آرام‌بخش است. هر که با این نسخه‌ی الهی انس بیشتری داشته باشد و بر خواندن و عمل به آن مداومت داشته باشد احساس اطمینان و آرامش بیشتری دارد.

قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (فرقان/۳۲)؛ «و کافران گفتند؛ چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟! این (نزول تدریجی) برای این است که قلب تو را به وسیله‌ی آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم».

نکته‌ای که ذیل این آیه شریفه آمده مربوط به نزول تدریجی قرآن و تلاوت آن توسط پیغمبر ﷺ است که سبب ارتباط دائم و مستمر پیامبر ﷺ به مبدأ وحی بوده، این ارتباط دائمی قلب پیامبر را قوی‌تر، و اراده‌ی او را نیرومندتر می‌ساخته و تأثیرش در برنامه‌های تربیتی او انکارناپذیر بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۸۳). با توجه به این نکته، از این آیه برداشت می‌شود که به تدریج خواندن قرآن و مداومت بر آن موجب استحکام قلب می‌شود. در نتیجه وقتی قلب انسان ثابت و محکم شد، هیچ غم و ناراحتی نمی‌تواند آرامش او را برهم بزند.

### ۱۱. عفت و پاکدامنی

عفت حالتی در وجود و نفس آدمی است که وی را از غلبه‌ی شهوت بازمی‌دارد. عقیف کسی است که دارای این وصف باشد. در خصوص رابطه‌ی عفت با آرامش باید گفت نتیجه‌ی عفت و پاکدامنی، دارا شدن طهارت نفس است و تا جایی انسان را پیش می‌برد که در پاکی به مقام ملائک می‌رسد؛ «لکاد العقیف أن یکون ملکا



من الملائكة» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴)؛ نتیجه این طهارت و پاکی نفس، آرامش است.

(۱۷)

از دیگر سو انسان با عفت فکرش کم تر به خواسته های جسمی مشغول می شود و دل مشغولی هایش نسبت به این امور کم تر می باشد، لذا تعادل روحی پیدا می کنند. به همین جهت انسان های عقیف به مراتب از افراد لابلالی و هوس باز از آرامش روحی و تعادل شخصیتی بیشتری در زندگی برخوردارند.

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور/۳۰)؛ «به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و دامان خود را (از بی عفتی) حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است، خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است».

این آیه به دو مسأله مهم اشاره می کند، که رعایت آنها موجب پاکی و آرامش انسان است و آن دو کنترل چشم و حفظ دامن از آلودگی هاست، که از لوازم پاکدامنی و عفاف هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۳۶).

وقتی چشم کنترل شد و آنچه که نمی بایست ببیند، ندید، فکر هم به طبع مشغول این امور نمی شود. وقتی فکر انسان مشغولیت نداشت، قلب هم مشغول نمی شود. نتیجه کنترل چشم، رسیدن به آرامش روحی، فکری و جسمی است.

## ۱۲. دوستی با نیکان

بایسته است انسان در دوستی ها معیارش خدا باشد و دوستی انتخاب کند که با دیدنش به یاد خدا بیفتد. اهمیت انتخاب دوست تا به آنجاست که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«سل عن الرفیق قبل الطریق» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ پیش از سفر و قرار گرفتن در راه درباره دوست به تحقیق و پرس و جو پردازد».

یکی از اسرار انتخاب دوست خوب، رسیدن به آرامش است؛ زیرا دوستی با صاحبان آرامش به انسان آرامش می دهد.

پوشیده نیست که دوستی با نیکان آن زمان آرامش کامل را به انسان ارزانی می‌کند که این دوستی در راستای دوستی خداوند باشد و انسان بتواند از مرحله دوستی با نیکان گذر کند و در دوستی به جز رخ یار نیند و از اولیاء الله شود. آنجاست که آدمی به آرامش کامل دسته یافته است.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس/۶۲)؛ «آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند».

### ۱۳. دلداری و تسلی دادن

گاه، اتفاقات ناگوار و حوادث دردناک در زندگی رخ می‌دهد و آن قدر عرصه را بر انسان تنگ می‌کند و روح و روان آدمی را به هم می‌ریزد که از شدت ناراحتی نمی‌داند چه بکند و به کجا برود. در این لحظات اگر کسی کنار انسان باشد که اظهار همدردی کند و او را دلداری دهد، چنان آرامشی وجود فرد دردمند را فرا می‌گیرد و چنان فشار روحی او تخلیه می‌شود که قابل توصیف نیست. قرآن هم در چند جا، به این مسأله اشاره کرده است. به عنوان مثال در جریان داستان حضرت لوط علیه السلام، وقتی آن حضرت از نافرمانی و فسادی که امتش مرتکب می‌شدند به ستوه آمده بود و سخت ناراحت بود، خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَ أَهْلَكَ إِلَّا أَمْرًا تَكْ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ (عنکبوت/۳۳)؛ «هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها ناراحت و دل‌تنگ شد؛ گفتند: ترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که از بازماندگان (در شهر) خواهد بود».

از این رو تسلیت و دلداری دادن به صاحبان عزا در فرهنگ دینی ما جایگاه ویژه‌ای دارد و مورد توصیه قرار گرفته است.

## نتیجه‌گیری

آرامش بستر رشد و بالندگی آدمی است. انسان برای دست یافتن به کمال، نیازمند آرامش روانی و اجتماعی است. چه این که ناامنی و اضطراب توان آدمی را کاهش داده و مانع تمرکز بر اهداف می‌باشد. از این رو آموزه‌های دینی اموری را به عنوان بسترهای لازم جهت آرامش بیان نموده‌اند که از آن میان ایمان به عنوان عامل اصلی و ریشه‌ی اساسی آرامش قابل توجه است. اگر انسان ایمان کامل به خداوند داشته باشد و براساس دستورات الهی عمل کند، هیچ گونه نگرانی نخواهد داشت و همواره در اطمینان و آرامش کامل به سر خواهد برد.

عوامل دیگری نیز در آموزه‌های دینی منبع آرامش شمرده شده که برخی از آنها عبارتند از: ذکر، دعا، نماز، روزه و حج، توبه، توکل، امید، صبر، انس با قرآن، عفت و پاکدامنی، دوستی با نیکان و دل‌داری دادن. این عوامل برخی زمینه‌ساز آرامش فردی و برخی آرامش فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. بیستونی، محمد (۱۳۸۴)، آرامش و شادی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، انتشارات بیان جوان، چاپ اول.
۳. جان مارشال ریو (بی‌تا)، انگیزش و هیجان، ترجمه سید یحیی محمدی، انتشارات بنگاه.
۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۲)، نیایش امام حسین علیه السلام در صحرائ عرفات، تهران، نشر علامه، چاپ چهارم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، چاپ اول، انتشارات اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم.
۷. دشتی، محمد (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، قم، انتشارات پویشگر، چاپ اول.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۰. شفیعی مازندرانی، سید محمد (۱۳۸۴)، سرچشمه‌های آرامش در روانشناسی اسلامی، انتشارات عطر آگین.

۱۱. طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، *تفسیر المیزان*، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم.
۱۲. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۹)، *جوان و آرامش*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۰۰)، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).
۱۴. گولدنر، الوین (۱۳۸۳)، *بحران جامعه شناسی در غرب*، ترجمه فریده ممتاز، تهران.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۱۶. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۴)، *نماز از دیدگاه قرآن و عترت*، قم، نبوی، چاپ سوم.
۱۷. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد بلخی (۱۳۸۱)، *مثنوی معنوی*، تهران، هما.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
۱۹. نراقی، احمد (۱۳۸۶)، *معراج السعادة*، انتشارات قائم آل محمد، چاپ پنجم.
۲۰. ویلیام جیمز (۱۳۵۶)، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائن، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
۲۱. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، *فرهنگ معارف قرآن*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

## امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه\*

□ مجید بابالیان<sup>۱</sup>

□ علیرضا رادبین<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله یکی از ابعاد امنیت ملی، با عنوان امنیت فرهنگی از منظر نهج البلاغه، مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. امنیت فرهنگی در حقیقت حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم و هویت ملی می‌باشد. هدف از این نگارش بررسی زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی در جامعه و آسیب‌شناسی آن از دیدگاه فرمایشات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌باشد. با بررسی موضوعی نهج البلاغه و نیز کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه ابعاد مختلف امنیت، خصوصاً امنیت فرهنگی تدوین شده، مهم‌ترین عوامل برقراری امنیت فرهنگی به شرح ذیل است:

افزایش آگاهی و بصیرت، ایمان و دین باوری، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، الگوسازی صحیح و فرهنگ علوی، پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان، مصون‌سازی از طریق تقویت نهاد خانواده و گسترش ازدواج و خود باوری و برقراری عدالت و جلوگیری از فقر و

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث - مدرس دانشگاه آزاد واحد آبدانان (نویسنده مسؤول) majbabar@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه ایلام

بی‌کاری در جامعه.

مهم‌ترین موانع امنیت فرهنگی به شرح ذیل است:  
ایجاد تردید و شبهه در نظام فرهنگی، تهاجم فرهنگی، التقاط، عدم شایستگی  
سران حکومت‌ها و رفاه‌طلبی و دنیازدگی. عمل به این فرامین امیر مؤمنان علیه السلام  
بی‌تردید جامعه را در مقابل شیخون فرهنگی، که از دیدگاه مقام معظم  
رهبری امروزه یکی از حربه‌های دشمنان اسلام برای ساقط نمودن نظام است،  
محافظت می‌نماید.

واژگان کلیدی: امنیت، فرهنگ، تهاجم فرهنگی، مقاومت فرهنگی.

### مقدمه

امنیت از بالاترین ارزش‌های هر ملت و کشوری به شمار می‌رود، زیرا بدون  
تأمین امنیت ملی سایر ارزش‌ها و منافع ملی تحقق نمی‌یابد. از این رو، اولویت و  
هدف نخست کشورها و دولت‌ها تأمین این ارزش حیاتی است.

تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر در این است که تاکنون مقاله‌ای مستقل در  
این موضوع از دیدگاه نهج‌البلاغه تدوین نشده و فقط موضوع کلی امنیت از  
منظر نهج‌البلاغه مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. در این مقاله سعی می‌شود  
تا زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی از منظر نهج‌البلاغه مورد بحث و بررسی قرار  
گیرد. از این رو هدف، پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که مهم‌ترین  
زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی کدامند و با چه تهدیدهایی روبروست. جهت  
پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی، نخست دو مفهوم امنیت ملی و فرهنگ تعریف و  
تبیین می‌گردد. بدون تعریف و تحلیل این دو مفهوم امکان توضیح امنیت  
فرهنگی وجود ندارد.

### تعریف امنیت (Security)

«در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با  
هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت  
فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (آشوری،  
بی‌تا، ص ۳۸).

«والتر لیپمن» محقق و نویسنده آمریکایی، از نخستین کسانی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد» (محمدی، ۱۳۸۱).

«آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم امنیت ملی «National security» است، نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی همچون «ملی» و «ملیت» خلق شد و دارای تعاریف و محدوده‌های خاصی گشتند» (ولی پور زرومی، ۱۳۷۶).

با این حال، تلقی‌ها و تعاریف مختلفی از محتوا و ماهیت امنیت ملی وجود دارد. برخی دیدگاه‌های سنتی محور امنیت ملی را تنها در بعد نظامی محدود و منحصر می‌دانند. به گونه‌ای که امنیت ملی را در نبود تهدیدهای نظامی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشور تعریف می‌کنند. در این معنا، امنیت ملی مترادف قدرت نظامی تصور می‌شود. لذا، در صورت برخورداری کشور از قدرت نظامی کافی امنیت ملی آن نیز تأمین خواهد شد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه دولت انباشتن و اندوختن حداکثر قدرت نظامی برای مقابله با تهدیدهای نظامی خارجی است. واقعیت‌های جهان امروز نشان می‌دهد که این تعریف سلبی و یک بعدی از امنیت ملی واقع‌بینانه نیست. چون اولاً، امنیت ملی تنها به امنیت نظامی محدود نمی‌شود، بلکه علاوه بر این، امنیت ملی شامل ابعاد دیگر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی نیز می‌شود. ثانیاً، تهدیدها نیز صرفاً سخت افزاری و نظامی نیست، به طوری که تهدیدهای غیر نظامی نرم نیز ابعاد مختلف امنیت ملی را در معرض خطر قرار می‌دهند. ثالثاً، منشأ تهدیدها صرفاً محیط خارجی نیست، بلکه بسیاری از آنها نشأت گرفته از داخل و آسیب‌پذیری‌های داخلی است. رابعاً، امنیت تنها بر حسب نبود تهدید تعریف و تأمین نمی‌شود، بلکه افزون بر این، امنیت ملی مستلزم وجود شرایط مناسب و مساعد برای رشد و

توسعه ارزش‌های ملی نیز می‌باشد. از این رو، ممکن است حتی در صورت فقدان تهدیدها نیز امنیت ملی به معنای ایجابی تحقق نیابد. تا امروز مفهوم امنیت دچار تحولات مختلفی شده است که طرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

### فرهنگ (Culture)

هیچ یک از دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های لغت، تعریف خاص و مشخصی درباره ماهیت فرهنگ نکرده‌اند. این سکوت نه از آن جهت است که صاحب‌نظران برای شناخت ماهیت فرهنگ، اهمیتی قایل نبوده‌اند، بلکه عمدتاً ناشی از تنوع شدید عناصر و پدیده‌های فرهنگ است که پیدا کردن جامع مشترک ثابت میان آنها دشوار است. ممکن است مسامحه درباره پیدا کردن یک تعریف جامع، معلول بی‌اعتنایی بعضی از بررسی‌کنندگان مفهوم فرهنگ، به معانی ماورای طبیعی و روحی آن باشد که متأسفانه، دامن‌گیر بعضی از اشخاص شده است (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

تعریف فرهنگ در دایرةالمعارف فارسی: در دایرةالمعارف فارسی چنین آمده: «فرهنگ در مردم‌شناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه است» (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

تعریف فرهنگ در متون ادبی فارسی فرهنگ: در میان متون ادبی فارسی برای این کلمه به معانی مختلفی از جمله تربیت، ادب و خرد اشاره شده است. همچنین به مجموعه ارزش‌های پذیرفته شده در میان یک قوم نیز اطلاق شده است. فرهنگ را روح و باطن تمدن نیز گفته‌اند همان که دورنمایه هر تمدن را می‌سازد (میرزایی، بی‌تا، صص ۴۲ و ۴۳).

جوهره فرهنگ را هویت شکل می‌دهد و زمانی که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای دگرگون می‌شوند، هویت چنین جوامعی نیز متحول می‌گردد. با این توصیف می‌توان گفت: ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ که بقای مرجع تهدید را مورد تهدید قرار می‌دهد، به مفهوم تهدید باورهای (مفروضات اساسی) کشور در سطوح نخبگان، مردم و نیروهای مسلح است



(باقری، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

فرهنگ، عناصر و اجزای آن، شامل اعتقادات، باورها و ارزش‌ها، از جمله مؤلفه‌های تحکیم وحدت ملی است، به طوری که پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران، که هویت ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از منابع قدرت نرم آن محسوب می‌شود، توجه به مؤلفه هویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل بخشی از جنگ نرم مخالفان نظام به سمت تخریب مبنای فکری، اعتقادی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده است.

### امنیت فرهنگی

بر اساس تلاقی و تلفیق دو مفهوم امنیت ملی و فرهنگ، امنیت فرهنگی را این گونه می‌توان تعریف کرد: توانایی ملت و نظام در حفظ و تداوم ماهیت و هویت گوهری خود تحت شرایط متغیر و متحول و وجود تهدیدهای ممکن و احتمالی و یا واقعی. به بیان دقیق‌تر، امنیت فرهنگی عبارت است از: تداوم و ماندگاری الگوهای سنتی زبان، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول یا سبک ملی، و حفظ و بقاء هویت ملت و نظام تحت شرایط مقبول برای تحول و تکامل اجتماعی و فرهنگی.

به لحاظ نقشی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد، همچنین به علت نفوذ گسترده فرهنگ بر همه ابعاد زندگی بشر و نیز تأثیری که مسائل بر سایر ابعاد امنیت دارد، تأمین امنیت فرهنگی موقعیت و حساسیت بیشتری دارد.

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فرهنگی به امنیت پایدار سیاسی و اجتماعی نمی‌رسد. در حقیقت ارتقاء فرهنگی موجب افزایش امنیت اجتماعی و با افزایش امنیت اجتماعی، موجبات امنیت اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌شود. از طرفی دیگر دست‌یابی به امنیت ملی زمانی است که امنیت تک تک افراد جامعه تضمین شود و نخستین گام در جهت تأمین امنیت افراد تأمین امنیت فرهنگی و

روانی است.

این بعد از امنیت ملی ماهیتی نرم دارد و از سوی تهدیدهای نرم نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. در نتیجه امنیت فرهنگی نیز از طریق ساز و کارها و ابزار نرم افزاری قابل تحقق است که در سیاست‌گذاری امنیتی باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد. به گونه‌ای که به کارگیری ابزار و ساز و کارهای نظامی و سخت افزاری برای تأمین و تثبیت امنیت فرهنگی، نه تنها قرین موفقیت نبوده، بلکه نتیجه عکس خواهد داد.

در جامعه‌ای همانند جامعه ما که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «به طبیعت فرهنگی است... چون یک جامعه مذهبی و دینی است، زیرا اهداف دین اهداف فرهنگی معنوی است» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۲۸۵).

باید با تکیه بر معیارها و ملاک‌های مورد قبول چنین جامعه‌ای «امنیت فرهنگی» را تأمین کرد.

در کتاب شریف **نهج البلاغه** دستورالعمل‌ها و معیارهایی وجود دارد که مولایمان علی علیه السلام آنها را برای سعادت‌مندی بشر در پرتو تأمین امنیت فرهنگی افراد بیان فرموده است. درست است که در کتاب شریف **نهج البلاغه** صحبت مستقیمی از امنیت فرهنگی نشده است، لیکن با توجه به تعریف امنیت فرهنگی، تمام مطالبی که در **نهج البلاغه** منجر به حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها و آداب و رسوم و هویت ملی می‌شود در این مقاله ذکر شده است و در ادامه هر آفتی که موجب خدشه‌دار شدن فرهنگ و ارزش‌ها می‌شود اشاره شده است.

شیوه کنکاش علمی به این صورت بوده که ابتدا کتب و مقالات مربوط به امنیت بالأخص امنیت فرهنگی مطالعه شده و راه‌های برقراری امنیت فرهنگی و آسیب‌شناسی آن استخراج شده، سپس با توجه به این پیش فرض‌ها به جستجوی موضوعی **نهج البلاغه** پرداخته‌ایم و هر فرموده‌ای از امام علیه السلام، که به صورت عمده باعث حفظ و ارتقاء سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم در جامعه می‌شود، در این مقاله ذکر شده است.

نکته دیگر در این بحث، ارتباط بین راه کارهای بحث شده با عنوان مقاله می باشد. به این مطلب باید توجه نمود که ارزش ها و آداب و رسوم و اعتقادات در هر جامعه ای متفاوت می باشد، لذا راه کارهای تأمین امنیت فرهنگی نیز در بعضی موارد متفاوت خواهد بود. بنابراین اصولی که مطرح خواهد شد عواملی است که باعث ارتقاء امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی می شود. البته باید توجه نمود امنیت فرهنگ در کشور در صورتی تحقق می یابد که هم مردم به این اصول پای بند باشند و هم کارگزاران در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها و جهت گیری ها این عوامل را به کار گیرند.

اینک با توجه به مطالب فوق روش های تأمین امنیت فرهنگی را در جامعه و با تکیه بر راه کارهای امیر مؤمنان علیه السلام دنبال می کنیم.

### راه های تأمین امنیت فرهنگی

#### ۱. افزایش آگاهی و بصیرت و فرهنگ سازی در جامعه

از نخستین گام ها در جهت تأمین امنیت فرهنگی، تقویت بنیان های فکری و فرهنگی است، یعنی امنیت فرهنگی در جامعه فراهم نمی شود، مگر این که آگاهی ها افزایش یابد و انسان ها از چنان رشد و بینشی برخوردار شوند که موج های مخرب فرهنگی قادر به تشویش ارزش ها و سنت ها نباشد.

در تعبیر زیبایی از حضرت علی علیه السلام، ایشان نقش آگاهی و دانش را نقش تأمینی می داند و می فرماید:

«العلم یحرسک» (سید رضی، ۱۳۸۰، حکمت ۱۴۷، ص ۶۶۰)؛ علم تو را پاسداری می کند.

به راستی آگاهی و دانش انسان را از گزند شبهات و تردیدها محافظت می کند. از این رو است که امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

«العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۶۹، ح ۱۰۹)؛ کسی که عالم به زمان خود باشد شبهات بر وی هجوم نمی آورند.

لذا باید برای ایجاد امنیت فرهنگی، از همان دوران کودکی و نوجوانی با

ارائه تعالیم صحیح، از تأثیر گذاری منحرفان بر آنها جلوگیری کرد و با فرهنگ سازی و ارتقاء بصیرت، آنان را از گزند شبهات مصونیت بخشید. چنانچه مولایمان علی علیه السلام در این مورد فرمود:

«علموا صبیانکم ما ینفعهم الله به لا تغلب المرءه برأیها» (مجلسی، ج ۲، ص ۱۷)؛ به کودکان خود مطالبی بیاموزید که خداوند آن را سودمند قرار داده است تا آنان را با افکار باطل خود گمراه نکنند.

از این رو همواره امام علی علیه السلام با آگاهی دادن مردم از مقاصد دشمن و نیز ابزار و روش‌ها و مصادیق آن زمینه‌های امنیت فرهنگی آنان را فراهم می‌آورد. ایشان از جمله راه‌های کسب آگاهی و بصیرت را تفکر و عبرت‌آموزی دانسته و در کتاب نورانی **نهج البلاغه** می‌فرماید:

«اگر از آنچه گذشته عبرت‌گیری آنچه را که باقی مانده می‌توانی حفظ کنی» (سید رضی، همان، نامه ۴۹، ص ۵۶۱).

به عنوان مثال یکی از مصادیق عبرت‌آموزی مسأله استحاله فرهنگی مسلمانان اندلس (اسپانیای فعلی) می‌باشد، لذا مسلمانان می‌توانند با عبرت‌آموزی از تاریخ گذشتگان موجب افزایش آگاهی و بصیرت خود و در نتیجه قوام فرهنگی جامعه شده و به فرموده امام علیه السلام موجب حفظ آنچه باقی مانده می‌شود.

بحث دیگر در این باب این است که برخی از دست‌اندرکاران عرصه‌های علوم اجتماعی بر این باورند که امنیت فرهنگی را باید از طریق غیر فرهنگی، مانند شلاق، زندان و مجازات‌های فیزیکی و مالی به دست آورد. دارندگان چنین تفکری یا از فرهنگ و مسائل فرهنگی بی‌اطلاع هستند و یا بینش پلیسی حاکم بر آنها، ذهن و فکرشان را چنان به خود مشغول ساخته که امکان اندیشیدن به شیوه‌های دیگر را ندارند. امنیت فرهنگی جز از طریق تحکیم بنیان‌های فرهنگی و تقویت و گسترش ابزار فرهنگی تأمین نخواهد شد، لذا در برابر به خطر افتادن امنیت فرهنگی باید با روش‌ها و استفاده از ابزار فرهنگی به مقابله پرداخت. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالْبُهَائِمُ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸،

ص ۲۴۵).

انسان، با روش‌های مؤدبانه‌پندپذیر تربیت می‌شود، این چهارپایان هستند که تنها با زدن تربیت می‌شوند. رهبر اندیشور انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (علیه‌السلام)، در این مورد می‌گویند:

«مقوله فرهنگ، مقوله چوب و چماق نیست. مقوله فرهنگ با مقوله میدان جنگ فرق دارد، هر میدانی ابزار و سلاح خودش را می‌طلبد» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

«نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می‌شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، این جا تفنگ قلم است» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

## ۲. دین باوری و ایمان

از دیگر عوامل بسیار مؤثر در ایجاد و تأمین امنیت فرهنگی دین باوری و ایمان و اعتقاد به حقانیت تعالیم آسمانی است. دین باوران به خاطر این که به منبع لایزال قدرت الهی، پیوند می‌خورده و خود را در پناه قدرت مطلق جهان می‌دانند از آرامش و اطمینان بالایی برخوردارند. امام علی (علیه‌السلام) نقش ایمان و یاد خدا را چنین ترسیم می‌کند:

«ان اوحشتهم الغربه آنسهم ذکرک» (سید رضی، همان، خطبه ۲۲۷، ص ۴۶۴)؛ اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان کند.

در جای دیگر مولای متقیان علی (علیه‌السلام) نقش دین در ایجاد امنیت را یادآور شده و می‌فرماید:

«ان مفارقة الدین مفارقة الأمن، فلا تنهأ بحياة مع مخافة» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۳؛ ج ۴۹، ص ۱۲۷)؛ همانا بی‌دینی مایه ناامنی است و در زندگی بدون امنیت خوشی وجود ندارد.

بی‌شک این ناامنی شامل ابعاد مختلف امنیت، از جمله بعد امنیت فرهنگی

می‌شود. شخص بی‌دین و بی‌ایمان خود را ملزم به رعایت ارزش‌ها و سنت‌ها نمی‌داند، لذا به شدت پایه‌های فرهنگی چنین جامعه‌ای سست است. بر همین اساس است که حضرت رضاعلی ع اعتقاد به خدا را به قلعه‌ای محکم در برابر تهدیدات و آسیب‌ها و هجمه‌های بیگانگان دانست و در برابر هزاران نفر از مردم نیشابور، از اجداد طاهرینش و از پیامبر اکرم ص و ایشان نیز از جبرئیل امین نقل می‌کند که خداوند عز و جل فرمود:

«کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» (مجلسی، همان، ج ۳، ص ۱۳؛ ج ۴۹، ص ۱۲۷)؛ ایمان و اعتقاد به این که جز «الله» خدایی نیست، دژ محکم من است پس هر کس در این دژ وارد شود از عذاب من در امنیت است. هرگاه انسان در یکی از مسائل زندگی، احساس ناامنی کند مضطرب و نگران می‌شود و اصولاً چنان که گفته‌اند ناامنی چیزی جز اضطراب، دلهره و نگرانی نیست و لذا برای زدودن نگرانی‌ها و ناامنی‌ها، به ویژه در حوزه فرهنگ، باید ایمان انسان‌ها را که بر مبنای تعالیم دینی شکل می‌گیرند تقویت کرد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۴۶)؛ آنان که گفتند خدای جهان آفرین پروردگار ماست و بر گفته خویش پایدار و ثابت مانند، هرگز دچار وحشت و اندوه نمی‌شوند.

### ۳. امر به معروف و نهی از منکر

برای پاسداری از سنت‌ها و ارزش‌های موجود جامعه و نگهبانی از سلامت فعالیت‌ها، شیوه‌های مختلفی را پیشنهاد کرده‌اند که هر کدام از آنها، در جای خود می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، ولی یکی از راه‌های بسیار مؤثر که در جهت سالم سازی فضای جامعه و ایجاد امنیت، نقش کارساز و غیرقابل انکار دارد «نظارت» است.

از نگاه اسلام، ترک امر به معروف، نه تنها ترک واجبی از واجبات الهی محسوب می‌شود و از گناهان بزرگ به شمار می‌آید، بلکه آثار و تبعات فراوان اجتماعی دیگری را نیز به دنبال دارد که یکی از آن آثار، تسلط اشرار بر مردم و

از میان رفتن امنیت و آرامش است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(۳۱)

«لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم» (سید رضی، همان، نامه ۴۷)؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر چنین شود اشرار بر شما مسلط خواهند شد و آن گاه برای رفع آنها به دعا و استغاثه خواهید پرداخت ولی (در پیشگاه خداوند این گونه نیایش‌ها) مستجاب نخواهد شد.

بنابراین بی توجهی به این فریضه الهی موجب ولایت و چیرگی فاسقان در جامعه خواهد شد و ارزش‌ها و سنت‌های پسندیده جای خود را به رذایل و بی‌هویتی‌ها خواهد داد.

علی علیه السلام در نهج البلاغه امر به معروف و نهی از منکر را سبب رهایی از آلودگی و راه رستگاری دانسته و رها کنندگان آن را مرده‌ای میان مردگان تعبیر نموده است (سید رضی، همان، حکمت ۳۷۳ و ۳۷۴).

ایشان همچنین فرموده:

«هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است و آن کسی که از زشتی‌ها نهی کرد بینی منافقان را به خاک مالید» (سید رضی، حکمت ۳۱، ۶۳۱).  
از این بیان مولای متقیان علیه السلام چنین استنباط می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر موجب نوعی مصونیت از استحاله فرهنگی و نیز موجب ناامیدی دشمنان می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پاسداری از سلامت جامعه و جلوگیری از هرگونه فساد و انحراف، قانون امر به معروف و نهی از منکر را تشریح کرده و از این طریق نظارت همگانی را در جامعه اسلامی خواستار شده است:

«کلکم راع و کلکم مسؤول» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۲، ص ۳۸)؛ همه شما نگهبان و مسؤول یکدیگر هستید.

امام باقر علیه السلام نیز در این مورد فرمود:

«ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء... بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۹۵).

از این بیان فهمیده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران است، که به وسیله آن واجبات اقامه می‌شود و امنیت فرهنگی و اجتماعی در پرتو آن تأمین می‌شود.

مقام معظم رهبری (م<sup>ط</sup>) در اشاره به اهمیت این موضوع و نقش تأمینی آن می‌فرماید:

«مسأله امر به معروف تکلیف همیشگی مسلمان‌هاست، جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند، و قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد» (مقام معظم رهبری، در دیدار علماء و روحانیون، ۷/۵/۷۱).

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (م<sup>ط</sup>) در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام فرمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپا داشتن همه فرایض اسلامی است باید در جامعه ما احیا شود و هر فردی از مردم خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد مسؤول احساس کند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۷۷).

#### ۴. تولی و تبری

از مفاهیم سازنده و اصطلاحات ارزنده که در نظام تربیتی و سیاسی و نیز در حفظ و تأمین امنیت فرهنگی، آثار و نتایج فراوانی را به دنبال داشته، مفهوم «تولی» و «تبری» بوده است. در فرهنگ اسلامی تولی به معنای پذیرش ولایت خدا و اولیای خداست. به عبارت دیگر آنان که خانه دل را از محبت خدا و دوستان خدا انباشته‌اند و این دوستی را در رفتار اجتماعی و سیاسی خود منعکس می‌سازند تولی دارند.

تبری واژه متضاد تولی است که به معنای دوری جستن می‌باشد و در فرهنگ



سیاسی اسلام، کسی دارای تبری است که ولایت و سرپرستی دشمنان خدا و اولیای خدا را نپذیرد و قلب و فکر خود را از بغض و دشمنی نسبت به دشمنان خدا و دوستانش پر نموده باشد. حضرت علی علیه السلام در ترسیم خط تولی و تبری به فرزنداناش امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرماید:

«کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً» (سید رضی، همان، نامه ۴۷، ص ۵۵۹)؛ دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.

تولی و تبری در حقیقت یک نوع مصونیتی است که در رفتار، گفتار و پندار فرد ایجاد می کند و او در پناه چنین مصونیتی می تواند آرمانها و اعتقادات خود را حفظ کرده و در حفاظتی از امنیت فرهنگی قرار بدهد، لذا در تاریخ زندگانی کسانی که از تولی و تبری بالایی برخوردار بوده اند ثبت نشده است که این دسته از انسانها در دام تزویر دشمنان گرفتار آمده باشند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی دیگر می فرماید:

«سزاوار نیست که مسلمان با فاجر برادری کند زیرا کارش را برایش زینت می دهد و دوست می دارد که مثل خودش باشد و در امر دنیا و معاد یاریش نمی کند» (کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۶۴۰).

دوستی با دشمنان خدا باعث می شود آنان فسق و فجور و بدعتها و ضد ارزشها را در جامعه ترویج دهند و مردم را مانند خود کنند. همچنان که امروزه دوستی با جهان غرب باعث شده فرهنگ غربی در جامعه نفوذ کرده و سنتهای پسندیده جای خود را به بدعتها داده است. خداوند سبحان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را این طور معرفی می کند:

«محمد فرستاده خدا است و آنان که با او هستند به کافران سخت گیر و لیکن در میان خودشان (مؤمنان) مهربانند» (فتح/۴۸).

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در باب ضرورت تولی و تبری، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان مصداق واقعی این امر بیان کرده و فرموده:

«چون دانست خدا چیزی را دشمن می دارد آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده آن را خوار نگاشت» (سید رضی، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۱).

تولی و تبری در عرصه سیاست، اعم از سیاست داخلی و خارجی یکی از مبانی و اصول رفتاری کارگزاران نظام اسلامی به شمار می‌آید و لذا جامعه اسلامی در ارتباطات، برنامه ریزی‌ها، جهت‌گیری‌ها براساس «تولی» و «تبری» اداره می‌شود.

### ۵. فرهنگ علوی و الگوسازی صحیح

در میان جوامع، مردمی که از قرن‌های پیشین دل به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سپرده‌اند و از میان همه کاخ‌های پر هیمنه جهان، خانه گلین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را انتخاب کرده‌اند، فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تأثیر بسیار بالایی در زندگی‌شان داشته است.

فرهنگ اهل بیت عصمت علیهم السلام، که از چشمه‌سار مکتب ولایت علوی می‌جوشد در طول زمان، بستر تاریخ را درنور دیده و از میان دشت‌ها و کوهستان‌های سلیقه و اندیشه‌ها عبور کرده و پیچ و خم‌های فتنه‌های فرهنگی و طوفان‌های شیطانی را پشت سر گذاشته و در مسیر خود جان‌های تشنه را سیراب کرده است، امروز نیز می‌تواند با همان قدرت و بلکه به سبب شرایط جهان، بالنده به پیش بتازد و جلوی هر گونه تهاجم فرهنگی را بگیرد. کافی است که فرهنگ اهل بیت علیهم السلام به عنوان فرهنگ برتر در جامعه اسلامی رواج پیدا کرده و در اعمال و کردار مردم و حاکمان دیده شود.

در **نهج البلاغه**، مولای متقیان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگوی کامل معرفی نموده و فرموده است:

«خوشا به حال آن کسی که ... سنت پیامبر او را کفایت کرده و بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد» (همان، حکمت ۱۲۳، ص ۶۵۳).

بی‌تردید هر انسانی که قرآن و سنت را الگوی خود قرار دهد و بدعت در آن نمی‌گذارد امنیت فرهنگی جامعه را تضمین می‌کند. در بیان دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مردم، به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم

جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاک باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنها عقب نمانید که نابود می‌گردید» (سید رضی، همان، خطبه ۹۵، ص ۱۸۱).

به راستی اگر این سخن مولایمان را آویزه گوشمان می‌کردیم و این چنین پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را الگوی خود قرار می‌دادیم، هیچ‌گاه شیخون فرهنگی دشمنان به جایی نمی‌رسید و مقاومت و ایستادگی ما در برابر این تهدیدها افزون می‌شد.

#### ۶. پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان

اسلام که مخالف بدعت می‌باشد و سنت‌های زشت جاهلی را نفی می‌کند، در عین حال مدافع سنت‌های صحیح گذشتگان می‌باشد، زیرا حفظ سنت‌های نیکوی گذشتگان موجب حفظ اصالت و هویت و فرهنگ جامعه و باعث عدم نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و موجب امنیت فرهنگی جامعه می‌شود. امام علیه‌السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر برای فرمانداری مصر مرقوم فرمود، مالک را به حفظ آداب و رسوم پسندیده دعوت نموده و فرموده است:

«آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزین» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۳).

امام علی علیه‌السلام در بیان دیگر می‌فرماید:

«مقاربه الناس فی اخلاقهم أمن من غوائلهم» (همان، حکمت ۴۰۱)؛ هماهنگی

در اخلاق و رسوم مردم، مایه امنیت از دشمنی‌ها و کینه‌هاست.

از این فرمایش حضرت چنین برداشت می‌شود که تا جایی آداب و رسوم گذشتگان مخالف شرع نباشد، پاسداشت آن موجب حفظ امنیت فرد خواهد شد. البته باید توجه نمود که فرهنگ غلطی که موجب نابودی عزت و هویت مردمان و نیز مورد پسند دشمنان اسلام باشد باید برچیده شود. لذا زمانی که دهقانان شهر

انبار به استقبال امام، پیاده شده و پیشاپیش مولای متقیان امام علی علیه السلام دویدند، فرمود چرا چنین می کنید؟ گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می کردیم. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیا خود را به زحمت می افکنید (سید رضی، همان، حکمت ۳۷). امروزه نیز آداب پسندیده‌ای وجود دارد که از نیاکان ما به رسیده است و موجب ارتقاء فرهنگ شده است: دید و بازدیدهای عید نوروز، لباس‌های پوشیده سنتی و صدها سنت ایرانی اصیل موجب شده هویت اسلامی ایرانی در برابر شیخون فرهنگی دشمنان مصون باشد.

## ۷. مصون سازی علوی

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام همواره با تشویق مردم به رعایت ارزش‌های اخلاقی و نیز تقویت نهاد خانواده و گسترش ازدواج و ارضاء صحیح غرایز و همچنین رشد خودباوری و اعتماد به نفس و نیز برقراری عدالت توانست امنیت فرهنگی جامعه را فراهم آورد و نوعی مصونیت در برابر هجمه‌های فرهنگی ایجاد کند. همچنین امام علیه السلام با مذمت فقر و بیکاری، که از اسباب استحاله فرهنگی است، جامعه اسلامی آن زمان را از خطرات غیرفرهنگی مصون ساخت.

## آسیب شناسی امنیت فرهنگی

هر چیزی آفتی دارد که باید آن عامل مخرب و مانع شناخته شده و نقطه آسیب پذیری تشخیص داده شود تا به مبارزه با آن اقدام نمود. حال به آفاتی که امنیت فرهنگی جامعه را به خطر می اندازد از منظر نهج البلاغه اشاره می کنیم.

### ۱. ایجاد شبهه و تردید در نظام فرهنگی

انسان‌ها به یک سلسله اصول و آرمان‌ها معتقدند و بنای زندگی خود را نیز بر آن نهاده‌اند و شب و روز خود را با آن سپری می کنند، خود را بر مبنای آن اصول و اهداف تنظیم نموده و در مواردی برای حفظ حرمت آن جان خویش را نثار

می‌کنند.

از جمله عواملی که امنیت فرهنگی جامعه را با خطر جدی رو به رو می‌سازد تردید در اصول و آرمان‌های فرهنگی است. وقتی آرمان‌ها و اصولی که انسان را تا بلندترین قله‌های انسانیت و عزت بالا می‌برد و قادر است تا سیادت و سعادت را برای او از هر جهت فراهم آورد با آفت تردید رو به رو می‌شود، نظام فرهنگی جامعه را به تزلزلی مبتلا می‌سازد که به سادگی نمی‌توان آن را ترمیم کرد. امام علی علیه السلام در تعریف شبهه می‌فرماید:

«شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنها مسیر هدایت الهی است، اما دشمنان خدا، دعوت کننده‌شان در شبهات گمراهی است و راهنمای آنان کوری است» (سید رضی، خطبه ۳۸).

هرگاه جامعه‌ای شاهد باشد که هویت انسانی، فضیلت اخلاقی، عظمت اجتماعی و ریشه‌های تاریخی خود را که برای پاسداری از آن فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های فراوانی انجام گرفته، مورد تردید قرار داده‌اند باید بدانند که امنیت فرهنگی او در معرض آسیب جدی قرار گرفته است.

آنچه همواره زمینه‌ساز، حضور جریان سیاسی در جوامع و ملت‌ها گردیده است، ابتدا با ایجاد شبهه پراکنی توأم بوده است. زیرا شبهه فضا را تاریک و مبهم کرده و سپس حرکت عینی و سیاسی صورت می‌گیرد. معاندین امام علی علیه السلام توانستند با ایجاد شبهات فراوان، جامعه را از فیض ولایت امری امامت علی علیه السلام محروم نمایند.

بنابراین در سایه بحران و فقدان امنیت فرهنگی است که فتنه‌ها به راحتی قدرت اظهار وجود پیدا می‌نمایند و حق را در انزوا قرار می‌دهند. آیا تشکیل پرچم‌های قیام و خروج بر علیه امام عصر، در دوران مظلومیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جز از راه شبهات بوده است؟ آیا تشکیل لشکر هزار نفری معاویه در مقابل حضرت علی علیه السلام وصی بلافضل نبی اکرم صلی الله علیه و آله غیر از تمسک به شبهات بود؟ از این رو است که امام علی علیه السلام در مورد تردید می‌فرماید:

«آن کس که در تردید باشد زیر پای شیطان کوبیده شود» (همان، حکمت ۳۱، ص ۶۳۱).

هرگاه رگه‌های تردید و شک در وجود انسان نفوذ کند شیطان وی را وسوسه نموده و پایه‌های ایمانی او متزلزل شده و با اندک تبلیغ فرهنگ غربی، به سوی آنها متمایل شده و امنیت فرهنگی جامعه به تدریج رو به فنا می‌رود. امروزه ایجاد شبهه به صورت سازمانی صورت می‌گیرد و نسبت به همه اعتقادات دینی و مذهبی القاء شبهه می‌کنند و برای این کار مراکز تحقیقاتی ایجاد کرده‌اند. چگونه می‌شود دین و حکومت دینی معصوم و غیر معصوم را از اثر انداخت و خنثی کرد؟ یکی از راه‌های مقابله با دین، توسعه ملکه تردید نسبت به دین است که هدف کلام و فلسفه غرب است در دانشگاه‌های غرب و هدف دین‌شناسی غرب است.

اگر چنین القائاتی در میان مردم مؤثر بیفتد که نظام فرهنگی شما مربوط به قرن‌های گذشته است و امروز کارایی مناسب را ندارد. اگر تبلیغات شوم دشمن مؤثر افتد که پای‌بندی به این اصول فرهنگی نوعی ارتجاع و کهنه پرستی است. اگر القاء شود که دوران سنت‌گرایی گذشته و عصر مدرنیته و پست مدرن را می‌گذرانیم و از این گونه القائات که در جهت تردید نسبت به توانمندی‌های فرهنگی و زیر سؤال بردن افتخارات و عظمت‌های گذشته انجام بگیرد امنیت فرهنگی از آن جامعه رخت برمی‌بندد و خسارت‌های سنگینی بر میراث فرهنگی آن جامعه وارد خواهد شد. این شبهه‌افکنی توسط دشمنان به صورت تدریجی ستون‌های ایمان و یقین ملت را متزلزل می‌سازد. به همین سبب است که در نظام توحیدی اعمال کم همراه با یقین با فضیلت‌تر از عبادت‌های طولانی همراه با شک است. چنانچه مولایمان در **نهج البلاغه** می‌فرماید:

«خوابیدن با یقین، برتر از نماز با شک و تردید است» (سید رضی، همان، حکمت ۹۷، ص ۶۴۵).

متولیان امور و مسؤولان فکری و فرهنگی نظام، به ویژه مردمی که به سرنوشت انسانی خود، مبتنی بر اصول و باورهای فرهنگی می‌اندیشند، باید در

برابر این آفت ویران‌گر، با قوت و قدرت بایستند و نگذارند که خناسان خیانت کار، به شیوه‌ای موریانه وار، اذهان و افکار را نسبت به اصول آرمانی جامعه متزلزل سازند.

## ۲. تهاجم فرهنگی

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌هایی که امنیت فرهنگی را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد حمله‌های همه جانبه فرهنگی بیگانه به باورها، ارزش‌ها، آداب و سنن و اصول اخلاقی جامعه است. بیگانگان برای در هم شکستن ارکان فرهنگی یک ملت، با برنامه‌ریزی‌های دقیق و روش‌های متعدد و کارساز، به حوزه فرهنگی ملت مورد نظر، هجوم می‌برند و آنان را از آن ارزش‌ها به کلی جدا می‌سازند. رهبر اندیشور انقلاب اسلامی، «تهاجم فرهنگی» را این گونه تعریف کرده‌اند: «تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی و یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، همان، ص ۶۳).

در روزگار امیرمؤمنان علیه السلام نیز ایشان به مقابله علیه تهدیدات فرهنگی یهود برخاست و قُصاصی که در مساجد به ذکر داستان‌های یهود و تاریخ و فرهنگ یهود می‌پرداختند برخورد نمود، چنان که در تاریخ آمده است:

«إن امیر المؤمنین رأی قاصاً فی المسجد فضربه و طرده» (حر عاملی، ج ۳، ص ۵۱۵؛ الحیة، ج ۱، ص ۳۱۱)؛ امیرالمؤمنین قصه‌گویی را در مسجد دیدند و او را زده و بیرون کردند.

هدف از تهاجم فرهنگی، کنترل فرایند تصمیم‌گیری و شیوه اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود، بدین ترتیب که «مهاجم فرهنگی» سعی می‌کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن‌آوری، به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم

آورد و با تحدید، تضعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها، زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد.

بنابراین تهاجم فرهنگی به مفهوم نفی هویت فرهنگی و ملی کشور مورد هجوم، برای برقرار کردن سلطه فکری و فرهنگی از طریق تغییر باورها، رفتارها، روش‌ها و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی آن ملت، منطبق با الگوهای فرهنگ مهاجم خواهد بود (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۱).

تهاجم فرهنگی، در حقیقت تهاجم به ریشه‌هاست، لذا از درون، باورها را تخریب می‌کند و نگرش‌ها را تغییر می‌دهد و به جای ارزش‌های تخریب شده باورهایی را جایگزین می‌کند که اصول و ارکان فرهنگی مهاجم را تشکیل می‌دهد و از همین راه به استحاله فرهنگی ملت‌ها دست پیدا می‌کند.

امروز فرهنگ مهاجم غرب، که امنیت فرهنگی جوامع مختلف بشری را مورد خطر قرار داده است، در خصوص فرهنگ ملت‌هایی همچون ملت مسلمان ایران، بر محورهای زیر تأکید می‌ورزد:

۱. انسان محوری؛
۲. علم به جای مذهب؛
۳. مادیت به جای معنویت؛
۴. دنیاگرایی در برابر ایمان به آخرت؛
۵. آزادی به جای آزادگی.

این در حالی است که در سرتاسر **نهج البلاغه** توحید و خدامحوری اساس بوده و دین و معنویت سعادت بشر را رقم می‌زند و امام زهد و رهایی از قیود دنیا را مکرر بیان نموده است. در تعالیم ایشان اعتقاد این است که تابت‌های داخلی و درونی نشکندت‌های بیرونی شکسته نخواهد شد و آزادی‌های حقیقی اجتماعی، وقتی تحقق پیدا می‌کند که آزادی‌های درونی تحقق پیدا کرده باشد.

مهم‌ترین شیوه‌های دشمنان اسلام برای ناتوی فرهنگی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

تضعیف اعتقادات، تحریف گرایش معنوی، طرد الگوها، ایجاد تفرقه قومی،



ترویج فحشاء.

از بین فزاینده‌های **نهج البلاغه** به راحتی می‌توان تزلزل فرهنگی مردمان آن زمان را برداشت کرد. عدم نشر احادیث نبوی در زمان خلفا نوعی طرد الگو و سنت نبوی بود. اشارات امام علیه السلام به مردم کوفه مبنی بر تحریف گرایش معنوی آنان و نیز گسترش قصاص در مساجد و ترویج شراب خواری دال بر این مطلب است.

### بسترهای تهاجم فرهنگی

بدیهی است که تهاجم فرهنگی بدون بستر سازی مناسب برای رسیدن به اهداف ممکن نیست. اگر همه لوازم تهاجم فرهنگی فراهم شود، ولی شرایط و بستر مناسب وجود نداشته باشد در واقع همه تلاش‌های قبلی ناکام می‌ماند. از این رو به برخی از مواردی که موجب پذیرش و تقویت فرهنگ مهاجم می‌شود اشاره می‌گردد که می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد:

#### ۱. بسترها و عوامل بیرونی

زمینه‌ها و ابزاری که به نحوی رد پای کشورهای خارجی و غربی در آنها دیده می‌شود بسترهای بیرونی هستند از جمله:

الف - تلاش برای دین زدایی از راه‌های مختلف: امام علی علیه السلام با هشدار به ره‌آورد شوم دین‌گریزی می‌فرمود:

«مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت» (سید رضی، همان، حکمت ۱۰۶).

ب - ایجاد روحیه خود باختگی فرهنگی: دشمنان فرهنگ ناب اسلامی با ایجاد روحیه خود باختگی و عدم اعتماد به نفس، نوعی وابستگی فرهنگی به دشمن را القاء می‌کنند. مولای متقیان علیه السلام با هشدار به این روحیه ضعیف و نابود شدنی فرمود: «نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست» (همان، حکمت ۱۴۹).

ج - جنگ روانی و ترور شخصیت: از دیگر آسیب‌ها، در حوزه فرهنگ که

امنیت و آرامش فکری و فرهنگی افراد را به خطر می‌اندازد جنگ روانی است. همان طور که از معنا و مفهوم این اصطلاح پیداست جنگ روانی با افکار، اعصاب و روحيات، واژه‌ها و اصطلاحات سر و کار دارد.

**تعریف جنگ روانی:** مفهوم اساسی جنگ روانی عبارت است از دست کاری عقاید از طریق به کارگیری یک یا چند رسانه ارتباطی. (تبلیغات و جنگ روانی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ص ۳).

هدف ترور شخصیت، خارج نمودن قله‌های بلند شایستگی از مسیر خدمت و اثربخشی است که از طریق تهمت زدن و یا به تصویر کشیدن نقاط ضعف آنها صورت می‌پذیرد و در صورتی که نتوانند فردی را ترور فیزیکی کنند، به ترور شخصیت روی می‌آورند. چنان که دسیسه‌های معاویه علیه امام علی علیه السلام، ترور شخصیت امام را به جایی رساند که واعظین بر منبر خود، پس از لعن و سب امام لب به سخن می‌گشودند.

## ۲. زمینه‌ها و عناصری که ریشه داخلی دارند و عوامل درونی هستند

الف - مشکلات و کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی: این مشکلات چنان بستر شیخون فرهنگی را فراهم می‌کند که امام علی علیه السلام از فقر به عنوان مرگ بزرگ یاد می‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). بی‌تردید جامعه‌ای که دچار این مشکلات باشد، کشورهایی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته باشند الگوی کورکورانه این جوامع خواهند بود. امروزه نیز دیده می‌شود به دلیل پیشرفت اقتصادی غرب، متأسفانه فرهنگ غربی آنها نیز در جوامع اسلامی نفوذ کرده است.

ب - جهل و ناآگاهی مردم: چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود، پس هر چه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است» (سید رضی، همان، خطبه ۱۵۴، ص ۲۸۵).

ج - هوی و هوس و بدعت گذاری: حضرت علی علیه السلام در کتاب گران قدر **نهج البلاغه** این دو عامل را به عنوان سرآغاز فتنه‌ها دانسته و فرموده است: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ، وَ تَبْتَدِعُ» (همان، خطبه ۵۰)؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت گذاری در احکام آسمانی است.

### ۳. النقاط

از آفت‌های بسیار خطرناک فرهنگ‌های بشری، که قدرت تحرک و پویایی آنها را می‌گیرد، آفت «التقاط» و امتزاج حق و باطل است. در آن جا که لباس حق بر اندام باطل پوشیده می‌شود و باطل در لباس حق و باقیافه حقانیت آشکار می‌گردد، «التقاط» انجام گرفته است.

قرآن کریم از این عمل زشت و زیان بار به شدت نهی می‌کند و مروجان و مبلغان فکر و فرهنگ را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «بر اندام حق لباس باطل نپوشانید تا حق و حقیقت را پنهان سازید، در حالی که شما به حقانیت حق آگاه هستید» (بقره/۴۲).

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی التقاط و امتزاج حق و باطل و بهره‌گیری از باطل از حق و به خطر افتادن امنیت فرهنگی و فکری جامعه و هم چنین زیان‌هایی که از این طریق بر انسان‌های حق طلب وارد گردیده است سخنان روشن‌گر و فراوانی دارد که در این جا به نمونه‌ی زیر بسنده می‌کنیم:

«فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين، و لو ان الحق خالص من لبس الباطل لا انقطعت عنه ألسن المعاندين، و لكن يؤخذ من هذا ضعف فيمزجان، فهنا لك يستولى الشيطان على اوليائه، و ينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنی» (سید رضی، خطبه ۵۰، ص ۱۲۸)؛ پس اگر باطل با حق درآمیخته و مخلوط نمی‌شد، حق بر حق جویان و حقیقت طلبان پوشیده نمی‌گردید و نیز اگر حق از پوشش باطل آزاد شود زبان معاندان و بدخواهان از بدگویی قطع می‌گردد و لیکن بخشی از حق و بخشی از باطل گرفته و درهم آمیخته می‌شوند،

پس در چنین شرایطی شیطان بر دوستان خود مسلط می‌شود و کسانی که عنایت خداوند شامل حالشان گردیده است از چنین شرایط شبهه ناک و گمراه کننده نجات پیدا می‌کنند.

از لحاظ تاریخی، حرکت‌های التقاطی مربوط به دوره و زمان خاص نیست. این گونه حرکت‌های مخرب، همیشه بوده و از این به بعد هم خواهد بود. در هر کجا که فکر و اندیشه‌ای ظهور پیدا می‌کند بر رهبران و سردمداران آن اندیشه است که به التقاط، به عنوان یکی از آفت‌ها و آسیب‌های فکری حساسیت ویژه داشته باشند. قرآن ناطق، مولا امیر مؤمنان علیه السلام با بیان این که دین خدا کامل است و نیاز به تکمیل کردن با مکاتب و عقائد دیگر ندارد فرمود:

«آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاده و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند؟ و خدا رضایت دهد؟» (همان، خطبه ۱۸، ص ۶۳).

انقلاب اسلامی ایران که در این مقطع زمانی به وجود آمد و توسط رهبر کبیر این نهضت، حضرت امام خمینی رهبر رهبری شد، با توجه به محتوای فرهنگی و اعتقادی این انقلاب، آن رهبر بیدار دل، در خصوص آفات فرهنگی و به ویژه حرکت‌های التقاطی، بارها و بارها، با تعبیرهای مختلف حساسیت خویش را نشان داده و خطر این آفت را به جامعه اسلامی و انقلابی گوشزد فرموده‌اند. او به کسانی که برای پیشبرد اهداف خود دست به التقاط می‌زنند هشدار می‌دهد که چنین روش‌هایی خیانت به اسلام محسوب می‌گردد:

«طلاب علوم دینی و دانشگاه‌ها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروه‌های منحرف را کنار گذاشته و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج‌اندیشی‌ها نمایند. این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سال‌های آینده روشن می‌شود. با کمال تأسف گاهی دیده می‌شود که به علت عدم درک صحیح و دقیق مسائل اسلامی، بعضی از این

مسائل را با مسائل مارکسیستی مخلوط کرده‌اند و معجونی به وجود آورده‌اند که به هیچ وجه با قوانین مترقی اسلام سازگار نیست» (خمینی ره، صحیفه نور، چاپ اول، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۲۳).

شهید مطهری ره از دیگر پیشگامان مبارزه و مقابله با التقاط بود که به عنوان نگهبانی هوشیار و مرزبانی بیدار، در برابر اندیشه‌های التقاطی ایستاد و با سلاح بیان و برهان، قلم و قرآن، طبل رسوایی این گروه مهاجم به حوزه عقیده و ایمان را به صدا درآورد و در نهایت خود با سرافرازی و عزت در این میدان به شهادت رسید. او در این مورد می‌گوید:

«اگر قرار شود به اسم اسلام، یک مکتب التقاطی درست شود و روشمان این باشد که از هر جایی چیزی اخذ کنیم، یک چیزی از مارکسیسم بگیریم، یک چیز از انگیزستانسیالیسم بگیریم و چیز دیگر از سوسیالیسم بگیریم و از اسلام هم چیزهایی داخل کنیم و از مجموع این‌ها آش شله قلمکاری درست کنیم، بگوییم این است اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند، زیرا در کوتاه مدت شاید بشود حقیقت را پنهان کرد، ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند» (مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، صدرا، ۱۳۷۲، صص ۵۱ و ۵۲).

آن عالم دردمند و شهید ارجمند در فرازی دیگر از سخنان خود می‌فرماید:

«من به عنوان یک فرد مسؤول به مسؤولیت الهی، به رهبران عظیم‌الشان نهضت اسلامی که برای همه‌شان احترام فراوان قائلم هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی، اعم از آن که از روی سوء نیت و یا عدم نیت صورت گیرد خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند» (مطهری، چاپ ۱۲، ۱۳۶۸، ص ۸۹).

#### ۴. عدم شناسایی سران حکومت‌ها

شکی نیست که قدرت و هیأت حاکمه در یک جامعه تأثیر چشم‌گیری بر ایجاد امنیت فرهنگی آن جامعه دارد. اگر حکمرانان مقید و مطیع ارزش‌های دینی

جامعه خود باشند؛ به دوام و گسترش فرهنگ دینی کمک بسزایی می‌نمایند و اگر فاسد و بی‌لیاقت باشند، صدمات جبران‌ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر مادی و معنوی جامعه وارد و عامل بحرانی در عرصه فرهنگ می‌شوند. به همین دلیل دشمن از طریق حکام وابسته و فاسد خیلی سریع‌تر می‌تواند به مسخ فرهنگ دینی و جایگزین کردن فرهنگ مورد نظر خود دست یازد.

امام علیه السلام در کلامی از کلمات شیرین خویش وظیفه حاکم را این‌گونه تبیین می‌فرماید:

«ان احق الناس بهذ الامر اقواهم علیه و اعلمهم بامر الله فيه فان شغب شاغب استعبت» (سید رضی، همان، خطبه ۱۷۳)؛ سزاوارترین اشخاص به خلافت (حکومت) آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومند و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد تا اگر آشوب‌گری به فتنه‌انگیزی برخیزد به حق بازگردانده شود. هرگاه عده‌ای از دشمنان داخلی و یا خارجی بکوشند تا فضای آرام جامعه را ناآرام نمایند، اعتقادات مردم را متزلزل کنند، اذهان مردم را آشفته نمایند. در پی استحاله فرهنگی، وارونه کردن ارزش‌ها و مسخ فرهنگی برآیند، در این صورت، زمامدار و کارگزاران نظام وظیفه دارند که در برابر این تهدید و ناامنی فرهنگی ایستادگی نمایند، تا امنیت فرهنگی برقرار گردد.

امام علی علیه السلام آن‌گاه که باخبر شده بود که معاویه گروهی را به مکه گسیل داشته است، تا در موسم حج، اذهان مردم را متشتت کند و امنیت فرهنگی مردم را سلب نماید، نامه‌ای به فرماندارش در مکه، «قثم بن عباس» نوشت تا این حرکت معاویه را خنثی نماید.

حضرت در این نامه چنین نوشت:

«اما بعد، مأمور اطلاعاتی من در مغرب (شام) برایم نوشته و مرا باخبر کرده است که گروهی از مردم «شام» به سوی مکه و برای حج گسیل شده‌اند، گروهی کوردل، ناشنوا و کوردیده که حق را با باطل مشوب می‌سازند، و در طریق نافرمانی خالق از مخلوق اطاعت می‌کنند، با دادن دین خود، شیر از پستان دنیا می‌دوشند و آخرت را که در انتظار نیکان و پاکان است، به متاع این دنیا

می‌فروشد، در حالی که هر کار نیک نتیجه‌اش عاید عامل آن می‌شود؛ و جزای شر جز به فاعلش نمی‌رسد. بنابراین، در این مورد آن چه در اختیار داری سخت قیام کن. قیام شخصی دوراندیش و نیرومند، قیام شخصی عاقل و نصیحت‌کننده، قیام کسی که از سلطان خویش اطاعت می‌کند و مطیع فرمان امام و پیشوای خویش می‌باشد» (سید رضی، همان، نامه ۳۳).

امام علی علیه السلام، در مورد استقرار و دوام امنیت فرهنگی، کوشید تا عوامل استحاله فرهنگی را به مسلمانان بشناساند و آنان را از ارتکاب آن بازدارد.

### ۵. رفاه طلبی و دنیازدگی

القاء روحیه رفاه‌طلبی و دنیاگرایی یکی از محورهای اصلی بحران در امنیت فرهنگی جوامع است. دشمن برای سست کردن عقاید و اصول فرهنگ جوامع مستقل به خصوص کشورهای اسلامی طرح‌های مختلف و متنوعی را پی‌ریزی می‌کند.

یکی از عوامل فرهنگی، که باعث موفقیت و توسعه دین و وحدت پیروانش می‌شود، تأکید بر عدم وابستگی و دلبستگی مسلمانان به زخارف دنیوی و هواهای نفسانی است که این امر باعث می‌شود که دل‌های آنان همواره متوجه خدا بوده و خدا محور اصلی وحدت برای همه باشد و از طرفی عدم دلبستگی به مادیات دنیا باعث دوام روحیه دین‌مداری در امت اسلامی خواهد شد که در این صورت هیچ قدرتی را یارای غلبه بر امت اسلامی نخواهد بود. برای اولین بار این حرکت شوم با نیت تخلیه و استحاله روحی و معنوی جوانان مسلمان در اندلس (اسپانیای فعلی) به آزمایش گذاشته شد که متأسفانه نتیجه مثبتی را برای دشمن به ارمغان آورد. آنها به راحتی توانستند از طریق بدحجابی و وسایل عیش و نوش دیگر عوامل نفسانی جوانان را به کاباره کشانده، کم‌کم ملت مسلمان اندلس را از روحیه جهاد و دنیاگریزی تخلیه کنند و در گام بعدی به راحتی، جلو‌گسترش و نفوذ اسلام را در آن منطقه بگیرند. امام علی علیه السلام این منفذ ورودی دشمن را بیان کرده و سفارش می‌نماید که:

«فلاتكونوا انصاب الفتن و اعلام البدع و الزموا ما عقد عليه حبل الجماعة...» (سید رضی، خطبه ۱۵۲)؛ سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است بر خود لازم بشمارید... لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید. شما برابر دیدگان خداوندی قرار دارید که گناهان را حرام کرد و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود.

مولی الموحدین حضرت علی علیه السلام با اشاره به این که هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد خواهش‌های نفس پرده عقل او را می‌درد و دوستی دنیا دل را می‌میراند. در ادامه می‌فرماید: «شيفته بی اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی که چیزی از دنیا در دست دارند» (سید رضی، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۵). به روشنی از این مطلب می‌توان استنباط کرد که شیفتگان دنیا اسیر و برده دنیا زدگانند که این امر سبب استحاله فرهنگی فرد دنیازده خواهد شد.

در جای دیگر امام علیه السلام با مذمت و نکوهش دنیای حرام و با اشاره به آرزوهای فریبنده دنیا می‌فرماید:

«دنیای حرام چونان مار است، که پوستی نرم و زهری کشنده دارد پس از جاذبه‌های فریبنده آن روی گردان، زیرا که زمان کوتاهی در آن خواهی ماند» (همان، نامه ۶۸، ص ۶۰۹).

### نتیجه‌گیری

با تکیه بر آنچه گذشت، بر اساس تعالیم روح بخش کتاب **نهج البلاغه** می‌توان این چنین نتیجه گرفت که در صورت افزایش آگاهی و بصیرت و ایمان و دین باوری مردم و نیز گسترش روحیه امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری و الگوپذیری دینی و پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان و همچنین ارضاء صحیح غریزه جنسی و نیز برقراری عدالت و رفع بیکاری و فقر، می‌توان زمینه‌های تحقق امنیت فرهنگی را فراهم کرد. در مقابل با مبارزه علیه شبهه افکنی و تهاجم فرهنگی و نیز التقاط و رفاه طلبی و حاکمان نالایق، می‌توان موانع



## رسیدن به امنیت فرهنگی را از میان برداشت.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آشنا، حسام الدین و اسماعیلی، محمد صادق (۱۳۸۸)، «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۵.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، قدرت نرم، «فرهنگ و امنیت (مجموعه مقالات)»، تهران، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. باقری، سیامک و یوسفی (۱۳۸۸)، «چستی تهدید نرم»، مجموعه مقالات همایش امنیت نرم (امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران)، دانشکده امام هادی علیه السلام، چاپ اول.
۶. تیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶)، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۸. جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، «امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مؤلفه‌ها)»، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. خمینی رحمته الله، روح الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور، ج ۱۲، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۳)، «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم.
۱۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
۱۲. سخنان مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
۱۳. شیخ حر عاملی (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم، چاپ اول.
۱۴. صالحی امیری، سید رضا و نادری افسر افشاری (۱۳۹۰)، «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقاء امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹.
۱۵. علی اکبری، حسن (۱۳۷۵)، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات، روایات و فقه، چاپ صفا، چاپ اول.
۱۶. فراتی، عبدالوهاب (بی تا)، «درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)»، ناشر معاونت امور اساتید و دروس معارف.
۱۷. کلینی، محمد (۱۳۸۵)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران، انتشارات قائم آل محمد علیه السلام، چاپ دوم.

۱۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران، نشر نی.
۱۹. لاریجانی، علی و ملکی تبار، مجید (۱۳۸۶)، «بررسی راهبردی - امنیتی تأثیرات ماهواره بر باورهای جوانان»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هشتم، شماره ۲۹.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۲)، *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۲۱. مستقیمی، بهرام (۱۳۶۵)، «نقش روابط فرهنگی در سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی، ۳۱ اردیبهشت.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ نهم، انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
۲۴. ملکی، حسن (۱۳۸۶)، «مهندسی فرهنگی از طریق آموزش‌های رسمی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی، جلد اول، تهران، انتشارات اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۲۵. معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲)، *فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفضیلی مفاهیم نهج البلاغه)*، تهران، نشر ذره.
۲۶. نیک زاد، عباس (۱۳۸۱)، «دین و امنیت»، دوماهنامه رواق اندیشه، شماره ۱۵.
۲۷. هرنجی، منصور (۱۳۹۰)، *ابزارهای تهاجم فرهنگی و راههای مقابله با آن*، انتشارات موج، چاپ اول.
۲۸. ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۷۶)، «سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ج.ا.ا.»، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. آشوری، داریوش (بی تا)، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید، چاپ سوم.
۳۰. محمدی، علی (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»، جام جم، مورخ ۸۱/۸/۳۰.
۳۱. میرزایی، منصور، «شبیخون فرهنگی»، تبریز، نشر احرار، صص ۴۲ و ۴۳.

## اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روان‌شناسی\*

□ علی احمد پناهی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی سازنده‌ای است که برگرفته از آموزه‌های دینی و روان‌شناسی است. پرسش اساسی عبارت است از «اصول و راهبردهای ارتباطات مؤثر اجتماعی از منظر دین و روان‌شناسی چیست؟». روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. به این منظور پس از شناسایی و استخراج مفاهیم و مستندات از متون دینی و روان‌شناسی به تحلیل محتوای آنها پرداخته و به اصول و راهبردهایی که مستند به متون دینی و روان‌شناسی است، اشاره می‌گردد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شاخص‌ترین اصول و راهبردهای تعامل اجتماعی، که مستند به آموزه‌های دینی و روان‌شناختی است، عبارتند از: آشنایی با نیازها، شناخت جامعه هدف، آشنایی با هنجارها، شناخت پیام و روش پیام‌رسانی، برقراری رابطه کلامی و غیر کلامی سنجیده، بهره‌گیری از یادگیری الگویی، توجه به تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های شناختی، ملاحظه ویژگی‌های جنسیتی، تسلط اجمالی به محتوای آموزه‌های دینی، بصیرت و آشنایی با تکنیک‌ها و قوانین ایجاد ارتباط و انتقال

پیام، بهره‌گیری از جاذبه‌های میان فردی و...  
 واژگان کلیدی: راهبرد، اصول، تحول اخلاقی، تعاملات اجتماع، تفاوت‌های  
 فردی، جاذبه‌های میان فردی، محتوای پیام و آموزه‌ها.

## مقدمه

یکی از موضوعات اساسی در روان‌شناسی اجتماعی، نفوذ اجتماعی و ارتباط سازنده با دیگران با هدف تغییر نگرش و اصلاح رفتار است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). انسان موجودی اجتماعی است که عشق و علاقه به زندگی همراه با دوستی و انس با دیگران، یکی از نیازها و بایدهای شخصیت او است. احساس نیاز به هم‌زیستی صمیمانه و همدلی و همراهی با دیگران، علاوه بر این که یکی از جلوه‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، ندایی است برخاسته از اعماق وجود انسان که او را به ایجاد ارتباط دوستانه و تماس با هم‌نوع فرامی‌خواند. هیچ انسانی با قطع پیوندهای دوستانه و بریدن از هم‌نوع و انزواگرایی، احساس آرامش نمی‌کند (پناهی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). در میان اندیشمندان، عنایت ویژه‌ای به اجتماعی بودن انسان شده است. گرچه درباره زندگی اجتماعی انسان دو نظر (انزواطلبی و مدنیت) وجود دارد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱)، اما نظر غالب و مشهور این است که انسان مدنی بالطبع است و حداقل این دیدگاه اجماعی است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران و میل به زندگی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است؛ تا جایی که به عقیده بسیاری از فیلسوفان، آدمیان مدنی بالطبع اند؛ یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد و در اجتماع زیست کند. فرد ریکسون<sup>۱</sup> می‌گوید: ارتباط صمیمی و تعامل با دیگران، برای افراد آثار مثبتی دارد. ارتباط صمیمانه باعث تعامل بیشتر دو طرف، همچنین احساس راحتی و آزادی در بیان هیجان‌ها و حمایت عاطفی و اعتماد کردن به یکدیگر است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۲۷۴). بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی و شخصیت، اذعان دارند که میل به ارتباطات اجتماعی و زندگی جمعی، از ویژگی‌های زنان و مردان است و گرچه در میزان گرایش بینشان تفاوت وجود دارد، ولی اساس این میل و رغبت در هر دو

مشترک است. مزلو (۱۹۷۰) در طبقه‌بندی تمایلات و نیازهای انسان، نیاز به عشق و ارتباط با دیگران را از نیازهای اساسی و عالی انسان می‌داند (فست جیس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، ص ۳۲۴). به اعتقاد فروم (۱۹۵۵) ارتباط با دیگران و صمیمیت به اندازه‌ای مهم و ضروری است که سلامت روان بستگی به آن دارد (فروم، ۱۳۶۰، ص ۳۷). بی‌شاپ<sup>۳</sup> و اندریتزن<sup>۴</sup> در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط صمیمی و دوستانه با دیگران رابطه مثبتی با بسیاری از شاخص‌های سلامت روانی و «سازگاری اجتماعی» دارد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

بر اساس جهان بینی اسلامی هر فرد جامعه، علاوه بر این که نیاز به ارتباط اجتماعی دارد، در رابطه با هموعان خود مسؤول است و وظایفی به عهده دارد. قرآن کریم به این امر سترگ توجه کرده و می‌فرماید: باید از شما مسلمانان برخی، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده، از بدکاری نهی کنند و آنانند رستگاران (آل عمران/۱۰۴). غفلت از امور مسلمانان، بی‌توجهی به آسیب‌های جامعه و ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث می‌شود آدمی در خودسازی و تربیت خویش نیز موفق نشود (مائده/۶۳؛ اعراف/۸۶؛ هود/۱۱۶).

حال سؤال این است که در ارتباطات اجتماعی (روابط فردی، خانوادگی، فAMILI، شهروندی، شغلی و...) به چه نحوی برخورد نماییم که ضمن بهره‌مندی از ارتباط اجتماعی جذاب و پایدار، تأثیرگذاری اخلاقی و تربیتی سازنده نیز داشته باشیم.

## اصول و راهبردهای ارتباط اجتماعی

### ۱. اصل جامع‌نگری در محتوا و قواعد

پیام‌رسانی و تبلیغ<sup>۵</sup> به مفهوم رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار (رهبر، ۱۳۷۱، ص ۸۰) نیازمند توان‌مندی ویژه است. هر فردی در رشته‌ای که می‌خواهد سخن بگوید باید بینا و آشنا به قواعد باشد تا شنوندگان بر اساس صلاحیت علمی و اطلاعاتی او گفته‌هایش را با دقت بشنوند و باور نمایند. خداوند در قرآن کریم این مطلب را درباره پیشوای بزرگ اسلام و پیروان راستین

او خاطر نشان ساخته و به وی فرموده است: ای پیامبر: بگو این است راه من، مردم را به سوی خدا می‌خوانم با بینش و بصیرت و پیروان من نیز دعوتشان به سوی خدا آگاهانه و با بصیرت است (یوسف/۱۰۸).

در آیین مقدس اسلام، سخن گفتن از روی علم و بصیرت و لب فرو بستن از آنچه نمی‌داند یکی از حقوق خداوند بر بندگان است. قرآن کریم می‌فرماید: هرگز از پی آنچه علم و اطمینان نداری مرو و ناآگاه قدم بر مدار که گوش و چشم و دل آدمی در پیشگاه الهی مؤاخذ و مسؤول است (اسراء/۳۶). زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال نمودم: حق خدا بر بندگان چیست؟ در پاسخ فرمود: آن را که می‌دانند بگویند و در چیزی که نمی‌دانند توقف نمایند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۳). امام سجاد علیه السلام فرموده است: مجاز نیستی هر چه را که می‌خواهی بگویی که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: مشمول رحمت الهی باد آن کس که سخن خوب بگوید و سود برد یا سکوت کند و سالم بماند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۹۳). علاوه بر این که باید از خطا و صواب بودن سخن، آگاه بود، باید از روش و کیفیت بیان سخن نیز آگاهی داشت. علی علیه السلام فرموده است: پرهیز از این که در چیزی سخن بگویی که راه آن را نمی‌دانی و از حقیقتش آگاهی نداری؛ چه آن که گفته‌ات بر درجه عقلت دلالت دارد و عبارتی را که می‌گویی از معرفت و آگاهی‌ات اخبار می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸). آگاهی از روش ارتباط، باعث جلوگیری از خطا شده و اعتماد مخاطب را جلب می‌کند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دین خداوند را کسی حفظ می‌کند که به تمام جوانب آن احاطه و آگاهی داشته باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۵). و در جای دیگر فرمودند: دین خدا را کسی یاری می‌رساند که به تمام جوانب آن احاطه داشته باشد (الهندی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۱۷۱). در تعاملات اجتماعی و تحلیل‌ها و قضاوت‌ها نیز باید به جامع‌نگری توجه داشت و دربارهٔ ویژگی‌های افراد معدل-گیری کرد و نه این که یک ویژگی یا خطا را متورم ساخت. سخنوری که بدون علم و آگاهی، مطلبی را در کرسی خطابه مورد بحث قرار می‌دهد و پیرامون آن سخن می‌گوید، با این عمل به ارزش کلام و شخصیت خود آسیب می‌رساند و

خویشتن را با عوارض نامطلوب آن مواجه می‌سازد. یکی از نتایج زیان‌بار سخن گفتن بدون علم، خود را تحقیر نمودن و از وزن و ارزش خویش کاستن است. علی علیه السلام فرموده است: سخن بگویند تا شناخته شوید؛ چه آدمی زیر پوشش زبان پنهان است و چون سخن بگوید قدر و منزلتش روشن می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۲۹۱).

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

یکی دیگر از عوارض سخن گفتن بدون علم، متهم شدن گوینده است. اگر خطیبی در مجلسی چند مطلب را بگوید و تمام مطالبش بر وفق علم باشد جز یک مطلب، همان یک مطلب خلاف علم می‌تواند شنوندگان را در سایر مطالب وی دودل و مردد نماید و گوینده را در تمام سخنانش به بی‌علمی متهم سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: درباره چیزی که از آن علم و اطلاع نداری سخن مگوی؛ زیرا باعث متهم شدن درباره چیزی که می‌دانی می‌شود (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۰).

در قرآن کریم به ویژگی‌های دیگری همچون حقیقی و واقعی بودن سخن (نمل/۲۲)، دلپسند بودن (حج/۲۴)، رسایی (نساء/۶۳)، نرم بودن (طه/۴۴)، بزرگواران‌ه بودن (اسراء/۲۳) و قابل پذیرش و عمل بودن (اسراء/۲۸) و تهی از لغو و باطل بودن (حج/۳۰ و مؤمنون/۳) سخن، در ارتباط اجتماعی تأکید شده است.

## ۲. اصل پردازش صحیح اطلاعات

لازمه قضاوت درست و سنجیده، بهره‌مندی از اطلاعات صحیح و تحلیل دقیق است. بیشترین اطلاعات و داده‌ها از طریق قوه بصری و سمعی دریافت می‌شود و در پردازنده‌های ذهنی، تجزیه و تحلیل می‌شود. مشاهده، دریافت و تحلیل درست، نقش کلیدی در قضاوت نهایی خواهد داشت. در قضاوت اجتماعی نباید تحت تأثیر تعصبات قومی و فرهنگی و استقراء ناقص و حتی پیش داوری و جنگ روانی قرار گرفت، بلکه باید اطلاعات و داده‌ها را دقیق دریافت کرد و در فضای روان‌شناختی و ذهنی بی‌طرفانه و عدالت‌محورانه، قضاوت کرد. اگر چنان‌چه

اطلاعات به طور دقیق دریافت نشود، منجر به خطای شناخت خواهد شد و خطای شناختی نیز منجر به رفتار ناسنجیده و ناهنجار منجر می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: آیا خبر دهیم به شما از زیان‌کارترین افراد در اعمال، زیان‌کاران آنانند که ضایع گشت و تباه شد کوشش آنها به عمل‌های نیکو نما (خیال می‌کردند کار درستی انجام می‌دهند) (کهف/۱۰۴). تحلیل نادرست و خطای شناختی نسبت به دیگران (نساء/۹۵)، باعث بیزاری و نفرت شده و در نهایت ممکن است باعث کینه شود. کینه و نفرت نیز به بدگویی و غیبت می‌انجامد. سوء ظن و منفی‌نگری، محصول (حجرات/۱۲) تحلیل نادرست است و این تحلیل نادرست باعث رفتار و عملکردی نادرست خواهد شد.

### ۳. اصل خود باوری و عزت نفس

برخورداری از اعتماد به نفس<sup>۶</sup> و عزت نفس<sup>۷</sup>، از مسائل ضروری در تعاملات سازنده است. عزت نفس، میزان ارزشی است که ما برای خود قائل هستیم و اعتماد به نفس یعنی این که شخص احساس کند دارای توانایی و کفایت است (اتکینسون<sup>۸</sup>، ۱۹۸۳، ص ۴۵۳). عزت نفس، ما را از دست زدن به امور نامطلوب بازمی‌دارد، ماهیت بازدارندگی دارد؛ اما اعتماد به نفس، ما را به کارهای مطلوب، بزرگ، سنجیده و رو به رو شدن با مشکلات برمی‌انگیزاند و ماهیت ایجابی دارد (استنهاوس، ۱۳۷۹). کسی که می‌خواهد در ریشه‌ای‌ترین و اساسی‌ترین مسائل زندگی افراد (بعد اخلاقی و تربیتی) اثر بگذارد اگر تلاش و اقدامش با تردید، یأس و ناامیدی و احساس ناتوانی همراه باشد، به شکست می‌انجامد. او باید از همان آغاز آن چنان روحیه‌ای استوار داشته باشد که فعالیت خود را در حد منطقی و برنامه‌ریزی شده، قرین موفقیت بداند. از دیدگاه اسلامی، اعتماد به نفس نه تنها منافاتی با توکل ندارد، بلکه فرد موحد اعتماد به نفس را از ناحیه خداوند می‌داند و در سایه توکل و اعتماد به خداوند، آن را به دست آورده است. چرا که تمام علل و اسباب طبیعی و آثار آنها با خواست خداوند جریان پیدا می‌کند (ر.ک: شجاعی، ۱۳۸۳).



#### ۴. ایجاد رابطه کلامی و غیر کلامی صحیح

ارتباط کلامی<sup>۹</sup> و غیر کلامی<sup>۱۰</sup>، از ابزارهای مهم در روابط اجتماعی است. در فرایند ادراک اجتماعی و تعاملات اجتماعی، اغلب نیازمندیم که از عواطف و احساسات دیگران اطلاع پیدا کنیم تا تعامل بهتری برای کسب اطلاع از احساسات دیگران داشته باشیم. می‌توان به طور مستقیم از خود آنان در این باره پرسید، ولی این روش، در همه جا امکان ندارد؛ زیرا چه بسا افرادی باشند که تمایلی به فاش ساختن احساسات درونی خود نداشته باشند. در رابطه با ارتباط کلامی از گفتگو بهره گرفته می‌شود، ولی در روابط غیر کلامی می‌توان از حالات چهره، تماس چشمی، تن صدا، حرکات بدنی و تماس بدنی کسب اطلاعات نموده و زمینه تعامل را ایجاد کرد (بارون و بایرن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۷). گرچه برخی از قبیل جان گری<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۲)، ادعا می‌کنند که گویی مردان و زنان از دو سیاره باشند که با زبانی متفاوت حرف می‌زنند (به نقل از ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۷۹). اما نکته حایز اهمیت است که روابط کلامی و غیر کلامی برای تعاملات روزانه ما مهم هستند. ارتباط کلامی نیکو (نساء/۹)، بهره‌گیری از گفتار زیبا و دلنشین (نساء/۸۷)، پرهیز از زخم زبان (انعام/۳۴)، توصیه به گفت و گوی محترمانه (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۳)، مؤدبانه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۷)، گفت و گو با آهنگ صدای ملایم (لقمان/۱۹) و دلنواز، صدا زدن همدیگر با زیباترین نام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۳)، سپاسگزاری از احسان کننده (همان، ۹۴)، پرهیز از تمسخر دیگران (حجرات/۱۱)، پرهیز از گفت و گوی پنهانی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۰) و توصیه به پرهیز از کلمات رکیک و زشت (مؤمنون/۳)، همگی از نمودهای روابط کلامی زیبا بوده و در راستای ایجاد محبت و نشاط در جامعه و میان هم نوعان، مؤثر است. ارتباط کلامی زیبا باعث تحکیم روابط اجتماعی و باعث تقویت دوستی می‌گردد (فصلت/۳۴)؛ همچنین کنش کلامی پسندیده، مانع از کینه و حسد شده و دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و باعث آرامش می‌گردد.

روابط غیر کلامی سنجیده نیز در آموزه‌های دین مورد تأکید است. تواضع و فروتنی (اسراء/۲۵)، گشاده‌رویی (آل عمران/۱۶۰) و رفتار مؤدبانه (توبه/۶۱)، از

مصادیق روابط غیر کلامی است که مورد تأکید قرآن است. این نوع ارتباطات، عاملی در تقویت روابط دوستانه و نزدیکی دل‌ها و جذابیت روابط اجتماعی می‌گردد. ثمرهٔ تواضع، گشاده‌رویی و گفتار و رفتار مؤدبانه، دلدادگی، محبت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۳ و آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷) و افزایش دوستان (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۹۹ و دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۷۳) است. چهرهٔ گشاده و روی باز، باعث جذب دل‌ها و فزونی محبت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، صص ۱۱۵ و ۳۲۷)، شادی و نشاط می‌آورد و کینه را از دل‌ها می‌زداید. افزون بر موارد یاد شده، تبسم و خنده در چهره، در بهبود روابط نیز مؤثر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۸). همچنین خوش‌رویی و گشاده‌رویی باعث جلب محبت مردم و نزدیکی به خداوند است و ترش‌رویی و گرفتگی باعث دشمنی و دوری از خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۷۶).

در مقابل، استکبار و خودبرتربینی، باعث کدورت در روابط اجتماعی شده و باعث سقوط و کاهش منزلت می‌شود (لقمان/۱۸؛ ص/۷۴ و نوح/۷). چه بسا گاهی انسان به خاطر روحیهٔ استکبار و برتری جویی که دارد، به خلاف یقین خودش اقدامی کند و این تعارض درون و بیرون، باعث تزلزل شخصیتی و اختلال روحی گردد (قصص/۵).

روان‌شناسان، توصیه می‌کنند که افراد در تعاملات خود، بر خودشیفتگی غلبه کنند؛ زیرا خودشیفتگی از طرفی مانع رشد و بالندگی انسان می‌شود و از طرف دیگر چون انسان خودشیفته، کانون توجهش فقط به خودش است، دربارهٔ دیگران و خواسته‌های دیگران، اندیشه نمی‌کند و بهایی برای دیگران قایل نیست و لذا نمی‌تواند تعامل خوبی داشته باشد. روان‌شناسان همچنین ضمن این که اهمیت زیادی برای روابط کلامی و غیر کلامی قایلند، به همدلی و هم‌احساسی در روابط نیز تأکید دارند (شولتس<sup>۱۳</sup>، ۱۳۶۲).

## ۵. بهره‌گیری از اصل آموزش الگویی و مشاهده‌ای<sup>۱۴</sup>

یکی از راهبردهای تأثیرگذار در مخاطب، بهره‌گیری از آموزش الگویی است. گوینده هر چقدر ملنترم به گفته‌های خود باشد، تأثیرگذاری بیشتری در دیگران خواهد داشت. در آموزه‌های دینی و روان‌شناختی بر این راهبرد تأکید شده است. قرآن کریم ضمن مذمت کسانی که شعارها و حرف‌های تهی از عمل دارند (صف/۳ و بقره/۴۴)، افراد را دعوت به التزام عملی به نیکی و عمل صالح کرده است (فصلت/۴۱). در احادیث نیز علاوه بر این که توصیه شده است که مردم را با التزام عملی به نیکی‌ها دعوت نماییم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸)، بر اولویت داشتن تربیت خویشان مأمور شده‌ایم (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۱، ص ۱۰۷). در روان‌شناسی یادگیری یکی از شیوه‌های یادگیری و تأثیرگذاری در مخاطب، شیوه مشاهده‌ای<sup>۱۵</sup> (الگویی) و یادگیری اجتماعی<sup>۱۶</sup> است. آلبرت باندورا<sup>۱۷</sup>، روان‌شناس معروف کانادایی، آن را به تفصیل مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. ایشان این روش را مهم‌ترین یادگیری و تأثیرگذاری (به ویژه در کودکان) می‌داند. یادگیری مشاهده‌ای متشکل از چهار فرایند است:

۱. توجه؛
۲. یادداری؛
۳. بازآفرینی حرکتی؛
۴. انگیزش.

آنچه در بحث ارتباط اجتماعی حائز اهمیت است، بحث توجه است یعنی ما چه تدبیری داشته باشیم تا مردم به ما توجه کنند و به سخنان ما گوش دهند. اگر گوینده و مربی ویژگی‌هایی از قبیل پایگاه اجتماعی سطح بالا، موفقیت زیاد، تخصص سطح بالا، توجه به نیازهای عاطفی الگوگیرنده، تشویق و تکریم یادگیرنده، آراستگی و نظافت، اخلاق و کردار زیبا، جایگاه و اصالت خانوادگی، ادب و نزاکت، قرابت سن و... را داشته باشد، باعث جذب بیشتر و تأثیر بیشتر خواهد بود (ر.ک: شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰ و سیف، ۱۳۸۷).

## ۶. اصل تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های شناختی

از آنجا که افراد از لحاظ بهره هوشی، خلق و خو، توان‌مندی معرفتی، ویژگی‌های شخصیتی و... با یکدیگر تفاوت دارند، مربی باید نسبت به این تفاوت‌ها حساس باشد (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹). انسان‌ها در یک ویژگی عمده مشترکند: «هیچ یک همانند دیگری نیست و هر کس از خصوصیات درونی و بیرونی منحصر به فرد برخوردار است». با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، ضرورت دارد فعالیت اجتماعی و ارتباطی و تعاملات فرهنگی به مقتضای سطح ادراکی و عاطفی افراد در چارچوب علایق و نیازهای حقیقی و ملاحظه‌توانایی‌ها و محدودیت‌های افراد صورت بگیرد (احمدی، ۱۳۸۰). در آموزه‌های دینی ضمن توصیه و تأکید بر این نکته که باید متناسب با توان‌مندی افراد و ظرفیت‌های شناختی و ادراکی مخاطب سخن گفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۵ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۱)، مخاطبان را به دسته‌های مختلف تقسیم نموده و کیفیت ارتباط با هر یک را تبیین نموده است. از یکی از معصومان علیهم‌السلام نقل شده که مردم بر چهار دسته‌اند: شخصی می‌داند و می‌داند که می‌داند؛ این شخص عالم است پس از او پیروی کنید؛ و شخصی می‌داند ولی نمی‌داند که می‌داند، این شخص غافل است پس بیدارش کنید؛ و شخصی نمی‌داند و می‌داند که نمی‌داند پس او جاهل است به او دانش بیاموزید. آخرین گروه کسانی هستند که نمی‌دانند و خیال می‌کنند که می‌دانند، این افراد گمراه هستند پس آنان را راهنمایی کنید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۵).

## ۷. ملاحظه تفاوت‌های جنسیتی

به دلیل تفاوت شناختی (عقلی)، عاطفی، هوشی و...، که بین زن و مرد وجود دارد در مراودات اجتماعی باید به این تفاوت‌ها توجه داشت. جوادی آملی (۱۳۸۹، ص ۲۲۱) می‌گوید: اگر تفاوتی بین زن و مرد باشد، این تفاوت صرفاً در ناحیه عقل ابزاری (اجتماعی) است. مصباح یزدی (۱۳۸۵، ص ۲۸۰) معتقد است که زن در استعداد عقلی با مرد یکسان است اما به دلیل آن که زن از نظر طبیعی دارای عاطفه

و احساسات بیشتری است، کارکرد عقلی تا حدودی تضعیف می‌گردد. مکارم شیرازی (۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷) و محمد حسین فضل‌الله (۱۴۲۱ق) نیز نظری همانند مصباح یزدی دارند. علامه طباطبایی (۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۵ و ج ۴، ص ۳۴۳ و ج ۱۸، ص ۱۴۱) اعتقاد دارند که مرد دارای حیات تعقلی و زن دارای حیات احساسی است. آلوسی (۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴) از مفسران اهل سنت و طبرسی (۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۶۹) نویسنده نامدار شیعی و صاحب *مجمع‌البیان* نیز بر برتری مرد در رأی استوار و برتری عقلی تأکید دارند. محمد تقی جعفری (۱۳۷۸، ص ۸۹) نیز به نقص در عقل نظری زن تأکید کرده‌اند.

زنان با مردان در عواطف و احساسات تفاوت‌های آشکاری دارند. عواطف زنانه سبب می‌شود که آنان بهتر و سریع‌تر بتوانند تغییرات احساسی و عاطفی دیگران را حس نمایند و آسان‌تر افکار و احساسات خود را با دیگران سازگار نمایند و از دیگران مراقبت کنند. گفت و گو و تبادل نظر در پسران وسیله‌ای برای انتقال پیام است؛ اما در دختران بیشتر ابزاری برای ارتباط عاطفی و همدلی است (بارون، ۱۳۸۴، صص ۶۴-۷۰). در تحقیقی که در این زمینه انجام شد، مشخص گردید که زنان نیاز بیشتری به محبت و عواطف نشان می‌دهند و در ابراز محبت و عواطف نیز قوی‌تر از مردان هستند (فلیپ رایس<sup>۱۸</sup>، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴). پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که دوستی و صمیمیت برای دختران بیش از پسران اهمیت دارد (بلیث<sup>۱۹</sup> و فستر - کلارک<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۷) و این نشانه قوی بودن عواطف و احساسات در زنان است. جنس زن هیجانی‌تر از مرد است و کیفیت هیجان او نیز با مرد فرق می‌کند (احدی و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۴۵). نمایش عاطفه در زن قوی‌تر است. زنان به ابراز حالت عاطفی به شدت توجه دارند، به گفت و گو نیازمند هستند؛ چون زبان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال عواطف است. این مسأله به قدری مهم است که بعضی گفته‌اند: زن فقط به گفت و گو نیاز دارد و به نتیجه نمی‌اندیشد، در حالی که مرد توقع دارد گفت و گو مشکلی را حل کند (گری، ۱۳۸۱، ص ۲۴). گروسمن و وود<sup>۲۱</sup> (۱۹۹۳) بر این باورند که به طور کلی بین زن و مرد در هیجان‌ات مثبت و منفی فرقی نیست، اما شدت ابراز هیجان در آنها

متفاوت است و در زنان قوت بیشتری دارد (خسروی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲).

در آموزه‌های دینی نیز روایاتی دال بر عاطفی بودن زن وجود دارد. همچنین اندیشمندان اسلامی نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بر این باورند که احساسات و عواطف در زنان قوی‌تر است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «چه خوب‌اند فرزندان دختر. اهل ملامت (عواطف)، کمک‌کننده و یاری‌دهنده، انس‌گیرنده، با خیر و با برکت و اهل پاکیزگی» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۶۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حضرت ابراهیم از خداوند دخترانی خواست تا پس از مرگش بر او بگریند و عزایش را گرم و پرشور نگاه دارند» (همان، ص ۳۶۱). شاید یکی از علل آرامشگری زن (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۴)، بروز و ظهور عواطف قوی در او هست که در قرآن کریم زن را عامل آرامشگری معرفی نموده است (اعراف/۱۸۹). حضرت علی علیه السلام به طور ضمنی به عاطفی بودن و ظرافت زن اشاره فرموده و افراد را از واگذاری مسؤلیت سنگین و خشن به زنان برحذر داشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰).

بیشتر تحقیقات زن و مرد را در هوش کلی و عمومی شبیه هم تلقی کرده‌اند، اما در هوش اختصاصی بین مرد و زن، تفاوت‌هایی را بیان کرده‌اند (ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۵۱). مردان در دریافت و شناخت مفاهیم انتزاعی و کلمات مجرد (مانند جوهر و عرض و روح) برترند؛ اما زنان در کاربرد واژگان، ادای کلمات و مهارت‌های خواندن و سخنوری موفق‌تر هستند. دختر بچه‌ها زودتر از پسرها زبان باز می‌کنند و لکنت زبان کمتری دارند. زن‌ها در آزمون کلامی و حافظه بصری (به‌ویژه در جزئی‌نگری و دقت) از مردان قوی‌ترند؛ اما مردان در آزمون غیر کلامی، به ویژه استعداد تجسم فضایی، قوی هستند. همچنین، مردها در استعداد عددی بالاترند و دختران در حافظه لغات برتری دارند (گنجی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۶).

در رابطه با نقش جنسیت در ارتباط کلامی و غیر کلامی نیز می‌توان گفت که زنان از نظر درک دیگران و پیش‌بینی رفتار آنها به مراتب برتر از مردان هستند. زنان بهتر می‌توانند در مورد احساسات و واکنش‌های خود از طریق بیان گره‌های چهره‌ای، زبان بدن و دیگر قرینه‌های غیر کلامی انتقال دهند. آنها بهتر قادرند

پیام‌های غیر کلامی دیگران را رمز گشایی کنند. اما یک استثنا مهم بر این قاعده وجود دارد؛ زنان مزیت خود را وقتی به آنها دروغ گفته می‌شود، از دست می‌دهند. آنها بیشتر از مردان تمایل دارند پیام‌های فریبنده را درست پنداشته و کم‌تر از مردان در تمیز دادن پیام‌های نادرست موفق هستند. البته این موضوع نیز همیشه صادق نیست و کلیت ندارد (بارون و همکاران، ۱۳۸۸).

بر اساس تحقیقی که در آمریکا انجام گرفت، مشخص گردید که زنان در توانایی کلامی برتری دارند و مردان در مهارت‌های فضایی و ریاضی (دی. اف. هالپرن<sup>۲۲</sup>، ۲۰۰۰، به نقل از ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۵۳). جان گری<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۲)، ادعا می‌کند که مردان و زنان به نظر می‌رسد از دو سیارهٔ مختلف باشند که با زبانی متفاوت حرف می‌زنند (به نقل از ماتلین، ۲۰۰۸، ص ۱۷۹). برتری زنان در توانایی کلامی یکی از شاخص‌ترین تفاوت‌های جنسیتی است (خسروی، ۱۳۸۲، ص ۵۰). زنان ترجیح می‌دهند با آنان به نرمی و آرامش صحبت شود و از گفتگوی سریع لذت نمی‌برند. تحریک پذیری عاطفی و جنسی نیز در زنان متفاوت از مردان است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، صص ۱۱۷-۱۱۹ و کرینگ<sup>۲۴</sup> و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۲۸).

#### ۸. افزایش آستانهٔ تحمل و ظرفیت روانی

فردی که زمینه‌های ارتباطی گسترده‌تری دارد، نیاز بیشتر به آستانهٔ تحمل، وسعت نظر، هم‌فکری و توجه به قضاوت جامعه دارد. شنیدن حرف دیگران و توجه به انتقاد افراد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در ارتباطات انسانی است. ممکن است انتقاد دیگران را نپذیریم یا از نظر عاطفی رنجیده خاطر شویم، اما به هر حال، اطلاع از نظرات دیگران و پذیرفتن نظرات صحیح، یک سرمایه با ارزش است که نباید خود را از آن محروم کرد. مربی دینی باید به مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی که در جامعه جریان دارد توجه داشته باشد. به طور طبیعی افرادی که با دیدگاه او مخالفند، فضا را آشفته خواهند کرد و لذا مربی نباید از انتقاد دیگران هراس داشته باشد، بلکه باید از آن استقبال کند. ممکن است عده‌ای فضای روانی‌ای بر جامعه

حاکم کنند که مربی را هم تحت تأثیر قرار دهد و کنترل اوضاع را از دست او خارج کند. روان‌شناسان برای این‌گونه موقعیت‌ها نیز تجربه‌هایی آموخته و توصیه‌هایی ارائه کرده‌اند، از جمله:

- در صورت لزوم اوضاع را آرام کنید، خونسرد باشید و از تعارض ایجاد شده در احساسات خود با خبر شوید؛

- به نظر دیگران توجه کنید و به آنها بفهمانید که آنها را درک می‌کنید؛

- هر فردی ممکن است اشتباه کند، اگر شما اشتباه کرده‌اید عذرخواهی کنید؛

- اگر سوء تفاهمی وجود دارد آن را برطرف کنید؛

- از موقعیت برنده یا بازنده بودن اجتناب کنید و سعی کنید با یکدیگر راهی را

پیدا کنید که برای هر دو رضایت بخش‌تر باشد (پت، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵).

در آموزه‌های دینی نیز یکی از ویژگی‌های مرییان و مصلحان را شرح صدر و آستانه تحمل بالا، معرفی نموده است (طه/۲۵؛ الشرح/۱ و الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۴۰۵).

## ۹. توجه به اصل جاذبه‌های میان فردی

التزام به جاذبه‌های میان فردی (مثل نظافت ظاهری، خوش‌بویی، لباس مرتب و...) از اصول موفقیت در ارتباطات اجتماعی است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). یک‌گوینده موفق باید آراستگی ظاهر را کاملاً حفظ کند، زیرا انسان‌ها به آراستگی ظاهری اهمیت زیادی می‌دهند و همه افراد ذاتاً زیبایی را دوست دارند. مردم وقتی ظاهر آراسته را می‌بینند خود به خود جذب می‌شوند. به شهادت تاریخ یکی از عوامل مهم موفقیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گسترش دین اسلام تمیزی، خوش‌بویی و آراستگی ظاهر ایشان بوده است. آن بزرگوار هرگاه می‌خواست از خانه خارج شود به عنوان آینه در آب نگاه می‌کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به نظافت لباس، بدن و دندان‌ها توجه زیادی داشتند و خوش‌بویی حضرت زبازند همه مردم بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله هزینه‌ای که برای عطر می‌کرد بیشتر بود از هزینه‌ای که برای غذا و طعام می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶،



ص ۲۴۸). ویژگی‌های ظاهری قابل مشاهده براساس نوع عواطفی که برمی‌انگیزد و با توجه به تصورات قالبی، می‌تواند در ما تأثیر مثبت یا منفی به وجود آورد. بررسی فینگلد<sup>۲۵</sup> (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که همه افراد به زیبایی میل دارند و مردان بیش‌تر از زنان تحت تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند (به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). افراد زیبا عاطفه مثبت را برمی‌انگیزند و می‌دانیم که عاطفه عامل بسیار مهمی در جاذبه است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که افراد تمایل دارند مردان و زنان زیبا را بیش از کسانی که زیبا نیستند، موقر، جالب، اجتماعی، مستقل، متنقد، مهیج، دوست‌داشتنی، سازش یافته، دارای مهارت اجتماعی و موفق بدانند (دیون<sup>۲۶</sup>، ۱۹۸۷ به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). به طور کلی، چنان‌که روان‌شناسان اجتماعی بیش از دو دهه قبل کشف کرده‌اند، مردم تصور می‌کنند که «آنچه زیباست، خوب است» (دیون و دیگران، ۱۹۷۲ به نقل از آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲).

#### ۱۰. اصل موقعیت‌شناسی

رعایت مقتضیات مکانی، زمانی و ارتباط سخن با مخاطب، از اموری است که باید در مراودات اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال باید توجه داشت که در منزل، مسجد، عروسی، عزا، درباره مخاطب جوان، کودک و غیره باید به شیوه خاص و با موضوعات خاص و مرتبط سخن گفت. نکته مهم‌تر این که بین محتوای سخن و مخاطب نیز باید تعلق‌پذیری و ارتباط وجود داشته باشد و مطالب برای مخاطب مورد نیاز باشد. باید به طور جدی از مطالبی که قابل هضم نیست و شبهه برانگیز است اجتناب نمود و اهلیت و شایستگی مخاطب را در نظر داشت. در آموزه‌های دینی سفارش اکید شده که سخن حکیمانه را به اهلش بازگو کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۴۵) و در اختیار جاهل و نادان قرارش ندهید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۷۰)، زیرا ارزش سخن را ضایع می‌کند و اهلیت آن را ندارد (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹).

## ۱۱. بهره‌گیری عالمانه از جایگاه عواطف

ابعاد روان‌شناختی انسان را می‌توان به بُعد شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم کرد. بُعد عاطفی و هیجانی به نوبه خود، هم متأثر از بُعد شناختی و رفتاری است و هم در آنها تأثیر دارد. به عبارت دیگر، بین این سه حوزه تعامل و ارتباط جدی وجود دارند و مجموع این‌ها حالات روان‌شناختی انسان را تشکیل می‌دهند. چه بسا ممکن است این بخش (عاطفی) از هستی انسان، ملاک‌های حساب‌گرانه عقلی، به ویژه عقل ابزاری، را به کار نگیرد و به تقاضای عاطفه پاسخ گوید و حتی ممکن است رفتاری انجام دهد که با محاسبات عقلی زیان‌آور انگاشته شود. چه بسا ممکن است بتوان ادعا کرد که در مواردی انسانیت انسان در گرو همین‌گزینش عاطفی و گرایش عاطفی قرار دارد. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: دل‌های خود را به نرمی و مهربانی (عاطفه داری) عادت دهید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۸۱). به کارگیری احساسات مناسب در ارتباط میان فردی نقش اساسی دارد. باید نسبت به احساسات ارسال شده هشیار باشیم، آن را بشناسیم و پاسخ مناسب بدهیم. باید خشم دیگران، اندوه شدید، گریه اشکبار، شادی‌های کنترل نشده، ناامیدی و امیدواری دیگران را به رسمیت بشناسیم و به تناسب این عواطف و هیجانات با آنان رابطه برقرار کنیم (پت، ۱۳۷۶، ص ۷۴). همواره رابطه عاطفی، زمینه‌ساز رابطه رفتاری و سپس فکری و شناختی می‌شود. اگر مخاطب احساس ارتباط عاطفی با گوینده را نداشته باشد، توجهی به او نمی‌کند، سخن او را نمی‌شنود، نوشته‌اش را نمی‌خواند، نقاشی‌اش را تماشا نمی‌کند و ...

تأکید زیادی که بر عزاداری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر امامان شده است، از این منظر قابل تحلیل است. به هنگام متقاعد کردن دیگران، اگر عواطف جاری بین طرفین، مثبت باشد چندان استدلال نیاز ندارد، اما اگر عواطف منفی باشد، گاهی با قوی‌ترین استدلال‌ها نیز نمی‌شود طرف مقابل را متقاعد کرد. ادعیه ما بیشتر عواطف را پرورش می‌دهد. بیشتر اظهار عشق و محبت نسبت به خداست؛ تنفر از شیطان است. استدلال کم‌تر است. در واقع شناخت برای این است که خوبی‌ها و بدی‌ها را بشناسیم. ابزار است؛ اگر خروارها شناخت روی هم متراکم شود، اما

عواطف به صورت صحیح شکل نگیرد، هیچ ارزشی ندارد. اگر شناخت به صورت صحیح شکل گرفت، دیگر برای عواطف به صورت مناسب با آن، حد و مرزی وجود ندارد. خوبی را باید دوست داشت، تا کجا؟ تا هر جایی که خوبی صدق می‌کند. از بدی باید متنفر بود، تا کجا؟ تا جایی که بدی صدق می‌کند. هر قدر این عواطف قوی‌تر باشد، انسان رشد یافته‌تر است. آقای رابرت کوپر، به خلاف بسیاری از روان‌شناسان که هوش شناختی<sup>۳۷</sup> را باعث پیشرفت و تکامل و ارتقاء دانسته‌اند، این دیدگاه را باطل شمرده و ثابت کرده است که این قلب انسان است که او را متحول می‌کند و باعث ارتقاء و پیشرفت می‌شود. (پناهی، ۱۳۹۱).

## ۱۲. اعتدال در کاربرد قانون تبشیر و انذار

ایجاد امید و ترس متوازن از نکات ضروری در تعاملات اجتماعی و تربیتی است. گرچه بهره‌گیری از قانون بشارت‌دهی و ایجاد امیدواری بر انذار و ترس مقدم است، ولی در بهره‌گیری از آنها باید شرایط روحی و روانی و سنی مخاطب را در نظر گرفت. چه بسا ممکن است بهره‌گیری افراطی از بشارت باعث شکل‌گیری شخصیت کاذب و اعتماد به نفس کاذب و توهم خود برترینی گردد. همان‌طور که بهره‌گیری از انذار و ترساندن افراطی نیز ممکن است باعث دلزدگی و ناامیدی و یأس گردد. بیم و امید، خوف و رجاء، غم و شادی، نیش و نوش، خار و گل، دوزخ و بهشت و فراز و فرود و... باید متناسب و بالانس باشد. باید توجه داشت که باید خوف را با رجاء به دل‌ها دمید. اگر ما آیات رحمت الهی را بخوانیم - که البته بعضی از این آیات و مبشرات، مخصوص عده‌ای از مؤمنین است و به ما ربطی ندارد - و یک عده‌ای را غافل کنیم و نتیجه‌اش بشود این که با یک توهم معنویت خیال کنند که در معنویتند و از واجبات و ضروریات دین غافل بمانند، درست نیست. در قرآن انذار مربوط به همه است، ولی بشارت مربوط به مؤمنان است.

## ۱۳. بهره‌گیری از مشترکات روان‌شناختی در ایجاد ارتباط

از شیوه‌های ایجاد ارتباط، استفاده از مشترکات روانی انسان‌هاست. بعضی از

ویژگی‌های نفسانی انسان‌ها مشترک است. از جمله:

۱. همه محبت‌پذیر و قهر ستیزند؛
  ۲. همه تشویق‌پذیر و تنبیه‌گریزند؛
  ۳. همه تأیید طلب و انتقاد‌گریزند؛
  ۴. همه تکریم‌پذیر و تحقیر‌گریزند؛
  ۵. همه دوست‌دار تعلق‌خاطرند؛
  ۶. همه انسان‌ها دوست‌دار وحدت شخصیت و گریزان از تعارض‌ها و تضادها هستند؛
  ۷. همه صمیمیت و صفا می‌خواهند؛
  ۸. همه دوست‌دار موفقیت و گریزان از شکست و ناکامی‌اند؛
  ۹. همه (به خصوص بچه‌ها) به ابراز وجود لفظی و فکری و رفتاری نیاز دارند؛
  ۱۰. همه می‌خواهند به استقلال آنها ارزش داده شود و به هویت فردی‌شان توجه شود؛
  ۱۱. همه از رفتار مغرضانه و متکبرانه ناخرسندند.
  ۱۲. این امور مشترک، بسیار ساده و بدیهی و در عین حال بسیار مهم و تعیین‌کننده هستند و مبلغ باید نه فقط از دیدگاه نظری، بلکه در عمل و برنامه‌ریزی، به این‌ها توجه کامل داشته باشد. توجه به این امور در ایجاد رابطه، اثری شگرف دارد (پناهی، ۱۳۹۱، ص ۳۰).
- خود افشایی در اموری که چندان محرمانه نیست، نیز باعث استحکام رابطه می‌شود، وقتی شما اطلاعاتی در مورد خودتان و از زبان خودتان به مردم می‌دهید، این باعث می‌شود آنان نیز راحت‌تر خود افشایی کنند؛ در این صورت، شما فردی صمیمی به نظر می‌آید، و گاهی نشان می‌دهد که موقعیت طرف مقابل را درک کرده‌اید. البته باید مواظب بود و هر حرفی را نزد و نباید مشکلاتی را بیان نمود که سوء استفاده می‌شود. گاهی سؤال کردن می‌تواند باعث تداوم ارتباط شود. سؤال ممکن است بسته یا باز باشد. سؤال بسته، پاسخ تک کلمه‌ای بله یا خیر دارد و دیگران را چندان در گفت و گو شرکت نمی‌دهد. سؤال باز با کلمات پرسشی چرا

و چگونه و... شروع می‌شود و دیگران را میدان مشارکت بیشتری می‌دهد. سؤالات ضمیمه‌ای سؤال واقعی نیستند. شما مطالبی را گفته‌اید بعد می‌پرسید، مگر نه این طور نیست و ... این‌ها فقط نشان می‌دهد که نوبت صحبت کردن شما تمام شده و آماده شنیدن هستید. سؤال می‌تواند حقیقی باشد و به روشن شدن مطلبی کمک کند و گاهی نشانه علاقه‌مندی شما به فردی است. سؤالات حساس و زیاد، ممکن است به ارتباط لطمه بزند؛ خوب است که فقط در حد ضرورت سؤال کنیم (پناهی، ۱۳۹۱، صص ۹۳-۸۰).

#### ۱۴. استفاده از راهبرد سادگی

هر چه اعلان پیام صریح‌تر، ساده‌تر و هدف آن مشخص‌تر باشد، درک آن ساده‌تر و توسط جمع بیشتری از مخاطبان رمزگشایی خواهد شد. استفاده از عناصر تصویری پیچیده و غیر مرتبط و دنبال نمودن اهداف گوناگون، تفکیک هدف اصلی را با مشکل مواجه نموده و پیام‌گیر را سردرگم می‌کند. چنین راهبردی برای برقراری ارتباط با مخاطبان برخوردار از سطح دانش پایین و یا کودکان نیز مناسب به نظر می‌رسد. اگر کل پیام یا قسمتی از آن برای مخاطب نامفهوم باشد، مکانیزم روانی مخاطب به کل پیام بی‌ربطی و بی‌ربطی نشان می‌دهد (سیف، ۱۳۶۸ و جان گلور، ۱۳۷۵).

#### ۱۵. بهره‌گیری از راهبرد تکرار

این قانون بر نیرومند شدن پیوند محرک و پاسخ در صورت تکرار و ضعیف شدن پیوندها بر اثر عدم استفاده، اشاره دارد. تکرار یک مطلب، تأثیر ناخود آگاه شگفت‌انگیزی در فرد و جامعه دارد. تنها لازم است مطلبی که بیان می‌شود برای بار اول تست شود که آیا زمینه موجود، با این متن مناسبت دارد یا ندارد. اگر اندک مناسبتی بود، یعنی تأثیر منفی ایجاد نکرد، قابل تکرار است. اگر اندک اثر مثبت داشته باشد با تکرار، آن اثر، بیشتر و بیشتر می‌شود. لازم نیست مطلب جدید یا استدلالی ضمیمه شود، همین که نام یک فرد را طی چندین ماه، هر روز در اکثر

روزنامه‌ها بنویسند، هر کسی به او علاقه‌مند بوده، علاقه‌مندتر می‌شود و هر کسی از او متنفر بود، متنفرتر می‌شود. از نظر روان‌شناسی اگر بخواهیم مطلبی در حافظه بلند مدت افراد وارد شود و هرگز فراموش نگردد، باید آن مطلب را تکرار کنیم (هرگنهان<sup>۲۸</sup>، ۱۳۷۱). تکرار یکی از پرکارترین راهبردهای تبلیغات برای تأثیرگذاری در اذهان عمومی است. تکرار پیام به دیده شدن و شنیده شدن آن در میان انبوه پیام‌ها کمک می‌کند؛ چرا که مخاطبان نمی‌توانند از دیدن و شنیدن ناخودآگاه پیامی که در جای جای مسیر گذرشان با آن مواجه می‌شوند سرباز زنند. از این رو، پیام، سرانجام نگاه را به سوی خود جلب نموده و تکرارش آن را در ذهن جاودانه می‌سازد (مک لوهان، ۱۳۷۷، ص ۲۶۴). اما باید توجه داشت که اگر تکرار از آستانه تحمل مخاطبان بالاتر رود، به دلزدگی خواهد انجامید. در این صورت نه تنها تبعیت افزایش نمی‌یابد، بلکه به واکنش مطلوب نیز منجر نخواهد گشت (ونگ، ۱۳۸۶، ص ۵۳). سیره پیامبر ﷺ بر این بود که هر گاه حدیث می‌فرمود یا سؤالی می‌کرد، سه مرتبه آن را تکرار می‌نمود تا مقصودش را بفهماند و دیگران هم سخن او را بفهمند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۳۴).

## ۱۶. راهبرد استفاده از صفات تفضیلی و توجیه منطقی

در این راهبرد می‌توان از صفات عالی و تفضیلی همچون اولین، بهترین، قوی‌ترین، بزرگ‌ترین، مجهزترین، سریع‌ترین و زیباترین، در پیام بهره برد و با بزرگ‌نمایی یک خصوصیت، آن را به کار بست. در قرآن کریم در رابطه با امر به معروف، از این راهبرد بهره گرفته شده است (آل عمران/۱۰). ارتباط به وسیله حکمت و منطق و یا موعظه و نصیحت و یا جدل نیکو، از توصیه‌های قرآن کریم است (نحل/۱۲۵). در این راهبرد، هدف، رساندن پیامی منطقی به مخاطبان است و سعی بر آن است تا تنها با خلق یک تصویر جذاب و یا یک شعار پرتحرک و پرجاذبه، به هدایت فرد اقدام نگردد، بلکه همراه با منطق استقلال و بیان واقعیت‌ها، مخاطبان در جریان واقعیت پیام قرار بگیرند. مراد از موعظه حسنه، موعظه‌ای است که براساس محبت و با بیان نیکو باشد و در زمان و مکان مناسب با شیوه‌های صحیح انجام شود و مراد

از مجادله نیکو نیز پذیرفتن نقاط قوت دیگران و استدلال و مقابله به مثل در شیوه‌هاست. همواره باید از جدل و مرأی بی‌فایده پرهیز کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۰)، زیرا کینه و نفاق در دل‌ها ایجاد می‌کند و پذیرش حرف حق را مشکل می‌نماید.

### ۱۷. راهبرد بیان استعاره و اشاره غیرمستقیم

استفاده غیرمستقیم از نشانه‌ها و نمادها از دیگر راهبردهای تبلیغات در اعلان است. در این رویکرد مستقیم به موضوع مورد تبلیغ اشاره نمی‌شود و این راز پذیرش آن توسط مخاطبان است؛ چرا که انسان به دلیل مکانیزم دفاعی روانی، از پذیرش پیام‌های دستوری مستقیم خودداری نموده و در برابر چنین جریانی مقاومت می‌کند؛ لذا در این راهبرد سعی بر این است که پیام تا حد ممکن به صورت غیرمستقیم و با استفاده از فنون روان‌شناختی، غنی از استعاره و به دور از رویکرد دستوری و یا نصیحت گونه ساخته و پرداخته شده و به مخاطبان عرضه شود. در این صورت است که شاهد حداکثر تأثیرگذاری بر مخاطبان خواهیم بود. وقتی دعوت به نیکی و ادب به طور غیرمستقیم انجام شود، مؤثرتر و مفیدتر است؛ یعنی بدون آن که او بفهمد که شما دارید با او حرف می‌زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می‌کنید؛ کار او را توجیه و تشریح می‌کنید؛ می‌گویید فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده و... تا او بداند و بفهمد. این بهتر در او اثر می‌گذارد؛ کما این که عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

### ۱۸. استفاده از تمثیل و پرسش

تمثیل به معنای مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر است و در اصطلاح جمله‌ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه‌ای که به سبب روانی لفظ و روشنی معنا و لطف ترکیب، شهرت عام یافته، همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییر در محاوره به کار می‌برند. مثال زدن و تمثیل برای همگان به ویژه

مخاطبانی که سطح معلوماتشان پایین است، ضروری می‌باشد. ابلاغ پیام به شکل پرسش و پاسخ نیز اندیشه مخاطب را به تکاپو وامی‌دارد و او را به طور غیرمستقیم ارشاد می‌نماید.

این شیوه انواع و اقسامی دارد، گاهی پیام‌گزار سؤالی را مطرح می‌کند و بدون دادن جواب، از پیام‌گیرنده می‌خواهد که با مراجعه به فکر و عقل خود، جواب را بیابد و گاهی پس از طرح سؤال، جواب آن را هم می‌دهد و گاهی از مخاطبان می‌خواهد که سؤال کنند و جواب خود را بشنوند. این شیوه در قرآن مجید کاربرد گسترده‌ای دارد و در موارد متعدد، پس از ذکر سؤال، جواب آن نیز بلافاصله آمده است (ر.ک: بقره/۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۷، ۲۱۵، ۱۸۹). در پاره‌ای موارد هم، مطالب مهم و اساسی به صورت پرسش مطرح شده و پاسخ آن به فکر مخاطب واگذار گردیده و یا به طور تلویحی جواب آن داده شده است؛ مانند این که قرآن کریم می‌فرماید: آیا معبودی با خداست؟ خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرار می‌دهند (نمل/۶۳). آیا در [وجود] خدا شک است؟ خدایی که زمین و آسمان را آفرید (ابراهیم/۱۰). معصومین علیهم‌السلام نیز از این شیوه در تبلیغات دینی بهره گرفته‌اند. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گاهی با یک لبخند و یا انجام عملی غیر منتظره، در اطرافیان خود سؤال ایجاد می‌کرد تا پیامی را به آنان ابلاغ کند. به عنوان مثال اسیرانی را نزد وی آوردند؛ با دیدن آنان لبخندی زد. اسیران گفتند: حق داری بر ما ناتوانان بخندی! پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: به خدا سوگند از روی استهزا بر شما نخندیدم؛ خنده‌ام برای این است که می‌خواهم شما را به بهشت برسانم و شما نمی‌پذیرید. امامان علیهم‌السلام نیز گاه با طرح پرسش‌های فکری و علمی، اذهان مردم را به جستجو وامی‌داشتند و گاه درماندگی و بی‌مایگی دشمنان خویش را برملا می‌ساختند، همین‌طور پاسخ‌های منطقی و گرانبه‌تری که به سؤال‌های دانشمندان و محققان می‌دادند، گره‌های فراوانی را از مشکلات علمی و فکری مردم می‌گشود. چنان که حضرت علی علیه‌السلام بارها به پرسش‌های مردم، اعم از موافق و مخالف، پاسخ داد و می‌فرمود: قبل از آن که مرا از دست دهید، از من پرسید (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵).



## ۱۹. بهره‌گیری از قصه کوتاه و داستان

یکی از شیوه‌هایی که در زندگی و شخصیت افراد اثر جدی دارد، قصه است. دکتر میلتون اریکسون، روانپزشک، در جلسات درمانی‌اش در سطح بسیار وسیعی از قصه استفاده کرده است. او می‌گوید از قصه می‌شود برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی استفاده کرد (پناهی، ۱۳۹۱). قصه همانند مایع شیرینی است که بلعیدن قرص تلخ را راحت‌تر می‌کند. بسیاری مطالب اگر به صورت مستقیم گفته شوند، در همان ابتدا باعث مخالفت و موضع‌گیری مخاطب می‌شوند، اما در قالب یک قصه، نه تنها به راحتی شنیده می‌شوند، بلکه تأثیر زیادی نیز خواهند داشت. در قصه‌ها می‌شود انواع اطلاعات علمی، مذهبی، فرهنگی، تاریخی، خانوادگی و... را ارائه کرد.

قصه راه ورودی است به ناهشیار؛ با تخیلات فرد ارتباط مستقیم دارد. اگر بتوانیم به تخیلات فرد راه پیدا کنیم به طور غیر مستقیم، رفتارها و آمل و آرزوهای او را نیز تحت تأثیر قرار داده‌ایم. با ذکر قصه زندگی یک دانشجوی موفق و سخت‌کوشی‌های او، به طور غیر مستقیم، مخاطب را به سخت‌کوشی سوق داده‌ایم. با ذکر قصه یک خانواده فقیر و چگونگی کنار آمدن آنها با مسائل زندگی، راه را به مخاطب نشان می‌دهیم، او اگر فقیر باشد جایگاه خودش را می‌شناسد و اگر غنی باشد، می‌فهمد که چه خدمتی از او برمی‌آید و چه وظیفه‌ای به عهده دارد. قصه گفتن اختصاص به مخاطبان خاصی ندارد. تحصیل کرده و بی‌سواد، زن و مرد، بچه و جوان و پیر، همه و همه قصه را راحت‌تر از سخن معمولی گوش می‌کنند و آن را تعقیب می‌کنند و پیام آن را سریع‌تر دریافت می‌کنند.

## ۲۰. راهبرد ایجاد حس نشاط و طنز

ارتباط تربیتی با استفاده از جاذبه طنز و لطیفه را می‌توان به عنوان ابزاری برای جلب توجه و برانگیختن احساسات به حساب آورد. این نوع تبلیغات با تغییر نگرش و ایجاد احساسات مثبت، نه تنها تمایل و علاقه مخاطبان را به تبلیغ بیشتر نموده، بلکه

گرایش و احساس او را به یک پدیده شدت می‌بخشد و در میان سایر اعلان‌ها، بیشتر در مورد آن صحبت شده و به یاد می‌ماند. از سوی دیگر مخاطبان در برابر مسائل مطرح شده با جنبه طنز، کم‌تر موضعی سخت‌گیرانه اتخاذ می‌نمایند. اما دست یافتن به راهبرد بیانی شوخ طبعانه در اعلان که در راستا و مرتبط با موضوع مطرح شده باشد، نیاز به خلاقیت و دقت بسیاری دارد؛ چرا که اگر طنزی قوی و مرتبط را ارائه ندهد، نتیجه‌ای معکوس در بر خواهد داشت و اگر به سوی بیان هجوگونه و کنایه‌آمیز سوق یابد، ممکن است مفهومی توهین‌آمیز یافته و موجب رنجش و روی گردانی مخاطبان شود. از این رو در این زمینه باید بسیار هوشیارانه عمل نمود (دنسون، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰). همچنین لطیفه و طنز باید دارای پیام اخلاقی باشد و ارزش‌ها و مقدسات را تحقیر نکند.

### نتیجه‌گیری

ارتباط با هم‌نوعان لازمه زندگی اجتماعی است و فرد انسان‌ها در قبال یکدیگر مسؤول هستند. موفق‌ترین فرد کسی است که در تعاملات اجتماعی بتواند در دیگران تأثیر مثبت و سازنده داشته و به سوی اخلاق و دینداری رهنمون شود. در راستای تأثیرگذاری مثبت در ایران راهبردهای متعددی وجود دارد. شناخت پیام و روش پیام‌رسانی، خودباوری و عزت نفس، آشنایی با نیازها، برقراری رابطه کلامی و غیر کلامی سنجیده، بهره‌گیری از یادگیری مشاهده‌ای و الگویی، توجه به تفاوت‌های فردی و ظرفیت‌های شناختی، ملاحظه ویژگی‌های جنسیتی، سعه صدر و انتقادپذیری، آراستگی، خوش‌بویی و نظافت، پرهیز از سخن بدون بصیرت، آشنایی با تکنیک‌ها و قوانین ایجاد ارتباط و انتقال پیام، از راهبردهایی است که در تعاملات سازنده با دیگران می‌توان مورد توجه قرار داد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Fredrickson
2. Feist Jess
3. Bishop
4. Inderbitzen

۵. واژه‌هایی مثل Propagation، Propaganda، Advertisement، Mission از معادل‌های تبلیغ در لغت انگلیسی است که هر کدام معنای خاص خود را دارد (کاویانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

6. Self confidence
7. Self steam
8. Atkinson.R
9. Verbal Communication
10. Nonverbal Communication
11. Baron & Byrne
12. John Gray
13. Shvlts
14. Observational Learning
15. Observational Learning
16. Social Learning
17. Albert Bandura
18. Philip Rice
19. Blyth
20. Foster-Clark
21. Grossman & Wood
22. D. F. Halpern
23. John Gray
24. Kryng
25. Fyngld
26. Dion, K.L.
27. IQ (Inteligence Quotient)
28. Hergenhan, B. R.

#### منابع و مأخذ

۱. آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آلوسی بغدادی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر.
۳. احدی، حسن و همکاران (۱۳۶۸)، روان‌شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک، تهران، بنیاد.
۴. احمدی، سید احمد (۱۳۸۰)، مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، تهران، سمت.
۵. استنهاوس، گلن (۱۳۷۹)، اعتماد به نفس، ترجمه ناهید آزادمنش، تهران، کتاب‌های دانه.
۶. بارون کوهن، سیمون (۱۳۸۴)، زن چیست؟ مرد کیست؟ تفاوت‌های اساسی زن و مرد، ترجمه گیسو ناصری، تهران، پل.

۷. بارون، روبرت و همکاران (۱۳۸۸)، *روان شناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران، روان.
۸. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، *نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ*، تهران، دنیای دانش.
۹. پت، پتری (۱۳۷۶)، *شيوه‌های برقراری ارتباط با کودکان و بزرگسالان*، ترجمه جواد شافعی مقدم، تهران، ققنوس.
۱۰. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۳)، *تبلیغ دین از منظر دین، قم، زمزم هدایت*.
۱۱. پناهی، علی احمد (۱۳۸۷)، *جوانی فصل شکفتن، قم، مؤسسه امام خمینی ﷺ*.
۱۲. پناهی، علی احمد (۱۳۹۱)، *روان شناسی و تبلیغات دینی، قم، مؤسسه امام خمینی ﷺ*.
۱۳. پیرون، هانری (۱۳۶۸)، *تفاوت‌های فردی*، ترجمه محمد حسین سروری، تهران، علمی.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الإسلامی*.
۱۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸)، *زن از دیدگاه امام علی ﷺ*، ترجمه و تلخیص محمد رضا جواد، تهران، فرهنگ اسلامی.
۱۶. جواد آملی (۱۳۸۹)، *زن در آینه جلال و جمال، قم، اسراء*.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسایل الشیعه، قم، آل‌البیت ﷺ*.
۱۸. حرانی ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. خدا رحیمی، سیامک و همکاران (۱۳۷۹)، *روان شناسی زنان، مشهد، حاتم*.
۲۰. خسروی، زهره (۱۳۸۲)، *مبانی روان شناسی جنسیت، تهران، سبح*.
۲۱. دنیسون، دل (۱۳۸۴)، *راهنمای تبلیغات، ترجمه جلال کاکایی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مانیار*.
۲۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، آل‌البیت ﷺ*.
۲۳. رهبر، محمد تقی (۱۳۷۱)، *پژوهشی در تبلیغ، تهران، سازمان تبلیغات*.
۲۴. سالاری فر، محمد رضا و همکاران (۱۳۷۹)، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت*.
۲۵. سیف، علی اکبر (۱۳۶۸)، *روان‌شناسی پرورشی، تهران، آگاه*.
۲۶. جان گلاور (۱۳۷۵)، *روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد، ترجمه علینقی خرازی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی*.
۲۷. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران*.
۲۸. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۳)، *توکل به خدا، راهی به سوی حرمت و سلامت روان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ*.
۲۹. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، *نگاهی نو به روش‌شناسی آموختن، تهران، چاپخش*.

۳۰. شعبانی، حسن (۱۳۸۹)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس، سمت.
۳۱. شولتس، دوآن (۱۳۶۲)، روان‌شناسی کمال، الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، تهران، نشر نو.
۳۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
۳۳. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۰۸)، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۳۴. فروم، اریک (۱۳۶۰)، جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، تهران، بهجت.
۳۵. فضل‌الله محمد حسین (۱۴۲۱ق)، تأملات اسلامیة حول المرأة، بیروت، دارالملاک.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، (۱۴۰۶ق)، مشهد، آل‌البيت عليهم السلام.
۳۸. فلیپ رایس، ف (۱۳۸۷)، رشد انسان (روان‌شناسی رشد از تولد تا مرگ)، ترجمه مهشید فروغان، تهران، ارجمند.
۳۹. کاویانی، محمد (۱۳۸۷)، روان‌شناسی تبلیغات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۰. کرینگ، آن م و همکاران (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه حمید شمسی‌پور، تهران، ارجمند.
۴۱. گری، جان (۱۳۸۱)، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قراچه داغی، مشهد، راهیان سبز.
۴۲. گنجی، حمزه (۱۳۷۰)، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، تهران، بعثت.
۴۳. لیبی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث.
۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، (ج ۱-۵)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
۴۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، امر به معروف و نهی از منکر، گردآوری حسین جوادی نیا، تهران، صدرا.
۴۷. مک لوهان، هربت مارشال (۱۳۷۷)، برای درک رسانه، ترجمه سعید آذری، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۴۸. ونگ، وسیوس (۱۳۸۶)، اصول فرم و طرح، ترجمه آزاده بیدابخت و نسترن لواسانی، تهران، انتشارات نی.
۴۹. علی بن الحسین (امام چهارم) عليه السلام (۱۳۷۶)، الصحیفه السجادیة، قم، دفتر نشر الهادی.
۵۰. هاشمی خوبی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۵۱. هرگنهان، بی. آر. (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، فرهنگ معاصر.

52. Atkinson R.L. et al. (1983), *introduction to Psychology & the edition*, New York, HBJ.
53. Baron, R. A. & Byrne, D. (1997), *Social Psychology*, 8th ed., Allyn and Bacon.
54. Blyth, D. A., & Foster-Clark, F. S. (1987), *Gender differences in perceived intimacy with different members of adolescents, social networks*, Sex Roles, 17, 689-718.
55. Feist, Jess and G. J. Feist. (2006), *Theories of personality*, Boston: McGraw-Hill.
56. Matlin Margaret W. (2008), *The Psychology of women*, Belmont, CA: Wadsworth/Thomson Learning.

## بررسی اثربخشی رشد علمی ایران و پویایی علمی اقتصادی\*

- محمد امین خسروی<sup>۱</sup>
- محمد رضا شریفانی<sup>۲</sup>
- روح الله رحیمی<sup>۳</sup>

### چکیده

جهت مطالعه رشد علمی کشورها، معیارهای مختلفی وجود دارد که هر ساله سازمان‌های داخلی و خارجی متخصص در این رابطه با تکیه بر آمار و ارقام، رشد علمی کشورها را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهند. در این مقاله ابتدا با توجه به شاخص‌های استاندارد بین‌المللی که در پایگاه‌های معتبر منتشر شده است. رشد علمی ایران را در دو دهه اخیر بررسی می‌کنیم و پس از آن به تحلیل ارتباط متقابل رشد حقوقی و اقتصادی و میزان

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد مهندسی صنایع از دانشگاه علوم و تحقیقات و مدرس دانشگاه (نویسنده مسؤل)  
amin.l.khosravi@gmail.com

۲. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران مرکز و مدرس دانشگاه

۳. دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی

تأثیرگذاری رشد علمی در این حوزه می‌پردازیم. با توجه به نتایج حاصله از این تحقیق مشخص می‌شود که ایران در دو دهه اخیر رشد علمی چشم‌گیری داشته که از این حیث باعث رشد و ترقی ایران در دنیا شده است. ولی به عکس تمام کشورهای دنیا این رشد علمی تأثیر کمی روی رشد اقتصادی کشور داشته است. عدم توجه به مباحث علوم انسانی یکی از دلایل با اهمیت در این زمینه است و نیز عدم ارتباط بخش اقتصادی و علمی کشور به طور مستمر و صحیح از دلایل مهم این نقصان می‌باشد که می‌توان با دیدگاه حقوقی و قانونی به عنوان رابط بین سرمایه‌گذار و نوآور، عدم اعتماد بین این دو حوزه را کاهش داد.

واژگان کلیدی: رشد علمی، اقتصاد، رشد حقوقی.

### مقدمه

رشد اقتصادی پیوسته و مداوم وابسته به نوآوری است. اهمیت روزافزون علم و فناوری به عنوان پایه توسعه اجتماعی و اقتصادی جایگاه خاصی به مباحث کلی مربوط به علم و فناوری نظیر فلسفه علم و فناوری، آینده پژوهی و مدیریت علم و فناوری بخشیده است.

این ارزیابی در پی ترسیم تصویری واقعی از وضعیت علم و فناوری در چارچوب یک بنگاه علمی فناوری و یا یک کشور؛ و بررسی و تحلیل زمینه‌ها و عوامل مربوط با استفاده از روش‌های علمی است. ارزیابی علم و فناوری، فراتر از واقع‌نمایی صرف، شامل نوعی سنجش و داوری نیز هست و با استمداد از تجربه گذشته، نوری به راه آینده می‌افکند. بنابراین ساختاری صحیح و کارآمد و همچنین بنیانی مستحکم برای آینده‌نگری و آینده‌پژوهی امری ضروری برای سیاست‌گذاری و تعیین و تدوین راهبردها و برنامه‌های علم و فناوری است. از این رو مبحث مورد نظر به بررسی دانشی کاربردی می‌پردازد که فواید بسیاری دارد. همین فواید و ثمرات است که مقوله مورد نظر را به صورت فرایندی رو به توسعه درآورده که دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و بنگاه‌های خصوصی به اجرای آن همت می‌گمارند و از نتایج و آثار آن بهره‌های فراوان برده و می‌برند. در این بین بعضی از علوم نقش برجسته‌تری را ایفا



می‌کنند؛ که گاهی می‌توان با تبیین شاکله‌های کلی این علوم و میزان ارتباط و تأثیرگذاری آنها بر حوزه نوآوری و در نتیجه اقتصاد و فرهنگ یک جامعه، نقش و تأثیر آنها را تقویت کرد.

(۸۱)

### ارتباط رشد علمی و رشد اقتصادی

وقتی یک کشور در حال توسعه تعداد زیادی کارآفرین دارد، موجی از نوآوری‌ها در بازارها و سازمان‌ها پدید می‌آید که خود باعث می‌شود تا بهره‌وری رشد بسزایی داشته باشد. در نتیجه دستمزد و سود افزایش یابد. نوآوری‌ها در بازارها و سازمان‌ها باعث ترکیب ایده‌ها و سرمایه در بنگاه‌هایی می‌شود که ریسک‌ها و فرصت‌های بزرگی پیش رو دارند. ادعای اصلی این است که رشد مداوم در کشورهای در حال توسعه از طریق نوآوری‌ها در بازارها و سازمان‌ها به دست کارآفرینان رخ می‌دهد.

### ارتباط رشد حقوقی و رشد اقتصادی

نهادهای حقوقی در پرتوی آیین و نگرش قانونی و صحیح خویش امکان شکوفا شدن نوآوری و کارآفرینی بیشتری را فراهم می‌کنند و دلیل اهمیتی که این دو مورد (نوآوری و کارآفرینی) در رشد اقتصادی دارند، اگر نهادهای مزبور به وظایف خود عمل نکنند، سایر تلاش‌ها برای تحریک رشد اقتصادی راه به جایی نخواهند برد. از این زاویه رابطه میان حقوق و اقتصاد بسیار جذاب و پرمعنی می‌شود. به دیگر سخن ارتباط بین حقوق و اقتصاد یک رابطه دوسویه است و هر چه این ارتباط صحیح‌تر و مناسب‌تر باشد، نوآوری و کارآفرینی در جامعه بستر مناسبی می‌یابد و بالطبع سیاست و روابط بین‌المللی نیز شکوفاتر خواهد بود.

در کتاب «گره سلیمان»، رابرت دی کوتر<sup>۱</sup> و هانز شافر<sup>۲</sup> یک تئوری حقوقی رشد اقتصادی را پیشنهاد می‌دهند که به تفصیل ثابت می‌کند چگونه حقوق مالکیت، حقوق قراردادهای و حقوق تجارت باعث پیوند و اتحاد سرمایه و

اندیشه‌ها می‌شود و برای اقتصاد کشورها رونق و شکوفایی به ارمغان می‌آورد. آنها همچنین به اثبات می‌رسانند چرا قوانین ناکارآمد خصوصی و بازرگانی، علت ریشه‌ای فقر ملت‌ها در جهان امروز هستند. بدون وجود نهادهای حقوقی که امکان شکوفا شدن نوآوری و کارآفرینی را فراهم می‌کنند سایر تلاش‌ها برای تحریک رشد اقتصادی محکوم به شکست است.

ادعای اصلی کوتر و شافر آن است که رشد مداوم در کشورهای در حال توسعه از طریق نوآوری‌ها در بازارها و سازمان‌ها به دست کارآفرینان رخ می‌دهد؛ بسط و گسترش نوآوری، مشکل اعتماد بین نوآرانی به وجود می‌آورد که ایده جدید دارند و سرمایه‌گذارانی که سرمایه دارند و در این بین، بهترین راه کارها مستلزم استفاده از علم حقوق است.

### شاخص‌های ارزیابی رشد علمی

#### شاخص<sup>۳</sup> KEI (شاخص اقتصاد دانایی)

شاخص (KEI) به منظور بررسی میزان موفقیت کشورها در برقراری اقتصاد مبتنی بر دانش استفاده می‌شود و ایران در این شاخص که در مجله ساینتمتریکس (SCIENTOMETRICS) به چاپ رسیده است، موفق به کسب ۴/۶۷ امتیاز از ۱۰ امتیاز شده و این در حالی است که امتیاز ایران در این شاخص نسبت به سال ۲۰۰۰ (۲/۳۸) رشد چشم‌گیری داشته است.

شاخص KEI بر مبنای چهار محور اصلی اقتصاد مبتنی بر دانش شامل شیوه سازماندهی نظام تحقیقات، آموزش مهارت‌های لازم به محققان، زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات و سیستم حمایت از نوآوری و ابداع محاسبه شده است.

جدول شماره (۱): وضعیت جمهوری اسلامی ایران از نظر شاخص اقتصاد دانایی (KEI) و برخی از کشورهای منتخب در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۲			
کشور	رتبه ۲۰۰۰ (بین ۱۴۶ کشور)	رتبه ۲۰۱۲ (بین ۱۴۶ کشور)	میزان تغییرات رتبه
سوئد	۱	۱	۰
فنلاند	۸	۲	-۶
دانمارک	۳	۳	۰
ایران	۹۵	۹۴	-۱
مصر	۸۸	۹۷	-۹
عربستان	۶۰	۶۶	-۶
ترکیه	۶۲	۶۹	-۷

Source: KAM2012 (www.worldbank.org)

### شاخص<sup>۴</sup> TAI (شاخص دستیابی فناوری)

این شاخص که توسط (United Nations Development Program) UNDP منتشر می‌شود در بردارندهٔ عوامل ذیل می‌باشد، که ایران در سال ۲۰۰۰ در این شاخص از بین ۷۲ کشور دارای رتبهٔ ۵۱ می‌باشد و در سال ۲۰۱۲ دارای رتبهٔ ۴۵ می‌باشد.

جدول شماره (۲): عوامل چهارگانه شاخص دستیابی به فناوری		
عامل	شاخص	منبع جمع آوری اطلاعات
تولید فناوری	پروانه ثبت اختراع واگذار شده نسبت به جمعیت	سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)
	دریافت بهای حق امتیاز و مجوز از داخل نسبت به جمعیت	بانک جهانی (WB)
گسترش نوآوری‌های تازه	میزبان‌های اینترنتی نسبت به جمعیت	اتحادیه بین‌المللی ارتباطات (ITU)
	سهم صادرات فناوری متوسط و بالا و از کل صادرات	بخش آمار سازمان ملل متحد
گسترش نوآوری‌های گذشته	مصرف برق به نسبت جمعیت	بانک جهانی (WB)
	مصرف تلفن‌ها نسبت به جمعیت	اتحادیه بین‌المللی ارتباطات (ITU)
مهارت‌های انسانی	نسبت کل ثبت نام کنندگان آموزش عالی در سه گروه علوم، ریاضی و مهندسی	یونسکو (UNESCO)

### شاخص<sup>۵</sup> ICI (شاخص گنجایش فناوری)

این شاخص که توسط UNCTAD (The United Nations Conference on Trade and Development) گزارش می‌شود دربرگیرنده زیر شاخص‌های سرمایه انسانی، پویایی فناوری، شمار کارکنان در واحدهای پژوهش و پیشرفت (R&D)، شمار نوآوری‌ها و شمار انتشارات علمی (در هر یک میلیون نفر) است. جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شاخص گنجایش فناوری از رتبه جهانی ۸۵ در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ برخوردار است که نسبت به سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱، جایگاه ایران سه رتبه بهبود پیدا کرده است.

جدول شماره (۳): وضعیت شاخص گنجایش نوآوری (ICI) جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای منتخب ۲۰۱۰-۲۰۱۱	
رتبه	نام کشور
۱	سوئد
۲	سوئیس
۳	سنگاپور
۴۸	عربستان
۶۲	ترکیه
۷۵	مصر
۸۵	ایران
Source: WEF, the Innovation for Development Report 2010-2011	

### شاخص<sup>۶</sup> STCI (شاخص گنجایش علوم و فناوری)

این شاخص، دو زیر شاخص مهم زیر را اندازه گیری می کند:

الف - گنجایش داخلی کشورها دربرگیرنده: سهم هزینه های R&D از تولید ناخالص داخلی، شمار دانشمندان و مهندسان در میلیون نفر، سهم صادرات با فناوری بالا از همه صادرات.

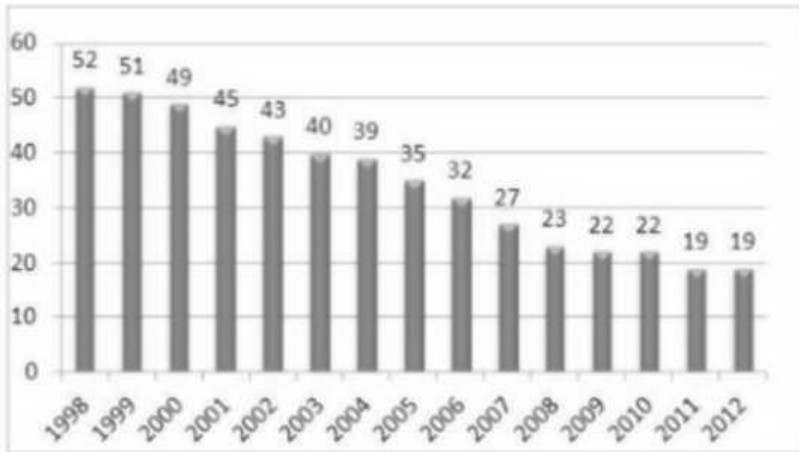
ب - همکاری های علمی جهانی دربرگیرنده: شمار مجله های جهانی، چگونگی زیر ساخت ها، پیوندها و فناوری.

بر پایه این شاخص ها، کشورها در گروه کشورهای پیشرفته، حرفه ای، روبه پیشرفت و عقب مانده دسته بندی می شوند. جمهوری اسلامی ایران بر پایه این شاخص، در دسته کشورهای روبه پیشرفت می باشد.

جدول شماره (۴): شاخص گنجایش علوم و فناوری (STCI) برای برخی کشورهای گزینش شده	
رتبه (بین ۷۶ کشور)	کشور
۱	آمریکا
۲	کانادا
۳	سوئد
۱۳	فرانسه
۱۸	کره جنوبی
۳۵	ترکیه
۴۳	عربستان
۴۸	مصر
۵۱	ایران

### رتبه تولید علم ایران

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر علمی کشورهای اسلامی» که توسط مهرداد و گزنی (۲۰۱۰) تهیه و تدوین شد، رتبه علمی ایران در پانزده سال گذشته در سطح جهانی به سرعت افزایش یافته است. نمودار ذیل این واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد. ایران در سال ۱۹۹۸ (پانزده سال پیش) در رتبه ۵۲ تولید علم جهان قرار داشت. در پانزده سال گذشته اما شاهد جهش ایران در تولید علم بوده‌ایم. در همین فاصله، تولید علم ایران به رتبه ۱۹ ارتقا یافته است. این یعنی رتبه ایران در پانزده سال گذشته ۳۳ رتبه بهتر شده است.



نمودار شماره یک: رتبه تولید علم ایران در سطح بین المللی بر حسب سال

در کشورهای خاورمیانه نیز، ایران در سال ۱۹۹۸ دارای رتبه پنج تولید علم بود و قبل از ایران، کشورهای فلسطین اشغالی، ترکیه، مصر و عربستان سعودی قرار داشتند. در سال ۲۰۱۲ شاهد هستیم که ایران حائز رتبه دوم در بین کشورهای خاورمیانه است. داده‌های جدول نشان می‌دهد که ایران از سال ۲۰۰۸ به بعد، در خاورمیانه از لحاظ تولید علم به عنوان کشور دوم پس از ترکیه است.

جدول شماره (۵): رتبه علمی ایران در خاورمیانه

سال	کشورهای اسلامی	کشورهای عرب آسیا	خاورمیانه
۱۹۹۸	۴	۴	۵
۱۹۹۹	۴	۴	۵
۲۰۰۰	۴	۴	۵
۲۰۰۱	۳	۳	۴
۲۰۰۲	۳	۳	۴
۲۰۰۳	۲	۳	۳
۲۰۰۴	۲	۳	۳
۲۰۰۵	۲	۳	۳
۲۰۰۶	۲	۳	۳
۲۰۰۷	۲	۳	۳
۲۰۰۸	۲	۲	۲
۲۰۰۹	۲	۲	۲
۲۰۱۰	۲	۲	۲
۲۰۱۱	۲	۲	۲
۲۰۱۲	۲	۲	۲

شاخص‌های تولید علم در بالا، تعداد مقالات، تعداد مقالات به ازاء تعداد دانشجویان، تعداد استنادها و تعداد استنادها به ازاء هر مقاله، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### تعداد اختراعات ثبت شده

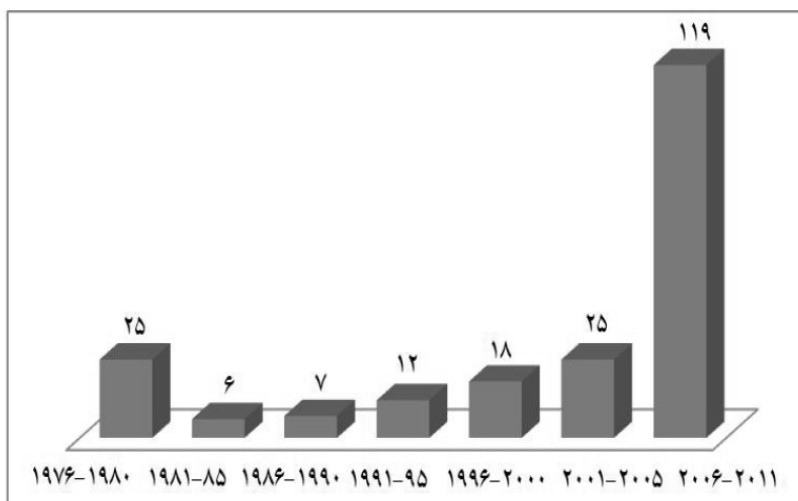
پروانه‌های ثبت اختراع به عنوان سنج‌های مناسب برای بررسی میزان پیشرفت



علم و فناوری، کشف پتانسیل لازم در کارهای پژوهشی و ترسیم نقشه‌های دانش مد نظر هستند.

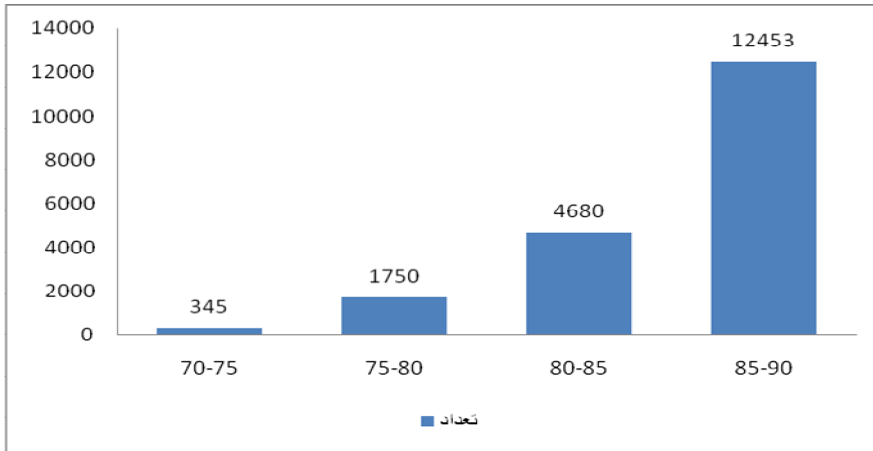
۸۹

پروانه ثبت اختراع، مجوزی است که از سوی دولت به مخترع، به منظور جلوگیری از استفاده غیرمجاز دیگران از نوآوری وی داده می‌شود. براساس پروانه‌های ثبت اختراع مخترعان ایرانی از سه پایگاه اداره پروانه‌های ثبت اختراع و علائم تجاری آمریکا (USPTO)، سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، اداره پروانه‌های ثبت اختراع اروپا (esp@cenet) که در بازه زمانی ۱۹۷۶-۲۰۱۱ گردآوری شده‌اند مورد تحلیل قرار گرفته است.



نمودار ۱: توزیع فراوانی پروانه‌های ثبت اختراع مخترعان ایرانی در پایگاه‌های مختلف (از لحاظ زمانی)

و تعداد اختراعات ثبت شده در اداره ثبت اختراعات ایران به صورت ذیل رشد داشته است:



### تعداد محققین

محقق (پژوهشگر) فردی است که بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش‌های علمی و فنی کرده و در اجرا یا مدیریت فعالیت‌های علمی و پژوهشی شرکت دارد و عمدتاً دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس یا بالاتر و یا معادل آن از دوره‌های غیردانشگاهی می‌باشند. همچنین ممکن است به طور معادل دارای تجربه عملی کافی در زمینه تحقیق و پژوهش باشند.

نتایج آمارگیری از کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه در طرح آمارگیری از فعالیت‌های تحقیق و توسعه به چهار زیر جامعه ذیل مراجعه و کسب اطلاع شده است:

۱. مراکز و مؤسسات تحقیقاتی؛
۲. کارگاه‌های صنعتی بالای ۵۰ نفر کارکن و دارای بخش تحقیق و توسعه؛
۳. مراکز و مؤسسات آموزش عالی،
۴. حوزه‌های علمیه با ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر.

سال اجرا	تمام وقت	معادل تمام وقت	پاره وقت	جمع
۱۳۷۵	۷۱۱۳		۸۳۴۷	۱۵۴۶۰
۱۳۷۷	۱۲۳۹۰	۲۷۹۵	۸۲۲۳	۲۳۴۰۸
۱۳۷۹	۱۴۸۷۸		۱۰۰۶۲	۲۴۹۴۰
۱۳۸۱	۱۲۴۴۸		۶۸۸۲	۱۹۳۳۰
۱۳۸۳	۲۲۵۵۳		۱۸۰۱۰	۴۰۵۶۳
۱۳۸۵	۳۴۸۳۶	۷۳۱۵	۲۳۴۷۳	۶۵۶۲۴
۱۳۸۷	۲۲۹۸۵	۳۱۲۹۸	۸۴۸۲۶	۱۳۹۱۰۹
۱۳۸۸	۲۶۸۵۶	۲۵۴۰۰	۷۴۲۸۸	۱۲۶۵۴۴
۱۳۹۰	۲۸۷۶۹	۲۷۳۸۰	۸۷۵۴۹	۱۴۳۶۹۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری از فعالیت های تحقیق و توسعه

**معادل تمام وقت:** معادل تمام وقت نشان دهنده تعداد واقعی کارکنان از لحاظ مدت زمان کارکرد می باشد. یک معادل تمام وقت را می توان یک نفر – سال در نظر گرفت و یا به عبارت دیگر مفهوم معادل تمام وقت مبتنی بر واحد سنجشی است که معیار کل تمام وقت یک نفر در یک دوره معین است و باید برای تبدیل ارقام مربوط به تعداد کارکنان پاره وقت به تعداد معادل کارکنان تمام وقت مورد استفاده قرار گیرد.

## سهم اعتبارات پژوهش و فناوری از تولید ناخالص داخلی

به موجب اطلاعات جدول ذیل از ابتدای برنامه دوم توسعه تا انتهای برنامه چهارم توسعه مبلغ ۱۲۱۷۷۵ میلیارد ریال به پژوهش و فناوری اختصاص داده شده است که سهم هر یک از برنامه‌های توسعه به ترتیب ۶۵۸۴ میلیارد ریال (۵/۴ درصد)، ۲۶۶۴۲ میلیارد ریال (۲۱/۹ درصد) و ۸۸۵۴۹ میلیارد ریال (۷۲/۷ درصد) است.

جدول یک- اعتبارات بخش پژوهش و فناوری در برنامه‌های توسعه

ارقام: میلیارد ریال

سال	هزینه‌های	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	درآمد اختصاصی	ردیف متفرقه	اعتبار تحقیقاتی شرکت‌ها	جمع
۱۳۷۴	۲۰۳	۳۳۰	۱۷	۱۴	۰	۵۶۴
۱۳۷۵	۲۶۴	۴۳۰	۳۰	۲۹	۰	۷۵۳
۱۳۷۶	۴۰۷	۷۸۸	۴۵	۴۳	۱۸۳	۱۴۶۶
۱۳۷۷	۴۸۹	۷۱۲	۷۲	۵۷	۳۶۴	۱۶۹۴
۱۳۷۸	۵۹۰	۸۷۷	۱۲۲	۵۹	۴۵۹	۲۱۰۷
جمع برنامه دوم	۱۹۵۳	۳۱۳۷	۲۸۶	۲۰۲	۱۰۰۶	۶۵۸۴
۱۳۷۹	۸۳۰	۱۱۲۰	۱۹۸	۱۵۷	۵۶۴	۲۸۶۹
۱۳۸۰	۱۱۴۸	۱۵۷۵	۳۲۵	۲۳۳	۶۹۸	۳۹۷۹
۱۳۸۱	۱۹۴۰	۱۳۰۲	۳۹۲	۸۰۶	۸۲۰	۵۲۶۰
۱۳۸۲	۳۰۰۱	۱۸۳۳	۶۵۲	۱۳۱۲	۰	۶۷۹۸
۱۳۸۳	۳۰۸۶	۲۶۳۰	۱۲۲۰	۸۰۰	۰	۷۷۳۶
جمع برنامه سوم	۱۰۰۰۵	۸۴۶۰	۲۷۸۷	۳۳۰۸	۲۰۸۲	۲۶۶۴۲
۱۳۸۴	* ۵۱۱۷	* ۳۵۲۰	۱۷۳۲	۶۰۹	۰	۱۰۹۷۸
۱۳۸۵	۵۳۲۳	۱۹۰۲	۱۴۹۷	۷۵۶	۰	۹۴۷۸
۱۳۸۶	۵۲۴۳	۲۲۸۲	۲۳۹۲	۹۵۸	۰	۱۰۸۷۵
۱۳۸۷	۸۸۵۴	۲۸۸۸	۳۱۲۱	۱۳۸۷	* * ۷۳۹۹	۲۳۶۴۹
۱۳۸۸	۱۰۵۸۸	۶۳۵۹	۳۵۰۱	۱۷۴۳	۱۱۳۷۸	۳۳۵۶۹
جمع برنامه چهارم	۳۵۱۲۵	۱۶۹۵۱	۱۲۲۴۳	۵۴۵۳	۱۸۷۷۷	۸۸۵۴۹
جمع کل	۴۷۰۸۳	۲۸۵۴۸	۱۵۳۱۶	۸۹۶۳	۲۱۸۶۵	۱۲۱۷۷۵

مأخذ: قوانین سنواتی بودجه کل کشور و گزارش‌های عملکرد تبصره‌های بودجه مربوط به فصل تحقیقات  
 ● اعتبار هزینه‌ای و تملك دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۳۸۴ شامل ۲ درصد اعتبار هزینه‌ای و تملك دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها که به موجب بند «ج» تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۸۴ باید به پژوهش و فناوری اختصاص داده می‌شده است. به دلیل عدم دریافت گزارش عملکرد از این اعتبارات میزان مصوب آن در نظر گرفته شده است. ۲ درصد اعتبار هزینه‌ای و تملك دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌ها در این سال به ترتیب ۱۲۰۸ و ۴۴۸ میلیارد ریال است. در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ عملکرد تبصره‌های بودجه‌ای مربوط به فصل تحقیقات که دارای بار مالی بوده‌اند محاسبه شده است.

● این رقم با توجه به اطلاعات ارائه شده از دفتر امور بنگاه‌ها معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری اصلاح شده است. اعتبارات سال ۱۳۸۸ براساس قانون منتشر شده بودجه آن سال محاسبه شده و اصلاحات بعدی در آن سال مدنظر قرار نگرفته است.

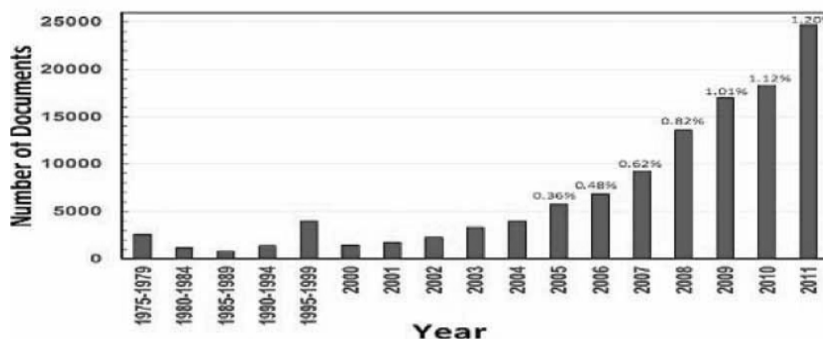
این ارقام بیان‌کننده این است که در برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه‌های دوم و سوم اهمیت بیشتری به پژوهش و فناوری داده شده است (البته بدون احتساب موضوع تورم). همچنین سهم اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، درآمدهای اختصاصی، متفرقه و اعتبارات تحقیقاتی شرکت‌ها از کل اعتبارات پژوهش و فناوری (۱۲۱۷۷۵ میلیارد ریال) به ترتیب ۴۷۰۸۳ میلیارد ریال (۳۸/۷ درصد)، ۲۸۵۴۸ میلیارد ریال (۲۳/۵ درصد)، ۱۵۳۱۶ میلیارد ریال (۱۲/۵ درصد)، ۸۹۶۳ میلیارد ریال (۷/۴ درصد)، ۲۱۸۶۵ میلیارد ریال (۱۷/۹ درصد) است. بیشترین و کم‌ترین میزان این اعتبارات به ترتیب به اعتبارات هزینه‌ای و اختصاصی مربوط می‌شود. همچنان که در جدول یک مشاهده می‌شود اعتبارات پژوهش و فناوری از ابتدای برنامه دوم توسعه تا سال ۱۳۸۵ دارای روندی صعودی، در سال ۱۳۸۵ کاهش و از سال ۱۳۸۶ دوباره روند صعودی داشته است. در این سال غیر از اعتبارات هزینه‌ای و متفرقه سایر اعتبارات کاهش داشته‌اند.

در سال ۱۳۷۰، ۱/۹٪ از سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) صرف تحصیلات ابتدایی، ۹/۹ درصد صرف تحصیلات راهنمایی و ۸/۳۴ درصد از (GDP) صرف تحصیلات در مقطع دبیرستان شده است. این نسبت‌ها در سال ۱۳۹۰ به ترتیب، ۵/۱۳ درصد، ۳/۲۰ درصد و ۷/۲۰ درصد شده است. در سال ۱۳۷۰، جامعه ایران ۴۸ درصد از (GDP) را صرف آموزش کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۰ ایران، ۲۰ درصد (GDP) را برای آموزش صرف کرده است.

### تعداد مقالات نمایه شده

بسیاری از پایگاه‌ها یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد علمی یک کشور را تعداد مقالات نمایه شده می‌دانند که در این زمینه ایران رشد چشمگیری در سالان اخیر داشته است.

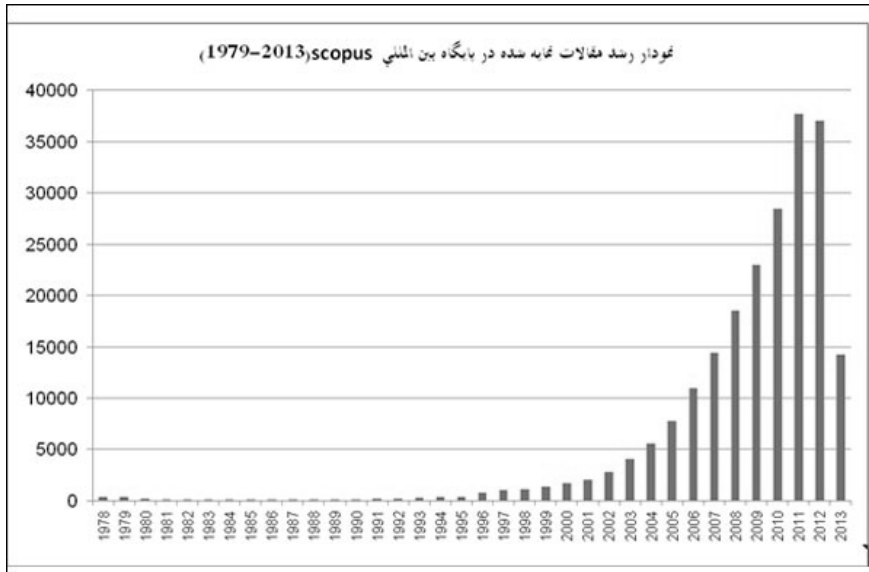
به طور کلی در جهان، سه نظام استنادی ISC در ایران، Scopus در هلند و ISI در ایالات متحده آمریکا تعداد مقالات کشورها را رصد می کنند. طبق گزارش پایگاه ISI تعداد مقالات نمایه شده ایران در چند سال اخیر رشد بسیار خوبی داشته است.



نمودار ۱- روند افزایش تولیدات علمی کشور  
منبع: مستخرج از پایگاه اطلاعات علمی ISI

همچنین طبق داده های موجود در پایگاه استنادی Scopus، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا خرداد ماه سال ۹۲ با تولید ۲۱۶۱۰۸ مقاله رتبه اول منطقه و مقام ۱۶ تولید علم جهان را در اختیار دارد.

سال	تا ۵۷	تا ۱۳۶۸	تا ۱۳۷۶	تا ۱۳۸۴	مجموع مقالات از ابتدای انقلاب تا خرداد ۹۲
سال ۵۷	۱۳۶۸	۱۳۷۶	۱۳۸۴	۱۳۹۲	۲۱۶۱۰۸
سال ۴۰۳	۱۷۰۸	۲۵۴۱	۸۸۲۵	۱۹۲۰۹۶	



باید به این نکته توجه داشت که بسیاری از فعالیت‌های پژوهشی از نوع چاپ مقاله نیستند، توسعه آزمایشگاه‌ها، انجام بسیاری از فعالیت‌های توسعه فناوری، ایجاد رصدخانه‌های علمی مختلف، توسعه تجهیزات، گسترش پارک‌های علم و فناوری و... از دسته فعالیت‌هایی هستند که به سختی قابل انتشار به صورت مقاله و آمار هستند. از سوی دیگر در همه کشورها بعضی از پژوهش‌های استراتژیک در قالب پروژه‌های محرمانه انجام می‌شوند که هرگز قابل انتشار عمومی نیستند و در ژورنال‌ها هم منتشر نمی‌شوند. در بعضی از پژوهش‌های دیگر ایده‌ها و فرایند پژوهش تا تبدیل به مقاله شود گاهی بیش از یک دهه طول می‌کشد. با در نظر گرفتن موارد فوق، گزارشی در مجله نیوساینتیست منتشر شد که سریع‌ترین «سرعت رشد» تولیدات علمی از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱ را برای ایران برآورد کرد. اصل خبر جالب توجه بود و نشان می‌داد که در فرایند تولید علمی مؤسسات آکادمیک (دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری در ایران) در وضعیت مناسبی از نظر روند و سرعت رشد تولیدات علمی قرار گرفته‌اند.

## علمی آموزشی

در جدول ذیل سعی شده است اهم دستاوردهای علمی آموزشی کشور براساس گزارش وزارت علوم، در یک دهه اخیر و میزان رشد آنها آورده شود:

ردیف	عنوان	سال ۸۴-۸۵	سال ۹۱-۹۰
۱	جمعیت آموزش عالی کشور	دو میلیون و ۳۸۹ هزار و ۸۶۷	چهار میلیون و ۴۰۳ هزار و ۶۵۲
۲	تعداد کل رشته محل های مقاطع تحصیلی	۱۳ هزار و ۷۷	۳۲ هزار و ۹۹۳
۳	رشته محل های کاردانی	۲۳۳۹	۸۸۷۰
۴	تعداد رشته محل های کارشناسی	۶۴۰۲	۱۴ هزار و ۷۳۵
۵	تعداد رشته محل های کارشناسی ارشد	۳۶۵۶	۷۱۴۴
۶	تعداد رشته محل های دکترای تخصصی	۶۸۰	۲۲۴۴
۷	تعداد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی	۱۱۱۳	۲۴۷۱
۸	شمار دانشجویان مقطع کارشناسی	یک میلیون و ۵۲۲ هزار و ۲۷۳	دو میلیون و ۸۹۸ هزار و ۶۰۵
۹	شمار دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد	۹۲ هزار و ۵۴۱ دانشجو	۴۰۴ هزار و ۷۸۲
۱۰	دکترای حرفه ای	۴۰ هزار و ۲۲۳	۵۲ هزار و ۹۷۳
۱۱	مقطع دکترای تخصصی	۱۹ هزار و ۲۳۷	۴۷ هزار و ۳۱۵
۱۲	تعداد اعضای هیات علمی تمام وقت	۴۲ هزار و ۶۲۵	۶۶ هزار و ۳۱۴
۱۳	تعداد انجمن های علمی	۱۵۹	۲۸۰
۱۴	تعداد قطب های علمی	۸۴	۱۴۲
۱۵	تعداد مؤسسات پژوهشی	۳۶۶	۶۴۰
۱۶	تعداد مقالات منتشر شده در ISI	۵۵۸۲	۲۱ هزار و ۵۰۶
۱۷	تعداد نشریات علمی پژوهشی	۱۹۲	۶۸۲
۱۸	تعداد پارک های علم و فناوری	۱۴	۳۱
۱۹	سهم ایران در تولید علم دنیا	۰/۳	۲ درصد
۲۰	متراژ فضاهای آموزشی	سه میلیون و ۲۸۹ هزار و ۱۴۷ مترمربع	۵ میلیون و ۴۸ هزار و ۲۵۱ مترمربع
۲۱	میزان فضاهای زیربنایی، رفاهی و کمک آموزشی	۴ میلیون و ۴۴۶ هزار و ۶۹۱ مترمربع	۶ میلیون و ۲۸۰ هزار و ۳۷۴ مترمربع
۲۲	جمع کل فضاهای آموزشی و کمک آموزشی	۷ میلیون و ۷۳۵ هزار و ۸۳۸ مترمربع	۱۱ میلیون و ۳۲۸ هزار و ۶۲۵ مترمربع
۲۳	تعداد دانشجویان دوره دکتری بوس داخلی	۵۹۱ نفر	۱۶۶۴ نفر
۲۴	تعداد دانشجویان دوره دکتری بوس خارج	۱۲۲ نفر	۱۲۲ نفر



## بررسی رشد اقتصادی ایران

در این جا این سؤال پیش می‌آید که چرا ایران با توجه به رشد علمی که در دهه‌های اخیر داشته است، از لحاظ اقتصادی رشد قابل توجهی نداشته است. مگر نه این که ثابت شده است رشد علمی کشور مستلزم رشد اقتصادی آن کشور است. مگر نه این که یکی از علت‌های اصلی رشد اقتصادی کشورهای غربی و اقتصاد آمریکا مرهون رشد علمی آن کشورها می‌باشد.

پس چرا این رشد علمی در ایران نتوانسته باعث رشد اقتصادی کشور شود؟ از چند دیدگاه می‌توان به این موضوع نگاه کرد:

نوآور باید به سرمایه‌گذار اعتماد کند تا ایده خود را در اختیار او بگذارد و سرمایه‌گذار باید به نوآور اعتماد کند تا پول خود را به وی بدهد. رابرت کوتر و هانس برنند شافر این مشکل را «معضل اعتماد دوجانبه توسعه» می‌نامند. این که ملت‌ها چگونه با این معضل برخورد می‌کنند، رشد یا عقب‌ماندگی اقتصادهایشان را تعیین می‌کند. در هیچ جا این مشکل شدیدتر و حادثتر از ملت‌های فقیر نیست. در جهان مدرن امروزی آن دسته از ملت‌ها نسبتاً فقیر هستند که نتوانستند این مشکل را حل کنند و اقتصادهایشان موفق به رشد یافتن نشد. و به عکس، مراکز علمی نتوانستند به رشد اقتصادی دست یابند.

با توجه به این نظریه مشاهده می‌شود که عدم اعتماد سرمایه‌گذار و نوآور در ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروزی در این حوزه می‌باشد. از دیگر سو با توجه به آمار موجود میزان رشد علمی ایران در حوزه‌های علوم انسانی نسبت به دیگر حوزه‌ها ضعیف‌تر بوده است.

همان‌طور که گفته شد یکی از معیارهای بررسی رشد علمی یک کشور چاپ مقاله بود، رشد چاپ مقاله، مثلاً در ایران یا ترکیه و یا هند (از کشورهای توسعه یافته که در دو دهه گذشته رشد بسیار خوبی یافته و خود را به رتبه‌های ۱۰ تا ۳۰ جمع کشورهای تولیدکننده علم رسانده‌اند) الزاماً به معنی تولید علم در زمینه مسائل بنیادی و انسانی این کشورها یا مستقیماً در جهت مسائل و مشکلات

همان جامعه در حال توسعه، یا تبدیل علم به ثروت یا کارآفرینی در این کشورها نیست. سیاست‌گذاری در توسعه علم و فناوری نقش بسیار حساسی در این زمینه و هدایت پژوهش‌های علمی (و تناسب تولیدات در زمینه‌های مختلف علوم پایه، علوم انسانی، فنی، هنر و کشاورزی) دارد. مثلاً در حوزه فلسفه، در همان بازه یاد شده ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، آمریکا در جایگاه اول، چین در رتبه ۱۴ قرار دارد و رتبه‌های کشورهای آسیایی دیگر به این ترتیب است: ژاپن ۳۰، ترکیه ۳۷ و ایران ۴۵. یا مقالات منتشره در زمینه علوم سیاسی - اجتماعی، آمریکا اول، چین رتبه ۲۰، کره جنوبی ۲۴، هند ۲۵، تایوان ۲۷، ترکیه ۲۸، و ایران در رتبه ۵۲ قرار دارد. همین موضوع نشان می‌دهد که رشد نسبتاً خوب (در مقایسه با غفلت قبلی) و جایگاه نسبتاً آبرومند کسب شده اخیر بیشتر مربوط به حوزه‌های علوم پایه و فنی است و اتفاقاً در حوزه‌های بنیادی مهم و بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی، در تولید و انتشار مستندات مطابق استانداردهای روز بین‌المللی همچنان جایگاه کشور ما غیرقابل پذیرش و اسف‌بار است. چه بسا تبدیل نشدن علم پایه و فناوری‌های تولید شده در کشور به آنچه که در جامعه مورد نیاز و قابل استفاده است، بعضاً به همین عقب‌ماندگی و سرعت کم در زمینه‌های یاد شده (عمدتاً در بعضی شاخه‌های پایه نظیر فلسفه و علوم انسانی) مربوط باشد.

گاهی هم در اعلام نتایج سنجش نوع و کیفیت فعالیت‌های علمی بر پایه آمارهای علم سنجی چنان اهمیت تعداد مقالات نمایه شده و انتشار آنها اغراق‌آمیز بیان می‌شود که تعداد مقالات نمایه شده نه فقط به عنوان نماینده افتخار و آبروی ملی در زمینه تولید علم در سطح ملی بیان می‌شود، بلکه در ملاک‌های سنجش برای افراد (به ویژه اعضای هیئت علمی) این نگاه یک سویه به نتایجی نسنجیده و فکر نشده در تعیین رتبه‌بندی جایگاه بعضی از محققان و استادان کشور و چه بسا نادیده گرفتن تلاش‌های علمی و پژوهشی آنها منجر می‌شود. واقعیت آن است که همه مجلات نیز یک کیفیت ندارند. حتی در نمایه‌سازی‌های معتبر نیز نمایه شدن همه مجلات الزاماً به معنای تأیید علمی و

اعتبار مطلق آن در جامعه علمی مربوطه نیست.

همان طور که در بالا توضیح داده شد سرعت رشد انتشار و نمایه سازی مقالات علمی در ایران به ویژه در ۱۵ سال اخیر بسیار بالا بوده است. مثلاً از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ در طی حدود ۸ سال، آمار مقالات منتشر شده از ایران دارای نمایه سازی در پایگاه ISI، از حدوداً ۲ هزار مقاله به حدود ۲۰۰۰۰ مقاله (ده برابر) رسیده است. بدون شک تعداد اعضای هیأت علمی، و تعداد دانشجویان فوق لیسانس و دکتری نیز در این سالها رشدی قابل توجه داشته است، ولی از نظر کیفی و زیرساخت مدرن برای امکان انجام پژوهش، با رجوع به زیرساخت‌های پژوهشی کشور مشخص می‌شود که این رشد به برابری قابل استناد نیست. انصاف آن است که به رشد زیر ساخت‌های پژوهشی در همین مدت اشاره شود، ولی این رشد انتشار مقالات نمایه شده بیش از آن که مربوط به رشد توجه به توسعه زیر ساخت‌های کشور باشد، به گسترش دوره‌های دکتری، و کارآموده‌تر شدن محققان ایران در نگارش و انتشار مقالات علمی‌شان در سطح بین‌المللی مربوط است (که در جای خود اتفاق مبارکی است). بنابراین از رشد انتشار مقالات علمی الزاماً به نتیجه‌گیری خطی و مستقیم در توسعه امکانات پژوهشی (با همین سرعت) نمی‌توان رسید. به لحاظ کیفی نیز نمی‌توان ادعا کرد که کیفیت تولیدات علمی در ایران به طور متوسط ده برابر شده است (البته بدیهی است که رشد کرده). بنابراین ضمن رعایت نگاه منصفانه و بیان پیشرفت‌ها، باید از هر نوع نگاه اغراق‌آمیز و شبه علمی که هم خودمان و هم مدیران و مردم جامعه را به انگاره‌ای غلط رهنمون شود، اجتناب کرد.

### نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و رهایی از وابستگی در تمام حوزه‌ها به خصوص علمی از مهم‌ترین دستاوردهای علمی، اقتصادی، پژوهشی و... بوده است. با توجه به مباحث مطرح شده رشد علمی ایران در دو دهه اخیر سرعت خوبی

به خود گرفته است، به طوری که جایگاه علمی کشور ما، به ویژه در حوزه‌ها و رشته‌های علمی و فناوری، به جایگاه آبرومندی نزدیک شده است. ولی با توجه به آمار و ارقام، در حوزه‌های بنیادی مهم و بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی، در تولید و انتشار مستندات مطابق استانداردهای روز بین‌المللی همچنان جایگاه کشور ما در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد که نیاز است به این حوزه‌ها توجه خاص شود.

با توجه به نرخ رشد علمی کشور در این سال‌ها، که باید به نوعی باعث رشد اقتصادی کشور نیز بشود، که این امر محقق نشده است، و یکی از دلایل اصلی آن می‌توانست عدم همتی مضاعف جهت تبدیل علم به ثروت و نیز عدم اعتماد بین نوآوران و سرمایه‌گذاران باشد، در این راستا نیاز است به ارتباط بین اقتصاد و بعضی از شاخه‌های علوم از قبیل حقوق، که نقشی بی‌بدیل در آشتی علم و اقتصاد دارد، توجه بیشتری شود.

تولیدات علمی ایران بی‌تردید رو به رشد است. پژوهشگران ایرانی، در سال ۱۳۹۱ نیز با وجود تحریم و محدودیت‌های مالی و اقتصادی و کمبود منابع برای به روزرسانی تجهیزات (که مشکلات و وقفه‌های متعددی ایجاد نمود) با انتخاب هوشمندانه روش و مسیر پژوهش‌هایشان توانسته‌اند روند توسعه علمی کشور را همچنان رو به رشد نگه دارند. البته بدیهی است که این محدودیت‌های کنونی در آمار تولیدات دو تا سه سال آینده به تدریج خودنمایی خواهد کرد. این که این تولیدات علمی در حوزه‌های لازم و مهمی همچون علوم انسانی و بعضی از موضوعات مرتبط با فناوری‌های پیشرفته نیازمند توسعه است، مسأله‌ای جدی است که در تکمیل چرخه کاربردی کردن علم و قابل استفاده نمودن محصولات علمی در ایران «برای جامعه ایران» باید در دهه آینده مورد توجه جدی قرار بگیرد. این که با روند حاضر هدف‌گذاری تعیین شده برای متوسط شاخص تولیدات علمی در سال ۱۴۰۴ قابل تأمین باشد (یا به نظر برسد) خبر خوبی است، ولی الزاماً به معنی توسعه یافتگی همه جانبه و پیشرفته بودن «جامعه ایرانی» با تمام

اجزا و مشخصاتش و سعادت‌مندی ایرانیان در افق چشم‌انداز نخواهد بود. برای دستیابی به این پیشرفت و سعادت‌مندی نوع سیاست‌گذاری متفاوت با آنچه تاکنون اعمال شده و متناسب با آن اهداف عالی لازم است تا در همه زمینه‌ها شاهد رشد کشور باشیم.

### پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

جهت ارتباط بین علم و اقتصاد علاوه بر رشته حقوق، به عنوان یک واسطه مهم، می‌توان به بعضی دیگر از رشته‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی به عنوان یک رابط پرداخت. علاوه بر این می‌توان رشد اقتصادی ایران را تابعی از رشد علمی، رشد حقوقی، رشد فرهنگی و... در نظر گرفت و به مدلی کلی رسید.

### پی‌نوشت‌ها

1. Robert D. Cooter
2. -Hans-Bernd Schafer
3. Knowledge Economy Index
4. Technology Achievement Index
5. Innovation Capacity Index
6. Science & Technology Capacity Index

### منابع و مآخذ

۱. رضایی میرقاند، محسن، مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۶)، *ایران آینده در افق چشم‌انداز*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. عارف، محمد رضا (۱۳۹۱)، «ضرورت تبدیل دانش به فناوری و ثروت ملی»، *نشاء علم*، شماره اول.
۳. فرقانی، علی (بی‌تا)، *ارزیابی نظام توسعه فناوری در ایران در راستای تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴*، پژوهشکده توسعه تکنولوژی جهاد دانشگاهی.
۴. کریمیان، خشایار (۱۳۹۱)، «زیرساخت دگردیسی علم به فناوری»، *نشاء علم*، شماره اول.
۵. مهرداد، جعفر (۲۰۱۲)، «بررسی رشد تولید علم ایران در ۲۰۱۸»، پایگاه جهانی ISC.
۶. هیوا عبد خدا، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل موضوعی پروانه‌های ثبت اختراع مخترعان ایرانی».

- در پایگاه‌های بین‌المللی ثبت اختراع»، علوم پزشکی تهران.
۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۲)، نتایج طرح آمارگیری از فعالیتهای تحقیق و توسعه.
۸. بررسی شاخص‌های علم و فناوری در ایران، پایگاه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۹۱.
۹. پایگاه استنادی SJR، ۲۰۱۳.
۱۰. پایگاه استنادی ISI، ۲۰۱۳.
۱۱. پایگاه استنادی JSC، ۲۰۱۳.
۱۲. بانک اطلاعاتی wordbank.

[www.wordbank.org/KAM2012](http://www.wordbank.org/KAM2012)

۱۳. گزارش وزارت علوم انتشار یافته در پایگاه مرکز آموزش علمی تحقیقات صنعتی ایران  
<http://www.irtciac.com/akhbar-farhangi12html>

۱۴. تصویر ایران در گزارش سال ۲۰۱۰ بانک جهانی

World Development Indicators (2010)

<http://vision1404.ir>

15. Alai Arani M. Study of collaboration between patent and scientific production of Iranian scientist between 1990-2007 [Thesis in Persian]. Tehran University, Faculty of Library and Information Sciences; 2008.
16. Velayati K & Noruzi A. A study of Iran's scientific collaboration on the production of patents during 1975-2007. Ketabe Mahe Kolliyat 2009; 13(1)
17. [www.nationmaster.com/graph/eco-tec-acheconomy-technological-cheivement](http://www.nationmaster.com/graph/eco-tec-acheconomy-technological-cheivement) 2012
18. [www.wordbank.org](http://www.wordbank.org): "Grouping Countries by national models of technological learning" nov 2011

## اولویت‌های تولید از دیدگاه اسلام\*

- علی محمد میرجلیلی<sup>۱</sup>
- سمیه یوسفی<sup>۲</sup>

### چکیده

اسلام، خواهان عزت و اقتدار مسلمین در تمامی عرصه‌ها، از جمله عرصه اقتصادی است و تولید، مقدمه رسیدن به این هدف بزرگ است. از این رو اسلام برای تولید اهمیت ویژه‌ای قائل شده است و مسلمانان و پیروان خود را به فعالیت‌های مختلف تولیدی همچون تولیدات کشاورزی، دامداری، صنعتی و نیز تجارت تولیدات این بخش‌ها در راستای توزیع و ترویج این سه بخش دعوت می‌کند.

با توجه به این که رسیدن به رشد تولید و خودکفایی مسلمین و بی‌نیازی جستن از کشورهای کفر، روش‌ها و راه‌کارهای بی‌عیب و نقصی را می‌طلبد که از جمله آنها رعایت اولویت‌ها در تولید است، در این تحقیق سعی بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آیات قرآنی و سخنان گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به معرفی اولویت‌های تولید از

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. دانشیار دانشگاه آیت الله حائری

۲. دانش آموزخته کارشناسی ارشد دانشگاه آیت الله حائری

دیدگاه اسلام در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمین پردازیم. هدف از این پژوهش تشویق تولیدکنندگان به رعایت اولویت‌های تولیدی است.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، مسلمین، کار، تولید، اولویت‌ها.

## طرح مسأله

اسلام در درجه اول سازمان‌های تولیدی را موظف به تولید کالاهایی کرده که وجود آنها به رفع نیازهای ضروری و حیاتی مردم کمک می‌کند، مانند: خوراک، پوشاک و مسکن. و از آنها خواسته که استفاده از منابع تولید را در جهت تولید چنین کالاهایی در اولویت قرار دهند و تا زمانی که تولید کالاهای ضروری به حدی نرسیده که جواب‌گوی نیاز عموم باشد صرف نیرو و امکانات برای تولید سایر کالاها را مجاز نمی‌داند. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام آنچه به میزان و نوع کالا و خدمات جهت می‌دهد رفع نیاز عمومی جامعه به معنای واقعی صرف نظر از قدرت پولی مردم است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵)؛ زیرا عدم تأمین نیازهای ضروری مردم موجب وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه می‌شود و وابستگی اقتصادی، استقلال سیاسی و فرهنگی کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مخالف با نظر اسلام است؛ زیرا اسلام خواهان عزت و سربلندی جامعه مسلمین در بین دیگر جوامع است و هر گونه تسلط و وابستگی به بیگانه را نفی می‌کند: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱)؛ «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در این زمینه روایتی نقل شده که فرمود: «الإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴)؛ «اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد». امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز وابستگی به دیگران را باعث اسارت می‌داند و می‌فرماید: «اسْتَعْنِ بِاللَّهِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ وَ احْتَجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أُسِيرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۰۹)؛ «از هر کس بی‌نیازی بجویی، همانند او خواهی بود و به هر کس نیازمند باشی برده و اسیر او هستی». با



توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. اسلام در راستای تأمین نیازهای ضروری مسلمین و در نهایت رسیدن به استقلال و اقتدار اقتصادی و سیاسی مسلمین چه فعالیت‌های تولیدی را توصیه می‌کند؟

۲. ترتیب این فعالیت‌ها بر اساس اولویت چگونه است؟

## اولویت‌های تولید از نظر اسلام

در این بخش از مقاله اولویت‌های تولیدی از نظر اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱. کشاورزی

#### ۱-۱. اهمیت کشاورزی

زمین مادر انسان است؛ آدمی از آن خلق گردیده و به همان بازمی‌گردد: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ﴾ (طه/۵۵)؛ «از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمی‌گردانیم».

و مقومات زندگی و بقاء وی از آن است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در این باره می‌فرماید: «تَمَسَّحُوا بِالْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ هِيَ بِكُمْ بَرَةٌ» (راوندی، بی‌تا، ص ۹؛ شریف رضی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۱)؛ «با زمین (در نبود آب) مسح (تیمم) کنید که آن مادر (و زادگاه) شماست و او در حق شما نیکوکار است».

در این میان کشاورزی و زراعت، خود هدیه‌ای از زمین به انسان است تا بدان وسیله حیات پدید آمده و بشر قدرت زندگی را داشته باشد و تا کمال مطلوب سیر خود را ادامه دهد.

لیکن گاهی انسان از اهمیت کشاورزی در زندگی خود غافل است و تمام اهمیت و یا بیشتر آن را صرف امور دیگر نظیر صنعت می‌کند. اسلام تأکید زیادی را در مورد کشاورزی و زراعت نموده است؛ زیرا که غذا و مایحتاج زندگی مردم از این طریق حاصل می‌شود.

نقش کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی مردم به اندازه‌ای است که امام علی علیه السلام سامان یافتن وضع سایر اقشار جامعه را در گرو سامان یافتن وضع کشاورزان دانستند و خطاب به مالک اشتر فرمودند:

«وَتَقَدَّ أَمْرُ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحاً لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَا صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۶، نامه ۵۳)؛ «خراج را به گونه‌ای واریسی کن که صلاح خراج دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی خراج و خراج دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور خراج دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان خور خراج و خراج دهندگانند». امام علیه السلام در جمله بعدی از این نامه می‌فرماید: «وَلَيْكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَغَيْرِ عِمَارَةِ أُخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلاً فَإِنْ شَكَّوْا ثِقَلًا أَوْ عَلَةً أَوْ انْقَطَاعَ شُرْبٍ أَوْ بَالَةَ أَوْ إِحَالََةَ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّوْا أَنْ يُصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ» (همان، ص ۴۳۶)؛ «و باید که توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کرده است، و کار او جز اندکی راست نخواهد شد. پس اگر از زیادی مالیات (خراج)، یا رسیدن آفت آسمانی، یا قطع شدن آب، یا باران، یا خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب، یا نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود».

از عبارت فوق‌الذکر می‌توان فهمید که منظور از خراج دهندگان، «کشاورزان» هستند؛ بلکه در تعبیر شرع مراد از خراج، مالیاتی است که دولت اسلامی از زمین می‌گیرد (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ۲۶۶).

بنابراین، تهیه نیازهای غذایی مردم در درجه اول از طریق کشاورزی انجام می‌گیرد و اگر کشوری نتواند در این زمینه به خودکفایی برسد به شدت آسیب‌پذیر شده و به ناچار وابسته به دیگران خواهد شد.

اهمیت این امر را می‌توان در کلام پیامبر ﷺ جستجو کرد که فرمودند: «إِنَّ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۴۳؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷)؛ «اگر در دست یکی از شما نهالی باشد و در همان لحظه قیامت بر پا شود، اگر بتواند آن نهال را غرس کند، باید این کار را انجام دهد». بنابراین، اگر مردمی در تحصیل مواد غذایی خود به دیگری نیاز داشته باشند، هرگونه پیشرفت‌های صنعتی، ثمری به حال آنها ندارد و تحولات تکنولوژی نمی‌تواند بی‌نیازشان سازد؛ زیرا صنعت و تکنولوژی به خودی خود نمی‌تواند نان و خوراک مردم را تأمین کند و این نان و مواد غذایی است که به انسان حیات می‌بخشد.

رهبران بزرگوار اسلام برای نشان دادن اهمیت این امر حیاتی، تنها به تأکیدات لفظی اکتفا نکرده و خود، شخصاً به این کار اشتغال ورزیدند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الزَّرْعَةِ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيسَ عليه السلام فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸۴؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۶۴)؛ «از میان کارها چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که کشاورز بود، به جز ادريس که خیاط بود».

## ۲-۱. تشویق به کشاورزی

کشاورزی از این جهت که تأمین‌کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست در اولویت نخست قرار دارد و اهمیت آن به حدی است که خداوند در آیات بسیاری از قرآن انسان‌ها را به پرداختن به این امر تشویق می‌کند، نظیر: ﴿أَوْ لَمْ

يَرَوُا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعُمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾ (سجده/۲۷)؛ «آیا نمی بینند که آب را به زمین خشک و بی گیاه روانه می سازیم تا کشتزارها برویانیم و چهارپایان و خودشان از آن بخورند؟ چرا نمی بینند؟».

درست است که این آیه در صدد توییح و تنبیه کفار است که چرا با وجود این همه نشانه های آشکار باز خداوند را انکار می کنند، اما می توان این برداشت را هم از آیه داشت که خداوند از طریق این آیه انسان ها را به سمت کاری سوق می دهد که از طریق آن نه تنها نیازهای حیاتی خود بلکه نیازهای حیاتی چهارپایان خود را هم می توانند تأمین کنند و آن کار پرداختن به امر کشاورزی است.

امام باقر علیه السلام طی روایتی در زمینه تشویق به کشاورزی می فرماید: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ اسْتَغْفَرَ لَكَ وَ أَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَ الطَّيْرُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۲)؛ «بهترین اموال آن است که برزگری، بذری را بکارد و سپس از آن هر نیک و فاسدی بخورد. پس اگر نیکوکار از آن بخورد، برای تو طلب مغفرت کند و اگر فاجر و بدکار از آن استفاده برد، نفرین شود و نیز پرندگان و چهارپایان از آن می خورند». امام علیه السلام در این روایت بهترین اموال را، زراعتی دانسته که همه به نوعی از آن بهره مند می شوند.

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهره مندی موجودات از محصولات کشاورزی، صدقه ای است که برای صاحب این محصولات لحاظ می شود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۹۵۸)؛ «هیچ مسلمانی نهالی نمی کارد یا زراعت نمی کند که از آن، انسان یا پرندگان یا چهارپایان می خورند مگر این که برای او صدقه محسوب می شود».

بنابراین، در اقدام به کشاورزی صرف نظر از تأمین مایحتاج زندگی خود و دیگر موجودات و امرار معاش از طریق آن، اجر و پاداشی است که خداوند برای شخص کشاورز لحاظ می‌کند.

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طی روایتی در این زمینه می‌فرمایند: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَثْمَرَ أُعْطَاهُ اللهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰؛ بروجردی، همان، ص ۹۵۸)؛ «کسی که نهالی را بکارد و آن نهال به ثمر بنشیند، خداوند به مقداری که از آن نهال ثمره به دست می‌آید به وی اجر می‌دهد».

## ۲- دام‌پروری

### ۲-۱. اهمیت دام‌پروری

دام‌ها یکی از مواردی هستند که انسان‌ها در تأمین نیازهای غذایی خود به آن نیازمند هستند و حیات خود را بر آن قوام می‌نهند. از این رو دین مقدس اسلام توجه خاصی به رشد این ثروت و سرمایه عظیم طبیعی نموده و قرآن مجید این ثروت را به عنوان نعمتی بزرگ، که خداوند آن را به بشر موهبت نموده است، می‌خواند و توجه فکری وی را به آن جلب می‌کند و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر/۷۹)؛ «خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید».

و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾ (نحل/۶۶)؛ «و در دام‌ها برای شما عبرتی است: از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست».

بنابراین، بر انسان لازم است که خدای را در برابر این نعمت عظیم شکرگزار باشد و از آن بهترین استفاده را برده و بر آن بیشترین محافظت را داشته باشد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردم را به اهمیت دامداری و رشد این سرمایه دعوت می‌کند

تا جایی که تصریح می‌کند که دامداری شغل انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است: «وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِيَ غَنَمٍ» (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۹۷)؛ «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که چوپان گوسفند (دامدار) بود»، تا احدی از اشتغال به آن کوتاهی نکرده و آن را تحقیر ننماید و کم و کوچک نشمارد. اسلام پیش از آن که جهان سازمان حمایت حیوانات را بشناسد، دعوت کننده و اهمیت دهنده به این سرمایه است و برای حیوانات حقوقی بر صاحبانشان، و رفق و مهربانی و آزار نرسانیدن به آنها را قائل گردیده است. در این رابطه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةُ حُقُوقٍ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْدَأُ بَعْلَفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسْمُهَا فِي وَجْهِهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ «بر صاحبان چهارپاشش وظیفه است: وی را بیش از طاقتش حمل نکند و پشت او را مجلسی برای سخن گفتن قرار ندهد و در هنگام رسیدن، اول غذای وی را دهد و وی را دشنام نداده و یا نقره داغ ننماید و ضربتی بر صورتش نوازد که خدای را می‌خواند و نیز در هنگام عبور از آب وی را بر آن عرضه کند و آب به او رساند». بنابراین، آنچه گفته شد بهترین دلیل بر توجه و اهمیت شریعت مقدس اسلام به امر دام‌پروری چه از جهت اقتصادی یا جهات اخلاقی و انسانی می‌باشد.

## ۲-۲. تشویق به دام‌پروری

دومین اولویت تولیدی بعد از کشاورزی، دام‌پروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دام‌پروری مهیا می‌سازد، از این رو براساس سخنی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین فعالیت تولیدی بعد از کشاورزی، دام‌پروری است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ قَالَ الزَّرْعُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَ أَصْلَحَهُ وَ أَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الزَّرْعِ

خَيْرٌ قَالَ رَجُلٌ فِي غَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبِعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۰)؛ «از پیغمبر خدا ﷺ سؤال شد: کدام ثروت بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را به دست خود کشته و به ثمر رساند و زکات آن را پردازد، عرض شد: پس از کشاورزی کدام دارایی بهتر است؟ فرمود: گله‌داری که خود گوسفندانش را در چراگاه‌های باران‌گیر می‌چراند و نماز می‌خواند و زکات می‌دهد.»

بعد از کشاورزی، اکثر نیازهای مردم از طریق دامداری تأمین می‌شود از این رو در روایات از این امر مهم به «برکت» تعبیر شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِعَمَّتِهِ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْبَرَكَةُ فَقَالَ شَاةٌ تُحَلَبُ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُحَلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقَرَةٌ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ» (برقی، ۱۳۷۱، ص ۶۴۰)؛ «رسول خدا ﷺ به عمه خود فرمود: چه چیز تو را مانع می‌شود از این که برکتی در خانه داشته باشی؟ گفت: یا رسول‌الله برکت کدام است؟ فرمود: گوسفندی شیرده و اگر کسی در خانه‌اش گوسفند یا بز یا گاو شیرده‌ای باشد همه آنها برکتند.»

روایاتی از این قبیل در تشویق انسان‌ها به سمت دام‌پروری، فراوانند و به وضوح دلالت دارند بر این که تأمین بسیاری از نیازهای خوراکی، پوشاک، وسایل رفاهی و غیره از این طریق صورت می‌گیرد. خداوند کریم نیز در آیات بسیاری از قرآن مردم را به پرورش دام دعوت می‌کند:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل/۵)؛ «و چهارپایان را خلق کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای مأكول می‌سازید». در این آیه نخست به مسأله خلقت چهارپایان، که دلیلی بر علم و قدرت خداست، پرداخته، سپس به بیان نعمت‌های گوناگونی که در آنها وجود دارد می‌پردازد، و از میان

این نعمت‌ها به سه قسمت اشاره کرده؛ نخست مسأله «دفع» که به معنی هرگونه پوشش است می‌باشد، (با استفاده از پشم و پوست آنها) مانند: لباس و لحاف و کفش و کلاه و خیمه، و دیگر «منافع» که اشاره به شیر و مشتقات آن می‌باشد و سوم گوشت که با جمله «وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۸).

این آیه با بیان فواید موجود در چهارپایان به انسان‌ها می‌فهماند که با روی آوردن به این امر مهم می‌توانند بخش زیادی از احتیاجات خود را در زمینه خوراک و پوشاک و وسایل زندگی تأمین کنند، بدون این که محتاج و وابسته به دیگران باشند. این خودکفایی و عدم وابستگی در آیه بعد به زیبایی به تصویر کشیده شده است: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ (نحل/۶)؛ «و هنگامی که آنها را شبانگاه از چرا برمی‌گردانید یا صبحگاه به چرا بیرون می‌برید افتخار شما باشند».

منظره جالب حرکت دسته جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشتشان به سوی استراحتگاه که قرآن از آن تعبیر به «جمال» کرده تنها یک مسأله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه بیان‌گر واقعیتی است در اعماق جامعه، و گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست؛ فقیر و مستمند و وابسته به این و آن نمی‌باشد. خودش تولید می‌کند و آنچه را خود دارد مصرف می‌نماید. این در واقع جمال استغنا و خودکفایی جامعه است، جمال تولید و تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت است، و به تعبیر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۹).

### ۳. صنعت

#### ۱-۳. اهمیت صنعت

امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه، به طور مستقیم و غیر



مستقیم، به بخش صنعت وابسته است، حتی تولیدات بخش کشاورزی و دام پروری نیز از این امر مستثنی نیست؛ زیرا با توجه به رشد جمعیت، عدم استفاده از صنعت و ماشین آلات پیشرفته نه تنها با مشقت زیاد و سوددهی پایین همراه است، بلکه جواب گوی نیازهای مردم هم نیست.

تولیدات بخش صنعت هم شامل تولیداتی است که تسهیل کننده تولیدات دیگر بخش ها هستند؛ مانند آنچه که در بالا ذکر شد و هم شامل تولیداتی که در نیازهای روزمره مورد استفاده قرار می گیرند و جزء کالاهای اساسی و ضروری به حساب می آیند.

قرآن توجه به این امر را هم از نظر دور نداشته و در آیات مختلف پرداختن به آن را گوشزد می کند؛ زیرا سومین بخش تولید در رسیدن به خود کفایی اقتصادی، بخش صنعت است و یک کشور باید بتواند کالاهایی را که حیات افراد و یا قوام نظام جامعه به آن بستگی دارد تولید کند. به عنوان مثال ﴿وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾ (حدید/۲۵) و ﴿وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَّاسِيَتٍ اعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ﴾ (سبأ/۱۲-۱۳).

اسلام خواهان عقب ماندگی مسلمانان در صنعت و تکنولوژی نیست به همین جهت خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال/۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید». از مسلمانان می خواهد که به حرکت علمی و صنعتی خود ادامه داده و مهیای سبقت گرفتن از دشمنان اسلام شوند، البته به شرط آنکه در چهارچوب اخلاق و

ارزش‌های انسانی باشد.

(۱۱۴)

### ۲-۳. تولیدات اساسی بخش صنعت

#### ۱-۲-۳. وسایل دفاعی و ابزار نظامی

براساس آیه ۶۰ سوره انفال که در قسمت قبل به آن اشاره شد یکی از تولیدات اساسی بخش صنعت، ابزارهای نظامی است که هر جامعه‌ای برای حفظ اقتدار و امنیت خود به آن نیاز مبرم دارد و تولید آن در کمیت و کیفیت از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در آموزش یک فن و صنعت به پیامبرش، ساخت یک وسیله دفاعی را در نظر گرفته و آموزش آن را خود، برعهده می‌گیرد: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ... وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سبأ/۱۱-۱۲)؛ «و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم ... و آهن را برای او نرم کردیم [و به او دستور دادیم] که از آهن زره فراخ و گشاد بسازد و حلقه زره به اندازه و یک شکل گردان و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملاً به هر چه کنید بینم».

آیه دوم خطاب به حضرت داوود عَلَيْهِ السَّلَام است که برای این که بتواند از دسترنج خود استفاده کند، چگونگی ساختن زره به او تعلیم داده شده است. این آیه قرآنی به ما می‌آموزد که پیامبر خدا - که رئیس کشور دینی است - صنعت‌گری سازنده است. فایده صنعت وی تنها به خود او باز نمی‌گردد، بلکه سود اجتماعی دارد و به مردمان دیگر نیز می‌رسد، و زرهی که پیامبر صنعت‌گر می‌سازد، برای امت او فایده‌ای بزرگ دارد و آنان را از شر دشمن در جنگ محافظت می‌کند. پس جامعه زنده در حال رشد، همواره نیازمند به تقویت صنایع، و تشویق صنعت‌گران، و گشودن راه‌های اکتشافات صنعتی، و توجه کامل به استفاده از فنون جدید می‌باشد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۸۵).

بنابراین، استفاده از ابزارهای نظامی در دفاع از ارزش‌های اسلامی در برابر مخالفان خارجی و داخلی و اجرای عدالت در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است،

چنان چه خداوند در سوره حدید، پس از این که هدف خود از ارسال پیامبران را برقراری عدالت در جامعه می‌داند، از منافع آهن سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید/۲۵)؛ «ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند. و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبران‌ش را یاری می‌کند. زیرا خدا توانا و پیروزمند است».

با توجه به این آیه، پیامبران به سه وسیله مجهز بودند: دلایل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، ولی از آنجا که به هر حال در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد باز افرادی پیدا می‌شوند که سر به طغیان و گردنکشی بر می‌دارند و مانع اجرای قسط و عدل خواهند بود، لذا در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾؛ «ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافی برای مردم».

تجهیزات سه‌گانه انبیاء الهی عليه السلام برای اجرای عدالت وقتی می‌تواند به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی آهن و «بأس شدید» آن برخوردار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، صص ۳۷۳-۳۷۱).

### ۲-۲-۳. وسایل حمل و نقل

برای این که جامعه اسلامی بتواند تولیدات داخلی خود را افزایش دهد و در زمینه تولید در میان جوامع دیگر حرفی برای گفتن داشته باشد، نیاز به انتقال به موقع مواد اولیه به مراکز مختلف تولید در سراسر کشور و همچنین انتقال تولیدات خود به دست مصرف‌کنندگان چه در داخل کشور و یا خارج کشور

دارد. این انتقال در زمان‌های گذشته به وسیله چارپایانی چون شتر، گاو و... صورت می‌گرفت. این حیوانات بارهای سنگینی را که حمل آن برای انسان مشقت داشت و حمل آن جز به وسیله آنها مقدور نبود به سمت مقصد مورد نظر حمل می‌کردند: ﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (نحل/۷)؛ «و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است». با مرور زمان و پیشرفت علم انسان امروزه، توسط وسایلی همچون ماشین، هواپیما، کشتی و... صورت می‌گیرد. ﴿وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لَتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۸)؛ «و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد]، و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند». ممکن است عبارت ﴿يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ اشاره به وسائل نقلیه مدرن باشد. بنابراین، خداوند با خلقت وسایل حمل و نقل که در گذشته توسط چهار پایان و امروزه بیشتر توسط وسایل حمل و نقل پیشرفته مخلوق دست انسان، صورت می‌گیرد، مشقت حمل و نقل بارهای سنگین را از نفوس بشر برداشته و موجبات تسریع تولید کالا و خدمات را فراهم آورده است.

امروزه یکی از مهم‌ترین وسایل حمل و نقل مخلوق دست بشر، کشتی‌های غول‌پیکری هستند که کالا و خدمات را به نقاط مختلف جهان انتقال می‌دهند و خداوند در قرآن از آنها با عنوان «كَالْأَعْلَامِ» یاد کرده و فرموده است: ﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الرحمن/۲۴)؛ «و او راست کشتی‌های بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند».

«منشآت» جمع «منشأ» اسم مفعول از «انشاء» به معنی ایجاد است و جالب این که در عین تعبیر به منشآت که حکایت از مصنوع بودن کشتی به وسیله انسان می‌کند می‌فرماید «وله» (از برای خداست...) اشاره به این که مخترعان و سازندگان کشتی از خواص خداداد که در مصالح مختلفی که در کشتی‌ها به کار

می‌رود استفاده می‌کنند، همچنین از خاصیت سیال بودن آب دریاها، و نیروی وزش بادها بهره می‌گیرند، و خداست که در آن مواد، و در دریا و باد این خواص و آثار را آفریده است (مکارم شیرازی، همان، ص ۱۲۹).

با توجه به توضیحات داده شده باید گفت که امروزه بشر، برای رشد و پیشرفت در زمینه تولید نیاز به تولید وسایل حمل و نقل دارد تا به وسیله آنها علاوه بر تسریع بخشیدن در امر تولید، موجبات انتقال کالا و خدمات (و در نتیجه فرهنگ خود) را به مناطق مختلف داخلی و خارجی فراهم نماید.

### ۳-۳. نقش کار و صنعت در اقتدار اقتصادی

یکی از تأثیرهای مهم کار و تولید، خودکفایی و بی‌نیازی مسلمین از دیگران است. اهمیت و تشویق قرآن به کار و تولید نیز ریشه در این امر مهم دارد؛ زیرا خداوند بی‌نیاز است و خواستار بی‌نیازی مسلمانان در همه جوانب از جمله جنبه اقتصادی است.

در ذیل آیه ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سبأ/۱۱). از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ أَنَّكَ نِعْمَ الْعَبْدُ لَوْ لَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئاً قَالَ فَبَكَى دَاوُدُ علیه السلام أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لِنَ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدُ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعاً فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ دِرْعاً فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَ سِتِّينَ أَلْفاً وَ اسْتَعْنَى عَنْ بَيْتِ الْمَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۹۷)؛ «خدای بزرگ به داود علیه السلام وحی فرستاد که تو، اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و با دست خود کار می‌کردی، بنده خوبی بودی، پس داود علیه السلام چهل روز گریست، آن‌گاه خدا به آهن وحی (اشاره) کرد که در دست بنده من داود نرم باش. بدین‌سان خدای بزرگ آهن را برای او نرم کرد، و او هر روز یک زره می‌بافت و به هزار

درهم می فروخت. سیصد و شصت زره بافت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال بی‌نیاز شد.

براساس آیه بالا و حدیثی که در توضیح آن آمده، یکی از معیارهای انسان خوب و کامل، بی‌نیازی اقتصادی او از دیگران است و خداوند با در اختیار قرار دادن ابزار تولید و یاد دادن هنر تولید زره به پیامبرش داود عَلَيْهِ السَّلَامُ او را از نیازمندی به بیت‌المال رها کرد.

در حدیث دیگری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: «شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَحَقٌّ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْقَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَفْعَلُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۷)؛ «خرید گندم فقر را دور می‌کند و خرید آرد فقر می‌آورد و خرید نان (مایه) نابودی است. گفتیم: فدایت شوم کسی که قادر به خرید گندم نیست چه کند؟ فرمود: این برای کسی است که قادر باشد و انجام ندهد».

در این حدیث نیز بر نقش کار و تولید در رهایی از وابستگی و نیازمندی به دیگران اشاره شده است و از مجموع دو حدیث بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان‌ها باید با استفاده از امکاناتی که خداوند در اختیارشان قرار داده نهایت استفاده را کرده و با کار و تولید بیشتر زمینه خودکفایی خود و دیگران را فراهم کنند و انجام ندادن این کار در عین این که بتوانند انجام دهند وابستگی و نابودی را به همراه دارد.

#### ۴. تجارت سالم، عاملی در ترویج تولید

##### ۴-۱. اهمیت تجارت

اسلام برای تجارت و بازرگانی اهمیت زیادی قائل شده و انسان‌ها را به سوی آن دعوت می‌کند؛ زیرا تجارت علاوه بر این که از نظر اقتصادی یکی از راه‌های مهم درآمد و اداره مسائل مالی و کمبودها و مشکلات زندگی و برآورده کننده نیازهای اجتماعی می‌باشد، می‌تواند باعث حفظ شخصیت و صیانت شرف انسانی

در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تنبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد. اهمیت این موضوع را در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان مشاهده کرد که فرمود: «لَا تَدْعُوا التِّجَارَةَ فَتَهُونُوا، اَتَجِرُوا بَارَكَ اللهُ لَكُمْ» (کلینی، همان، ص ۱۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷، ص ۱۲۴؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۴، ص ۳۱۱)؛ «از تجارت و کسب کناره‌گیری نکنید که (به علت نیاز به دیگران) اهانت می‌شوید، داد و ستد کنید خداوند به شما برکت می‌دهد».

درست است که اسلام دعوت‌کننده انسان‌ها به سوی تجارت و بازرگانی است؛ اما به این شرط که از محدوده رعایت احکام و مقررات شریعت مقدس اسلام خارج نشوند و به همان اندازه که بر تجارت‌های مفید و پرسود اجتماعی اهمیت داده است، به همان اندازه نیز از کسب و تجارت‌های فاسد و مضر به منافع یک جامعه بر حذر داشته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء/۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آن که داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید؛ زیرا خدا همواره با شما مهربان است».

به همین دلیل است که اسلام از هر گونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه بر حذر داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ، ص ۳۵۵).

در اهمیت بازرگانی در اسلام همین بس که بخشی از اجتماع عظیم مسلمانان برای انجام مراسم مذهبی و سیاسی در مراسم حج، خانه خدا را برای تجارت و بازرگانی قرار می‌دهند و ملت‌های مختلف از امت بزرگ اسلامی که به آن دیار برای زیارتی عظیم رهسپار شده‌اند، می‌توانند داد و ستد را بدون احساس هیچ گونه گناه و مشکلی می‌توانند داشته باشند: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا

فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ ﴿﴾ (بقره/۱۹۸)؛ «بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] فضل پروردگارتان [روزی خویش] را بجوید».

#### ۲-۴. رابطه تجارت با تولید

تجارت در جوامع اولیه که تولیداتشان معمولاً برای مصارف شخصی و حاجت‌های ساده خود بوده و احتیاجی به مبادله کالا پدید نمی‌آمده، وجود نداشته و از آن زمانی که تقسیم کار پیدا شد و هر کس رشته تولید مخصوصی را پیشه خود نمود و در آن رشته محصولی بیش از اندازه احتیاج خود تولید کرد، تجارت شایع گردید و هر کس جنس اضافی تولیدی خود را با جنس دیگر که مورد احتیاجش بود و دیگری تولید کرده و از مصارفش زیاد آمده بود مبادله می‌نمود. به عنوان مثال، کشاورزی که گندم می‌کاشت و مقداری از معیشت خود اضافه تولید می‌نمود، آن مقدار اضافی را با پشم دیگری که به گوسفندداری پرداخته و پشم اضافی تولید کرده بود مبادله می‌کرد. در این مرحله، هر یک از دو طرف تجارت، خود تولید کننده نیز بودند.

پس از این مرحله که بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واسطه‌ای نبود، تجارت گسترش بیشتری یافت و دسته‌سومی در نقش واسطه میان آنان، ظاهر شده و مقادیر اضافی اجناس تولید شده را که به بازار عرضه می‌شد به قصد فروش به خواستاران و نه به جهت مصرف شخصی می‌خریدند.

بدین ترتیب کم‌کم امور تجاری رونق گرفت و رو به افزایش نهاد، تا آنجا که در اغلب موارد واسطه‌هایی که خود مولد نبودند، میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فاصله انداختند (تهرانی، ۱۳۵۲، ص ۲۵۲).

در تمام دوره‌ها و با همه اشکال مختلف، تجارت مسبوق به کار تولیدی است و بدون تولید امکان‌پذیر نخواهد بود. این عمل در اقتصاد تمامی جوامع، نافع و مؤثر بوده است، زیرا وسیله تأمین احتیاجات متقاضیان کالاها و سبب انتقال اجناس اضافی تولیدکنندگان - به خصوص در صورتی که واسطه، انتقال‌دهنده



کالای مصرفی از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر باشد - بوده است و به همین دلیل است که امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر، بازرگانان را در کنار صنعت گران قرار داده و آنها را منشأ منفعت معرفی می‌کند و به مدارا و نیک رفتاری با این دو گروه سفارش می‌کند و دلیل مدارا با گروه بازرگانان را انتقال کالاهای مورد نیاز مردم از مناطق دور و نزدیک، هموار یا صعب‌العبور بیان می‌کند:

«ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرْفِقِ بِبَدَنِهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جَلَابِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرْكٍ وَ بَحْرِكٍ وَ سَهْلِكِ وَ جَبَلِكِ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِسُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرُّونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سِلْمٌ لَا تُخَافُ بِأَيْقُنُهُ وَ صَلْحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَفَقَّدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ...» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸، نامه ۵۳)؛ «درباره بازرگانان و اهل صنعت سفارش نیک کن، خواه آنان که در شهرها مقیم باشند، یا آنان که میان این شهر و آن شهر با مال خود در آمد و شدند، که اینان مایه منافع و اسباب آسایش و آورنده کالاهای از جاهای دور از دریا و خشکی و کوه و دشتند، و این همه چیزها را از جاهایی می‌آورند که مردمان را نیرو و جرأت رفتن به آن گونه جاها نیست. پس آنان صلح و سلمی هستند که بیمی از حيله و مکر و بدبختی در آن نمی‌رود، و باید که به امور ایشان چه در حضور خودت و چه در اطراف کشورت رسیدگی شود...».

بنابراین، با توجه به سخنان حضرت امیر علیه السلام، بخش بازرگانی یکی از بخش‌های ضروری اقتصاد هر جامعه است و در صورت ساماندهی صحیح می‌تواند نقش حمایتی مؤثری در تقویت تولید ملی و دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان، ایفا نماید.<sup>۲</sup>

متأسفانه در حال حاضر، بسیاری از خدمات تجاری به ویژه در کشورهای جهان سوم، جنبه دلالی صرف یافته و نقش مثبت اقتصادی خود را از دست داده

است. سیطره روحیه خودخواهی بر تجارت، آن را از وضع طبیعی خود منحرف ساخته و آن را به یک فعالیت بسیار سودآور، بدون انجام یک کار مفید تبدیل نموده است (دادگر، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱). اسلام این شیوه از تجارت را محکوم نموده و براساس آن چه در کلام امام علی علیه السلام آورديم، تنها تجارتي را تجویز می کند که نوعی کار مفید اقتصادی باشد. امام علیه السلام در زمینه خطر تجارت ناصحیح می فرماید: «وَاعْلَمُ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشَحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَذَلِكَ بَابُ مَضْرَّةٍ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاُمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنَعَ مِنْهُ وَلَيْكُنَ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَاسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّ بِهٖ وَعَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (شريف رضى، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۸، نامه ۵۳)؛ «و با این وصف، بدان که در میان کاسبان و بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و احتکار می کنند، و در داد و ستد اجحاف روا می دارند. و این ها همه باعث زیان همگان است و عیب بر والیان. پس از احتکار جلوگیری کن، که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن منع فرمود. و باید که خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، و با نرخ هایی نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار. و آن کس که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده تا مایه عبرت دیگران گردد، و در کیفر دادن زیاده روی مکن».

روایات نهی از تلقی ركبان که از پیشواز کاروان های تجاری رفتن و واسطه شدن در فروش کالای روستائیان و فاصله افکندن میان آنان و خریداران شهری، منع نموده اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۳)، نیز بر از میان برداشتن هرگونه واسطه و طفیلی گری غیرانتفاعی در جریان تولید و رفع نیازمندی های اقتصادی عمومی دلالت دارند و تنها واسطه گری مفید اقتصادی را - که سبب کاهش هزینه مبادله بین خریدار و فروشنده می شود - را تجویز می کنند.

## نتیجه‌گیری

اسلام، خواهان رشد و تعالی و برتری مسلمانان در تمامی زمینه‌ها، و از جمله زمینه اقتصادی است و بدین منظور مسلمانان را به کار و تلاش در جهت رشد تولیدات داخلی - از لحاظ کمی و کیفی - و بی‌نیازی از دیگران دعوت می‌کند و راه کارهایی همچون پرداختن به کشاورزی، دام‌پروری، صنعت و تجارت را توصیه می‌کند.

در این میان کشاورزی از این جهت که تأمین‌کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست در اولویت نخست قرار دارد. دومین اولویت تولیدی بعد از کشاورزی، دام‌پروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دام‌پروری مهیا می‌سازد. و با توجه به این که امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه، به طور مستقیم و غیر مستقیم، به بخش صنعت وابسته است و حتی تولیدات بخش کشاورزی و دام‌پروری نیز از این امر مستثنی نیست، پرداختن به صنعت در اولویت سوم قرار می‌گیرد.

و تجارت چون علاوه بر این که از نظر اقتصادی یکی از راه‌های مهم درآمد و اداره مسائل مالی و کمبودها و مشکلات زندگی و برآورده کننده نیازهای اجتماعی می‌باشد، می‌تواند باعث حفظ شخصیت و صیانت شرف انسانی در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تنبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد، در اولویت آخر قرار می‌گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. امام صادق (علیه السلام): «وَأَمَّا تَفْسِيرُ الصَّنَاعَاتِ فَكُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلِّمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ... وَأَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ مِنْهَا مَنَافِعَهُمْ وَبِهَا قِوَامُهُمْ وَفِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَفِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵)؛ «اما صنعت‌ها، همه صنعت‌هایی را که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند شامل می‌شود، ... و انواع مختلف آلاتی که مردمان به آنها نیاز دارند و از آنها سود می‌برند و مایه قوام زندگی آنهاست، و وسیله‌ای برای دست یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی این‌ها و تعلیم دادن آنها، چه برای خود و چه برای

دیگران حلال است».

۲. برخی از صاحب نظران اقتصادی عملیات بازرگانی را کار تولیدی دانسته‌اند و گروهی دیگر بازرگانی را ادامه کار تولید، و کار خدماتی قلمداد کرده‌اند. آیت‌الله محمد باقر صدر در کتاب **اقتصادنا**، تجارت را به عنوان یک نوع کار تولیدی بیان کرده و دلیل خود را، این قسمت از سخن امام علی علیه السلام بیان می‌کند که امام، بازرگانان و صنعت‌گران را در کنار هم قرار داده و هر دو را منشأ منفعت معرفی نموده است. ایشان نقل و انتقال منابع تولیدی، کالا و خدمات را چه به صورت عمودی مانند؛ استخراج مواد اولیه از اعماق زمین و چه به صورت افقی مانند؛ بردن کالا به بازار فروش، کار تولیدی دانسته که در هر دو حالت، کالا تغییر شکل یافته و برای رفع نیاز انسان آماده شده است. بنابر این ایشان دو ویژگی را برای تولید ذکر می‌کند: انجام کار و ایجاد منفعت (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۳۰۷-۳۰۳). با توضیحات داده شده به نظر می‌رسد که منظور شهید صدر از تولیدی دانستن تجارت، تولید خدمات باشد نه این که ایشان تجارت را جدا از خدمات به حساب بیاورند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق (۱۴۱۳ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، **المحاسن**، قم، دارالکتب الإسلامیه.
۴. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، **جامع أحادیث الشیعه**، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، **نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)**، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش.
۶. تهرانی، علی (۱۳۵۲)، **اقتصاد اسلامی**، مشهد، چاپخانه خراسان.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۸. حکیمی، محمد رضا و محمد و علی (۱۳۸۰)، **الحیة**، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. دادگر، یدالله و نجفی، محمد باقر (۱۳۷۹)، **مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی**، کرمانشاه، انتشارات نجبا.
۱۰. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (بی‌تا)، **النوادر**، قم، دارالکتاب.
۱۱. شریف‌رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، **المجازات النبویه**، تصحیح مهدی هوشمند، قم، انتشارات دارالحدیث.
۱۲. ....، **نهج البلاغه**، تحقیق صبحی صالح، قم، انتشارات هجرت.
۱۳. صدر، محمد باقر (۱۳۵۷)، **اقتصادنا**، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر

خسرو.

۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امام علی علیه السلام.
۱۷. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، چاپ اول، قم، انتشارات اسوه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۹. محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، رسائل المحقق الكرکی، تحقیق محمد حسون، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی و دفتر نشر اسلامی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، چاپ چهارم، ترجمه حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تهران، المکتبه الإسلامیه.



## نگاهی به تأثیر فرهنگ بر پیشرفت اقتصادی\*

□ جواد ابروانی<sup>۱</sup>

### چکیده

تجربه اقتصادی موفق برخی کشورها در چند دهه اخیر، که تحت تأثیر مستقیم عناصر فرهنگی به وقوع پیوسته است، به روشنی نشان‌گر اهمیت و جایگاه فرهنگ در پیشرفت اقتصادی می‌باشد. این در حالی است که آموزه‌های فرهنگ اسلامی سرشار از عناصری است که در صورت نهادینه شدن در جامعه، نویدبخش آینده اقتصادی روشنی خواهد بود. تأثیر مثبت دینداری بر رشد و پیشرفت اقتصادی، به طور عمده به نقش انگیزشی آموزه‌های دینی و تأکید آنها بر عناصری همچون ارزش کار، ارزش علم، وجدان‌کاری، نظم و انضباط، پاداش الهی در برابر رفتارهای مثبت اقتصادی، و نیز نقش آنها در سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در کنار وضع قوانین هم‌سو بازمی‌گردد که زمینه‌ساز رشد و پیشرفت است.

با این حال، برخی از مطالب تحریف شده که در طول تاریخ به نام دین عرضه گردیده است، از عوامل عقب‌ماندگی جوامع و نیز سلب اعتماد از دین و بی‌اعتبار نمودن آن به شمار آمده است. از سوی دیگر، اسلام تمامی امکانات

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

و شرایط لازم برای تحقق رشد تولید و بهره‌برداری کامل از طبیعت را در نظر گرفته است. این امکانات و وسائل را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ابزارهای قانونی، و عناصر فکری و فرهنگی. عناصر اخلاقی در فرهنگ اسلامی نیز - به خلاف دیدگاه کج‌اندیشان و ناآگاهان - تأثیرات مثبت و مستقیمی در مسیر پیشرفت اقتصادی ایفا می‌کنند، مشروط به آن‌که تحلیل و تبیین درستی از آنها صورت گیرد و از سوی عموم مردم نیز جامعه عمل بباشد. این نوشتار ضمن تشریح موارد تأثیر فرهنگ بر پیشرفت اقتصادی، به تحلیل پاره‌ای از عناصر اخلاقی یاد شده می‌پردازد.

واژگان کلیدی: پیشرفت اقتصادی، فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی.

### طرح بحث

فرهنگ و اقتصاد از جنبه‌های گوناگون بر یکدیگر تأثیراتی متقابل دارند که واکاوای ابعاد آن به ویژه از دیدگاه آموزه‌های دینی نیازمند مجالی گسترده است. آنچه در این نوشتار اختصارگونه بررسی می‌شود، تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی بر رشد و پیشرفت اقتصادی است. مقصود از فرهنگ در این جا، فرهنگ اسلامی و عناصر اخلاقی و ارزش‌های دینی است. واژه «پیشرفت» به عنوان پیشوند اقتصاد نیز به معنی توسعه همه جانبه اقتصادی با نگاه دینی است و با توجه به مفهوم و بار معنایی خاص واژه‌های «رشد» و «توسعه» در ادبیات متعارف، از واژه «پیشرفت» استفاده شده است.

تجربه اقتصادی موفق کشورهایی همچون ژاپن و مالزی در چند دهه اخیر، که تحت تأثیر مستقیم عناصر فرهنگی به وقوع پیوسته است، به روشنی نشان‌گر اهمیت و جایگاه فرهنگ در پیشرفت اقتصادی می‌باشد. این در حالی است که آموزه‌های فرهنگ اسلامی سرشار از عناصری است که در صورت نهادینه شدن در جامعه، نویدبخش آینده اقتصادی روشنی خواهد بود.

این نوشتار به مناسبت شعار سال ۹۳: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، بخشی از عناصر فرهنگی مؤثر بر پیشرفت اقتصادی را ارائه و تحلیل می‌کند.



## تأثیر آموزه‌های دینی بر رشد و پیشرفت اقتصادی

مطالعه آموزه‌های بسیاری از ادیان به‌ویژه آموزه‌های اصیل ادیان آسمانی از یک‌سو، و بررسی‌های تاریخی جوامع از سوی دیگر، نشان‌دهنده تأثیر مثبت آموزه‌های یادشده بر رشد و پیشرفت اقتصادی است؛ برای نمونه، پروفیسور برو، (Barro) اقتصاددان برجسته دانشگاه هاروارد، می‌گوید: «مطالعه ما در مورد تأثیر عقاید و کارکردهای مذهبی روی رفتارها و متغیرهای اقتصادی، پاسخ بسیار معنی‌داری داده است. این بررسی که با استفاده از داده‌های ۶۰ کشور و در طول ۲۰ سال انجام شده، فرضیه سکولاریزاسیون را رد کرده است. فرضیه‌ای که طبق آن، بین کم‌رنگ شدن عقاید و کارکردهای دین و توسعه یافتگی (رشد سواد و ثروت) پیوند مثبتی وجود دارد. اما مطالعه مذکور عکس این نتیجه را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که بین عناصر توسعه‌یافتگی و رشد گرایش‌ها و کارکردهای دینی رابطه مثبتی وجود دارد». برو و همکارش مک کلری (Macclery) اضافه می‌کنند که ارتباط مثبت دو متغیر یادشده در دو دین کاتولیک (مسیحی) و اسلام نسبت به دیگر ادیان معنادارتر بوده است. جالب توجه است که مطالعه برو نشان می‌دهد عقاید و رفتارهای دینی نه تنها بر توسعه و پیشرفت عمومی اقتصاد که حتی بر رشد اقتصادی نیز تأثیر مثبت دارد» (نمازی و دادگر، ص ۱۳۳).

پیشرفت‌های خیره‌کننده ژاپن در شش دهه گذشته تحت تأثیر آئین شینتو، نمونه دیگری از تأثیرگذاری اندیشه و آئین بر رشد اقتصادی است (نک: فریدون تفضلی، ص ۴۷)، چنان که ماکس وبر (Weber)، بین توسعه و مذهب ارتباط عمیقی برقرار می‌داند و توسعه کشورهای غربی را با ظهور پروتستان و ایده‌های نوآورانه آن مرتبط می‌داند (متوسلی، ص ۹۷). در مورد دین اسلام نیز، رودنسون (Rodinson) در کتاب اسلام و سرمایه‌داری می‌گوید: «اسلام تمام خصوصیات پروتستان را که موجب پیشرفت شد، داراست؛ جدی گرفتن کار، ارزش تجارت، قانون مدون و... ولی مسلمانان هیچ‌گاه اسلام واقعی را به کار نبسته‌اند» (تفضلی، ص ۴۹-۵۰).

اگر بپذیریم که وقوع توسعه، در سطح اول، به ایجاد تغییرات بنیانی در ارزش‌ها منوط می‌شود، تأثیر مستقیم و مثبت آموزه‌های اسلامی بر تحقق توسعه، بیشتر نمایان می‌گردد. مطالعه این اثرگذاری، هم به لحاظ متن آموزه‌های یادشده و به لحاظ بررسی تاریخی شکل‌گیری تمدن اسلامی، شدنی است. این دو را به اختصار بررسی می‌کنیم.

تأثیر مثبت دینداری بر رشد و پیشرفت اقتصادی، به طور عمده به نقش انگیزشی آموزه‌های دینی و تأکید آنها بر عناصری همچون ارزش کار، ارزش علم، وجدان‌کاری، نظم و انضباط، پاداش الهی در برابر رفتارهای مثبت اقتصادی، (برای تفصیل بحث نک: ایروانی، صص ۶۰-۸۷) و نیز نقش آنها در سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در کنار وضع قوانین هم‌سو بازمی‌گردد که زمینه‌ساز رشد و پیشرفت است.

با این حال، برخی از مطالب تحریف شده و انحرافی که در طول تاریخ به نام دین عرضه گردیده است، از عوامل عقب‌ماندگی جوامع و نیز سلب اعتماد از دین و بی‌اعتبار نمودن آن به شمار آمده است، همانند آنچه در مسیحیت قرون وسطی روی داد. به همین جهت و با تعمیم نحوه تلقی مسیحیت قرون وسطی از زندگی به دیگر ادیان، نظریه غالب در غرب این است که به طور کلی همه مذاهب مانع توسعه‌اند! و این گونه بود که اصلاح‌گری دینی و پروتستانیزم، زمینه شکوفایی مجدد و رشد اقتصادی را فراهم آورد (نک: قدیری اصلی، صص ۳-۴). چنان که برداشت انحرافی از برخی آموزه‌های اصیل دینی (نک: متوسلی، ص ۹۷) نیز می‌تواند مانع تحقق توسعه باشد.

### علل رشد سریع و سپس افول اقتصادی مسلمانان

از پرسش‌های مهم در این باره آن است که «چرا جهان اسلام در فاصله سده‌های اول تا ششم هجری، به سرعت رشد کرد و پس از آن به افول گرایید؟». اگرچه برخی نیروهای سکولار و ضد اسلام تمایل دارند اسلام را عامل افول معرفی نمایند (برای نمونه، افرادی همچون ارنست رنان علت توسعه نیافتگی جهان اسلام

را مخالفت اسلام با پیشرفت‌های علمی و صنعتی و ستیز آن با دانش و فرهنگ می‌دانند! (نک: فروغی، ص ۱۲۸)) واقعیت‌های تاریخی و نیز آموزه‌های اسلامی نشان‌گر آن است که رشد و پیشرفت اولیه مسلمانان به سبب اجرایی ساختن نسبی دستورات اسلامی، و افول و انحطاط آنان به سبب دوری از آموزه‌های دینی بوده است. برخی صاحب‌نظران همچون هیتی (Hitti)، هاجسون (Hodgson)، بایک (Baeck) و لوئیس (Lewis) نشان داده‌اند که اسلام نقشی مثبت در توسعه جوامع مسلمان ایفا کرده است. اسلام تنها پاسخ برای این سؤال است که چرا جامعه‌ای بدوی که از صفر شروع کرده بود، توانست با این سرعت در برابر سختی‌ها و مشکلات رشد کند. خصوصیت اصلی این جامعه بدوی در آن زمان نزاع‌های خونین و خانمان برانداز، کمبود منابع، آب و هوایی سخت و طاقت‌فرسا و زمین نامناسب بود. این جامعه هیچ سرمایه‌ای از سرمایه‌های مادی را که همسایگان قدرتمندش یعنی ساسانیان و امپراطوری بیزانس داشتند، نداشت. در چنین شرایطی، اسلام تنها عاملی بود که منجر به تغییر کیفیت این جامعه بدوی شد، به گونه‌ای که بر کاستی‌های خود فائق آمد و به قدرتی بزرگ تبدیل گشت. به گفته کاهن (Cahen)، قانون‌مندی قرآن به نفع محرومان در کنار تضمین عدالت، همبستگی اجتماعی، بهزیستی همگانی، اصلاحات اخلاقی و نهادی و ارائه دولتی کارآمد و نظام حقوقی مقتدر، موجب فراهم آمدن استلزامات نهادی جهت توسعه گردید. بدین جهت اسکاتز میلر (Schatzmler) می‌گوید: «همه عواملی که اروپا را قادر به موفقیت ساخت، خیلی پیش از این‌ها در اسلام وجود داشت» (ر.ک: چپرا، صص ۲۶۸-۲۷۰). رودنسون (Rodinso) نیز، چنان‌که پیشتر اشاره شد، اسلام را واجد تمام خصوصیات معرفی می‌کند که موجب پیشرفت است، ولی مسلمانان هیچ‌گاه اسلام واقعی را به کار نبسته‌اند. این جمله اخیر به درستی بیان‌گر عامل اصلی انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در سده‌های اخیر است. برخی محققان نمود بارز دوری از آموزه‌های اسلامی در این جوامع را در ضمن عواملی برشمرده‌اند. از آن جمله است: فساد اخلاقی و سیاسی، فقدان پویایی پس از پیوند تحجر و تعصب، کاهش فعالیت‌های عقلانی و علمی،

شورش و تفرقه‌های درونی به همراه تهاجمات و جنگ‌افروزی‌های مستمر، عدم توازن مالی، رکود کشاورزی، صنعت و تجارت در نتیجه سستی و کم‌کاری و عواملی دیگر (نک: همان، صص ۲۶۴-۳۵۴).

ویل دورانت نیز سبب انحطاط تمدن اسلامی را به دو عامل بیرونی (حمله مغول) و درونی (رفاه زدگی افراطی مسلمانان) تقسیم می‌کند: «هیچ یک از تمدن‌های تاریخ چون تمدن اسلام دچار چنین ویرانی ناگهانی نشده است... وقتی موج خونین مغول بازپس رفت، آنچه برجای ماند، عبارت بود از اقتصادی به شدت آشفته، قنات‌هایی ویران یا کور، مدرسه‌ها و کتابخانه‌هایی سوخته، دولت‌هایی فقیر و ضعیف... و نفوسی که به نیم تقلیل یافته و روحیه باخته بودند. اما پیش از حمله خارجی، لذت طلبی اپیکوری، خستگی جسمی و روحی، بزدلی و بی‌لیاقتی جنگی، فرقه‌گرایی و... ده‌ها شهر آباد... را به فقر و بیماری و عقب ماندگی کنونی دچار ساخت» (دورانت، ج ۴، صص ۴۳۱-۴۳۳ و نیز نک: مطهری، ص ۱۸).

بدین جهت، رنسانسی که جهان اسلام نیازمند آن است، نوعی بازگشت به خود و فرهنگ و آموزه‌های اصیل اسلامی و نوسازی در پرتو آن است و نه گونه‌ای از اصلاحات که با خود لذت‌گرایی، آسان‌گیری و هرج و مرج معرفی و فرهنگی را به دنبال آورد. قرآن کریم آشکارا، تعیین سرنوشت هر ملتی را به دست خود آنان دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱)؛ «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».

اکنون این پرسش درخور توجه است که «آیا نگاه آموزه‌های اسلامی به دنیا، ثروت و سرمایه و فقر، و نهادینه شدن آن در فرهنگ عمومی مسلمانان، خود زمینه‌ساز رکود و عقب‌ماندگی نبوده است؟». در ادامه به تحلیل بیشتر این نکته می‌پردازیم.

## دیدگاه اسلام درباره دنیا، فقر و ثروت

درباره دیدگاه اسلام در خصوص رشد و توسعه اقتصادی و به طور کلی ثروت و فقر چند پرسش مطرح است. یکی از آنها چگونگی نگاه ارزشی اسلام به فقر و تکاثر است؛ بدین معنا که «آیا در نظام ارزش گذاری اسلام فقر دارای ارزش است، و ثروت، پدیده‌ای ضد ارزش؟». هرچند این مسأله، در خور بحثی مفصل است، به کوتاهی به آن می‌پردازیم.

در آموزه‌های دینی نه تنها فقر عنصری ارزش‌مند دانسته نشده، بلکه معضلی بزرگ و پدیده‌ای ناگوار تلقی گردیده است که باید از جامعه اسلامی ریشه کن گردد. ادله این مدعا را در زیر به صورت گذرا یاد می‌کنیم:

در متون دینی برای فقر، پیامدهای نامطلوب بی‌شماری در عرصه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی مطرح شده است که می‌تواند سقوط و نابودی فرد و جامعه را به دنبال داشته باشد (برای نمونه نک: کلینی، ج ۲، ص ۳۰۷، ج ۳، ص ۵۵۶، ج ۵، ص ۹۵؛ مجلسی، ج ۶۹، ص ۴۷). از این روی، با ارائه شیوه‌های گوناگون به ویژه با مالیات‌های اسلامی و انفاق‌های واجب و مستحب، در ریشه کنی آن از جامعه تلاش شده است.

در روایاتی فقر، کیفر و عقوبت برخی گناهان همچون زنا (برای روایت نک: کلینی، ج ۵، ص ۵۴۱). و خیانت (نک: همان، ج ۵، ص ۱۳۳) و پیامد رفتاری نبود وجدان کاری، تبلی و ناتوانی (نک: همان، ج ۵، ص ۸۶) دانسته شده است.

در اسلام برای زدودن فقر از جامعه انجام برخی اعمال دینی (همان، ج ۴، ص ۲؛ ج ۶، صص ۱۹ و ۲۹۰)، دعا (همان، ج ۲، ص ۵۵۱) و استغفار (نک: هود/۳ و ۵۲؛ نوح/۱۰-۱۲) سفارش شده است. حتی معصومان علیهم‌السلام از شر فقر به خدا پناه برده‌اند (نک: کلینی، ج ۵، ص ۱۶۷). از این روی، چگونه می‌توان فقر را عنصری ارزش‌مند دانست؟

با وجود این، روایاتی، به ظاهر، فقر را ستوده یا از دنیاجویی انتقاد کرده‌اند، که بررسی دلالتی و سندی آنها ناسازگاری ظاهری این روایات با روایات پیشین را برطرف می‌سازد، چرا که:

گاه فقر ممدوح، معنای دیگری غیر از فقر مادی دارد (نک: راغب اصفهانی، صص ۶۴۱-۶۴۲)، چنان که در حدیث منسوب به پیامبر ﷺ: «الْفَقْرُ فَخْرِي» گفته‌اند: مراد «فقر الی الله» است (مجلسی، ج ۶۹، صص ۳۰-۳۲؛ نیز نک: کلینی، ج ۸، ص ۲۲۲). در صورت صحت روایت، که به آن خواهیم پرداخت، این وجه معنایی، مناسب به نظر می‌رسد؛ چه خداوند بر پیامبر ﷺ منت نهاده و فقر را از او دور ساخته است: ﴿وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ (ضحیٰ/۸)؛ «و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود». از سوی دیگر، سرزنش و حسرت را نتیجه ناداری و تهیدستی شمرده است (نک: اسراء/۲۹). بنابراین، چگونه فقر مادی می‌تواند افتخاری برای حضرت باشد (نک: شاکر، صص ۱۹۱-۱۹۶)؟

این‌گونه روایات - اگر هم مفهوم فقر مادی را برسانند - برای تبیین نکات تربیتی و نفی ارزش‌های جاهلی یادشده و در واقع، مبارزه‌ای با فرهنگ تکاثری دانسته شده است که ثروت را معیار ارزش و مایهٔ تفاخر و مباهات می‌پندارد (نک: حدید/۲۰)، پیامبران را به دلیل ثروتمند نبودن ریشخند می‌کند (نک: هود/۲۷؛ زخرف/۵۱-۵۳) و پیروان محروم و فقیر آنان را خوار می‌شمارد (نک: حکیمی، ج ۴، صص ۴۳۸-۴۴۲). بنابراین، پیام این‌گونه روایات نه تأیید فقر، که نفی ارزش دانستن مال و ثروت است.

زهد، ساده‌زیستی و پرهیز اولیای الهی از تجملات مادی به اختیار و انتخاب آنان بوده است و ناشی از شناخت ژرف آنان به حقیقت دنیاست تا بدین‌سان رهبری معنوی جامعه را انجام دهند و برای توده‌های محروم اسوه باشند. چنین زهدی، فقری نیست که ناشی از سیاست‌های ظالمانهٔ نظام تکاثری باشد و بنیان‌های اعتقادی مردم را متزلزل سازد. بدیهی است فقر اختیاری برای نیل به اهدافی والا همچون علم و مجاهدت در راه خدا، فضیلت است.

در واقع بسیاری از روایات یاد شده بیان‌گر تمجید و ستایش «فقیران صابر» است نه فقر و ناداری. برای نمونه: پیامبر ﷺ فرمود: «طوبی للمساکین بالصبر...»: خوشا به حال تهیدستان به خاطر صبر[شان] (نک: کلینی، ج ۲، ص ۲۶۳ و نیز نک: مجلسی، ج ۶۹، صص ۳۵-۳۹). این‌گونه است که محدث فرزانه، کلینی، بابی را با

عنوان «فضل فقراء المسلمین» گشوده است و فضیلت را از آن کسانی شمرد که در عین فقر، باورهای اسلامی خویش را پاس می‌دارند (نک: کلینی، ج ۲، ص ۲۶۰). در آیات قرآن نیز، از فضیلت‌های معنوی فقیران، همچون عفت نفس و تحمل مشکلات مهاجرت در راه خدا تمجید شده است نه از خود فقر (نک: بقره/۲۷۳؛ حشر/۸).

سند برخی روایات که فقر را ستوده‌اند، تردید برانگیز است؛ مثلاً روایت مشهور «الْفَقْرُ فَخْرٌ» در کتاب‌های معتبر روایی نیامده و علامه مجلسی آن را بدون سند (مرسل) گزارش کرده است (نک: مجلسی، ج ۶۹، ص ۳۰) و برخی از حدیث پژوهان، آشکارا آن را رد نموده‌اند (نک: عجلونی، ج ۲، ص ۸۷).

از این روی، به فرض تعارض حدیث یادشده با روایات نکوهش فقر و ستایش غنا، ترجیح با روایات دسته دوم است؛ گو این که جمع دلالتی این گونه روایات چنان که برخی از وجوه آن بیان شد، کاملاً ممکن می‌باشد.

در برابر روایاتی وجود دارد که به صراحت بر مطلوبیت تلاش برای رفاه مادی و تولید ثروت دلالت دارند. از جمله: رسول خدا ﷺ فرمود: «استغناى مادی، یاور خوبی در تقوا پیشه کردن است» (کلینی؛ ج ۵، ص ۷۱) امام باقر علیه السلام فرمود: «به یقین برای آخرت جویی دنیا یاور خوبی است» (همان، ج ۵، ص ۷۲). امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که دوست ندارد از ثروت حلال مالی گرد آورد تا با آن آبرویش را محفوظ دارد، بدهی‌اش را ادا نماید و از آن به خویشاوندانش بدهد، خیری در او نیست» (صدوق، ج ۳، ص ۱۶۶). شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: به خدا سوگند ما طالب دنیایم و دوست داریم به آن برسیم. امام علیه السلام فرمود: می‌خواهی با آن چه کنی؟ گفت: می‌خواهم خود و خانواده‌ام در رفاه باشیم، صلّه رحم، احسان و حج عمره به جای آورم. امام علیه السلام فرمود: این‌ها که گفتی، دنیاطلبی نیست، بلکه آخرت طلبی است» (کلینی، ج ۵، ص ۷۲). در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «کسی که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا رها سازد، از ما نیست» (صدوق، ج ۳، ص ۱۵۶).

آنچه در بخشی از آموزه‌ها نکوهش شده، دوست داشتن دنیاست نه تلاش

برای رسیدن به آن. از آیات قرآن برمی آید که دوست داشتن دنیا نیز در صورتی نامطلوب است که در مقایسه با مسائل معنوی، فزونی یابد و آدمی را شیفته و وابسته خود گرداند؛ برای نمونه در آیه ۲۴ سوره توبه، به کسانی که ثروت، تجارت و مسکن نزد آنان محبوب‌تر از خدا و رسول و جهاد در راه او است، سخت هشدار داده شده است. نیز در آیه ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات/۸)؛ «و راستی او سخت شیفته مال است»، از این که آدمی به شدت مال را دوست می‌دارد، انتقاد شده و در آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۶۵)؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند»، محبت فزون‌تر مؤمنان نسبت به خدا توصیف شده است. از سوی دیگر، قرآن کریم، ارزش والای ایشار مالی و انفاق را در صورتی می‌داند که آدمی از آنچه دوست دارد، صرف نظر نماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ (آل عمران/۹۲)؛ «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

نیک روشن است که علاقه شدید و افراطی به مال و ثروت، او را به فعالیت‌های ناسالم و نامشروع اقتصادی برای رسیدن به آن وادار می‌سازد و به ورطه رذیلت‌هایی همچون بخل و ناسپاسی می‌افکند و جایی برای معنویت و ارزش‌ها باقی نمی‌گذارد. اما اصل مال و ثروت که قرآن از آن به «خیر» تعبیر فرموده است (نک: بقره/۱۸۰)، نکوهیده نیست و علاقه‌مندی به آن به طور طبیعی مذمت نشده است، چنان که مقصود از دنیای نکوهش شده نیز نه طبیعت یا امکانات مادی، که به طور غالب، هوس‌های سیری ناپذیر و زیان‌بار است.

نکته قابل توجه دیگر آن است که ثروت و افزون طلبی یکی از هدف‌های مهم است، نه هدف غایی، بلکه هدف وسیله‌ای؛ بدین معنا که ثروت مقصود غایی مسلمان نیست، بلکه وسیله‌ای است که با آن باید فضایل انسانی را پرورش داد. در این صورت است که به تعبیر روایات پیش گفته، رشد ثروت کمک خوبی برای تأمین آخرت خواهد بود. ولی اگر تولید و افزایش ثروت، هدف نهایی و اصلی فعالیت‌های بشری باشد، سرمنشأ تمام خطاهایی است که موجب دوری انسان از خدا می‌گردد. از دیدگاه اسلام هر مسلمانی باید در راه کسب



ثروت بکوشد (نک: حر عاملی، ج ۱۲، صص ۱۶ و ۱۹) ولی نه به گونه‌ای که مغلوب و محکوم آن شود، بلکه باید خود بر آن مسلط گردد و با چنین سلطه‌ای شخصیت خود را رشد دهد و هدف‌های بزرگ‌تری را تعقیب نماید.

﴿۱۳۷﴾

بر این اساس، هر شیوه تولید ثروت و افزایش سرمایه‌ای که موجب دوری انسان از خداوند گردد و گرایش صحیح روحی او را منحرف کند و به رسالت بزرگی که در اقامه عدالت جهانی به عهده‌اش است، خلل رساند و دنیاپرستی را ترویج نماید، محکوم است. ولی آنچه رابطه‌اش را با خدا محکم سازد و رفاه عمومی را تأمین و شرایط تکامل و رشد را برای نوع بشر مهیا گرداند و زمینه‌های اجرای عدالت، برادری و فضیلت را به وجود آورد، در مسیر هدف نهایی است و اسلام مسلمانان را برای رسیدن به آن تشویق می‌کند (نک: صدر، صص ۶۳۷-۶۳۸).

### ابزارها و عوامل رشد تولید در فرهنگ اسلامی

اسلام تمامی امکانات و شرایط لازم برای تحقق رشد تولید و بهره‌برداری کامل از طبیعت را در نظر گرفته است. این امکانات و وسائل را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

### ابزار قانونی

در اسلام، مقررات هماهنگ و متعددی وضع شده است که زمینه رشد و تولید را فراهم می‌سازد. پاره‌ای از این موارد، رابطه مستقیمی با فرهنگ داشته تأثیر عناصر فرهنگی بر پیشرفت اقتصادی را نشان می‌دهد. از جمله:

۱. اسلام فعالیت‌هایی مانند قمار، رشوه و سحر را که از نظر تولیدی عقیم‌اند، تحریم کرده است (نک: انصاری، ج ۲، ص ۲۹؛ ج ۴، ص ۹۱؛ نجفی، ج ۲۲، صص ۲۵، ۷۵، ۹۴ و ۱۱۰) و اجازه نمی‌دهد از چنین شیوه‌هایی برای کسب درآمد استفاده شود. قانون کلی قرآن در این باره، تحریم اکل مال به باطل است: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء/۲۹)؛ «اموال خود را بین خود

به باطل مخورید». روشن است که این گونه شیوه‌ها برای کسب درآمد آثار نامطلوبی بر حرکت تولیدی جامعه دارد.

۲. منع فعالیت‌ها و هزینه‌های زائد و سبک‌سرانه، زمینه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی را فراهم می‌آورد. در اسلام از کارهایی که شخصیت و تحرک واقعی انسان را زائل نماید (نک: حر عاملی، ج ۱۲، ۲۳۲-۲۳۷). و به دیگر سخن، آدمی را از میدان تولید و کار مفید دور نگه دارد و فرصت‌هایش را تلف نماید، منع شده است. این گونه دستورات نیز به مدیریت زمان و تقویت نیروی انسانی کمک می‌کند.

۳. واسطه‌گری‌های غیر ضروری در تجارت و معاملات که به زیان تولیدکننده و مصرف‌کننده است، تحریم شده است (کلینی، ج ۵، ۱۶۸؛ ابن ادریس، ج ۲، ص ۲۳۷).

۴. اسلام اصول قانونی «تأمین اجتماعی» (لزوم تأمین هزینه‌های نیازمندان) را وضع کرده است. این موضوع در قلمرو بخش خصوصی اهمیت بسیار دارد؛ زیرا اعتمادی که انسان از این رهگذر، حتی در صورت عدم موفقیت در فعالیت‌های اقتصادی کسب می‌کند، انگیزه روحی مهمی است که جرأت اقدام به کار و عنصر ابتکار و اختراع را در شخص پرورش می‌دهد.

۵. از دیدگاه اسلام «تأمین اجتماعی» (همچون زکات، خمس و صدقه) شامل کسانی که قدرت کار و فعالیت اقتصادی را دارند، ولی از آن شانه خالی می‌کنند، نمی‌شود و افراد بیکاره اجازه بهره‌مندی از دست‌رنج جامعه را ندارند (نک: حر عاملی، ج ۶، صص ۱۵۹-۳۰۵). با سیاست نفی تکدی‌گری و زمینه‌های آن، از فرار و اتلاف نیروی انسانی جلوگیری می‌شود و از نیروهای تولیدی، حداکثر استفاده خواهد شد.

۶. اسلام اسراف و تبذیر را تحریم نموده است (نک: اعراف/۳۱؛ اسراء/۲۶-۲۷) تا به جای آن که سرمایه‌ها در راه‌های تجملی و غیر ضروری به کار افتد، در جریان تولید مفید قرار گیرد.

۷. در راستای ممنوعیت هدر دادن منابع، به استفاده درست از امکانات تأکید

فراوان شده است؛ چه منابع طبیعی و مواد اولیه تولید محدود است و نیازها و خواسته‌های بشر نامحدود. بسیاری از منابع طبیعی دست کم در کوتاه‌مدت، تجدیدناپذیرند. از سوی دیگر، معضل بیکاری، گریبان‌گیر بسیاری از کشورهای جهان گردیده و به صورت مشکلی جهانی درآمده است (نک: قره‌باغیان، صص ۴۵-۴۶). بی‌تردید بهره‌گیری از حداقل امکانات جامعه در تولید و اشتغال‌زایی می‌تواند گامی مؤثر در راه مقابله با این مشکلات باشد. در آموزه‌های دینی راه کارهای مؤثری در این باره ارائه شده است و بر ضرورت بهره‌گیری از حداقل امکانات تولیدی و منابع طبیعی تأکید شده است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «من وجد ماءً و تراباً ثم افتقر فأبعده الله» (حر عاملی، ج ۱۲، ص ۲۴)؛ از رحمت خدا به دور باد هر آن کس که آب و خاکی بیابد ولی فقیر بماند.

آب و خاک مصداق بارز منابع طبیعی و نماد امکانات تولید است که بر بهره‌گیری از حداقل آن برای ایجاد اشتغال و فقرزدایی تأکید شده است. از سوی دیگر، بر اساس آموزه‌های دینی نباید به فعالیت اقتصادی به دلیل درآمد کم آن در آغاز کار بی‌توجهی شود. بیشتر مشاغل و فعالیت‌های تولیدی تا رسیدن به مرحله سوددهی و برخورداری از توجیه اقتصادی، نیازمند پشتکار، تحمل، و سرمایه‌گذاری و هزینه‌بری است. دلسردی در کار، مانع سامان یافتن و به نتیجه رسیدن آن خواهد بود. از این روی، بر استفاده از فرصت‌ها برای رسیدن به پیشرفت مطلوب تأکید می‌شود؛ برای نمونه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من طلب قليل الرزق كان ذلك داعيه إلى اجتلاب كثير من الرزق» (کلینی، ج ۵، ص ۳۱۱)؛ هر که در پی درآمد اندک برآید، سبب دست‌یابی به درآمد فراوان را فراهم ساخته است.

این‌گونه آموزه‌ها تأکیدی است بر استفاده درست از امکانات تولیدی و نیروی کار در جامعه که توجه به آن و برنامه‌ریزی بر اساس آن نقش مؤثری در رشد تولید و کاهش هزینه تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی خواهد داشت.

۸. از راکد‌گذاردن مال نهی شده است. قرآن کریم با تحریم کنز، گنج‌کنندگان

مال را سخت تهدید کرده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾ (توبه/۳۴-۳۵)؛ «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده؛ روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آن داغ کنند [و گویند: ] این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تحلیلی جامع و دقیق از این آیات می گوید: «مفهوم کنز بیان گر نگهداری، ذخیره و منع جریان مال در معاملات است... و مفهوم سبیل الله نماینده هر چیزی است که بر پایی دین خدا و جلوگیری از فروپاشی بنیان های آن همچون جهاد، مصالح واجب دین و امور جامعه اسلامی به آن بستگی دارد... پس هر کس مال را به خود اختصاص دهد «كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»، به خدا و پیامبرش [در امانتی که به او سپرده شده] خیانت کرده است... و اگر ثروت خود را - هر چند زیاد - در چرخه سرمایه گذاری های تولیدی و تجاری قرار دهد و به دیگران خدمت کند، هیچ گونه منعی ندارد... بنابراین، این آیه اختصاص به نکوهش نپرداختن زکات ندارد، بلکه جلوگیری از گردش اموال در تأمین همه ضروریات جامعه دینی را شامل می شود...» (نک: طباطبایی، ج ۹، صص ۲۵۸-۲۶۰ و صص ۲۶۹-۲۷۴).

در روایات نیز با اشاره به زیان های اقتصادی راکد گذاردن ثروت بر لزوم سرمایه گذاری آن در فعالیت های اقتصادی سود آور تأکید می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مرد پس از [مرگ] خود، چیزی سخت تر از مال راکد بر جای نمی نهد. [راوی] گوید: گفتم: آن را چه کند؟ فرمود: در [خرید] مزرعه و بوستان و خانه قرار دهد» (صدوق، ج ۳، ص ۱۷۰؛ نیز نک: کلینی، ج ۵، ص ۹۱). روشن است که ذکر «مزرعه و باغ و خانه» برای مثال است و مراد، سرمایه گذاری

در امور تولیدی و سودآور می‌باشد.

## ۲. ابزار فکری و فرهنگی

در عرصه فکری، اسلام انسان را به کار و تولید تشویق نموده و برای آن ارزش فراوانی در نظر گرفته است، آن‌سان که کرامت بشری و مقام انسان را نزد خدا به آن مرتبط می‌داند. نیز عناصر ارزشی چندی را در تحقق رشد اقتصادی مؤثر شمرده است. اکنون به اختصار به بررسی این دو مورد می‌پردازیم.

### الف - ارزش کار، تولید و پیشرفت اقتصادی در اسلام

برای بسیاری از نژادهای بشری گذشته تاریخ، کار، امری سخت و سخیف به شمار می‌رفته است. در فرهنگ‌های عبری، رم و یونان باستان، کار نفرین و لعنت الهی بوده که به سبب عصیان آدم در بهشت، متحمل آن شده است و ویژه برده‌ها و انسان‌های پست است. در طول دوران سده‌های میانه (قرون وسطی) تحت تأثیر دین مسیح، هرچند کار، تنبیه خدا به سبب گناه نخستین محسوب می‌شد، این تلقی منفی با تلقی مثبتی همراه بود؛ تلقی مثبتی که کار را برای کسب ثروت و متکی نبودن به دیگران، مثبت و اخلاقی می‌شمرد. به هر حال تا اواخر این دوران، هنوز کار ارزش ذاتی نداشت.

از نگاه یهودیان نیز کار تنها فعالیتی ضروری برای جلوگیری از فقر به شمار می‌رفت. چنین می‌نماید که در ایران باستان و اثر گرفته از آموزه‌های زرتشت کار ارزش مثبتی یافته است.

با ظهور کلیسای پروتستان، کار مظهر اراده الهی به شمار رفت و همگان، حتی ثروتمندان، به آن ترغیب شدند. بدین سان پس از قرن‌ها، کار ارزش ذاتی یافت و حتی وسیله‌ای برای تعیین جایگاه فرد در سلسله مراتب اجتماعی به شمار رفت و این اندیشه مبنای پیدایش دوران شکوفایی اقتصادی سرمایه‌داری شد (نک: معیدفر، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، صص ۱۹-۲۰ و صص ۷۵-۷۶؛ همو، فرهنگ کار، صص ۱۲-۲۳).

در معارف اسلامی کار و تولید، هم ارزش ذاتی و معنوی دارد و نوعی عبادت به شمار می‌رود، و هم ارزش مادی. قرآن کریم در آیات فراوان با یادآوری این که خداوند منابع و امکانات جهان را برای انسان‌ها آفریده و آن را رام ایشان ساخته است، با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آدمی را به آباد کردن زمین و برطرف ساختن نیازهای معیشتی خود تشویق فرموده و به گونه‌های مختلف، اهمیت آن را نمایان ساخته است. برخی از این آیات آدمی را به کسب روزی با فعالیت‌های تولیدی، تشویق می‌کند؛ برای نمونه: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (اسراء/۱۲)؛ «و شب و روز را دو نشانه [توحید و عظمت خود] قرار دادیم، پس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا [در آن] فضلی از پروردگارتان بجوید».

مصدق بارز «ابتغاء فضل» در این گونه آیات، به قرینه صدر و ذیل و سیاق آن، همان فعالیت‌های تولیدی است. از سوی دیگر، تصرف انسان در آسمان و زمین، و بهره‌مندی از نعمت‌های آن، به طور غالب، بدون تولید ابزارهای لازم، وسایل مدرن و فناوری‌های نوین شدنی نیست. بنابراین تشویق به تولید، ترغیب به فراهم سازی زمینه و ابزار تولید نیز خواهد بود.

برخی آیات دیگر، آباد ساختن زمین را بر دوش انسان نهاده است: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود/۶۱)؛ «اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت». «اعمار و استعمار زمین»، در لغت، به معنای واگذاری آن برای عمران و آبادی است (نک: راغب اصفهانی، ص ۵۸۶؛ نیز نک: طوسی، ج ۶، ص ۱۶؛ طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹۸؛ مکارم شیرازی و دیگران، ج ۹، ص ۱۵۰). بنابراین، زمین به صورت آباد و با نعمت‌های آماده برای انسان آفریده نشده است، بلکه این انسان است که باید با کار و تلاش و بهره‌گیری از امکانات تولید، زمین را آباد نماید و نیازمندی‌هایش را برطرف سازد. امام علی علیه السلام فرمود: «فاهبطه بعد التوبه ليعمر ارضه بنسله» (نهج البلاغه،

خطبه ۹۱)؛ خداوند آدم را پس از توبه به زمین فرود آورد تا زمین را با نسل او آباد کند. روایاتی نیز که دیدگاه اسلام را درباره کار و تولید روشن داشته است، از تنوع و گستردگی ویژه‌ای برخوردار است؛ کار در ردیف جهاد در راه خدا (نک: کلینی، ج ۵، ص ۷۸)، و از بالاترین عبادات (همان) به شمار رفته است.

روشن است که فعالیت‌های تولیدی و درآمد آن از بارزترین مصادیق این روایات می‌باشد. از روایات دیگر حتی می‌توان نتیجه گرفت که کار نه تنها با هدف کسب سود و درآمد، که خود دارای ارزش است. از این روی، امامان معصوم علیهم‌السلام گاه در عین بی‌نیازی مادی یا با وجود خدمتکاران و کارگران خود به کار و تلاش اشتغال می‌ورزیدند، چنان‌که در حدیث آمده است: امیر مؤمنان علیه‌السلام گاه در آفتاب گرم نیمروز در پی انجام کاری می‌رفت که نیازی به درآمد آن نداشت، و تنها هدفش این بود که خداوند او را در حالی ببیند که خویش را در طلب حلال به زحمت می‌اندازد (صدوق، ج ۳، ص ۱۶۳).

نیز امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: همانا من در برخی زمین‌های خود به اندازه‌ای کار می‌کنم که عرق [از سر و صورت من] جاری می‌شود، با این که افرادی هستند که [آن کار را به عهده گیرند] و مرا کفایت کنند، [ولی خود کار می‌کنم] تا خداوند متعال بداند که من در جستجوی روزی حلالم (کلینی، ج ۵، ص ۷۷؛ نیز نک: همان، صص ۷۴ و ۷۶؛ صدوق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ مجلسی، ج ۴۷، صص ۵۶-۵۷).

### ب - ارزش‌های اخلاقی و تأثیر آن بر پیشرفت اقتصادی

عناصر اخلاقی در فرهنگ اسلامی - به خلاف دیدگاه کج‌اندیشان و ناآگاهان - تأثیرات مثبت و مستقیمی در مسیر پیشرفت اقتصادی ایفا می‌کنند، مشروط بر آن که تحلیل و تبیین درستی از آنها صورت گیرد و از سوی عموم مردم نیز جامعه عمل بپوشد. برای نمونه، به تحلیل چند مورد می‌پردازیم.

### شکر و شکرگزاری

در میان مبانی ارزشی رشد اقتصادی، «شکر و شکرگزاری» جایگاه ویژه‌ای دارد.

در متون دینی هرگونه فزونی نعمت و استمرار آن، رهین شکر و شکرگزاری است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷)؛ «و آن‌گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود».

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما كان الله ليفتح على عبد باب الشكر و يغلق عنه باب الزیادی» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۷)؛ این‌گونه نیست که خداوند در شکر و سپاس را بر بنده بگشاید و در فزونی [نعمت] را بر وی ببندد.

شکر دارای سه مرحله است: مرحله اول، شکر قلبی یعنی تصور نعمت و توجه به منعم؛ مرحله دوم، شکر زبانی یعنی ستایش منعم؛ مرحله سوم، شکر عملی یعنی قدردانی و پاسخ‌گویی در برابر نعمت (راغب اصفهانی، ص ۴۶۱). تعبیر قرآن در سوره سبأ: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾ (سبأ/۱۳)؛ «ای خاندان داوود! شکر [الهی] را به جای آورید» نشان می‌دهد که در کاربرد قرآن شکر بیشتر از مقوله عمل است. از این روی، از دیدگاه قرآن شکر گزاران راستین اندکند.

بدین‌سان حقیقت شکر آن است که نعمت‌ها در راهی به کار رود که برای آن آفریده شده است و بر پایه روایات کمترین مرتبه شکر دانستن نعمت از خدا و مصرف نکردن آن در نافرمانی او است (نک: کلینی، ج ۲، ص ۹۵؛ مجلسی، ج ۶۸، ص ۵۲).

از متون دینی به روشنی برمی‌آید که میان شکر و پیشرفت مادی و اقتصادی پیوندی استوار وجود دارد. با توجه به مفهوم حقیقی شکر فهم این ارتباط چندان دشوار نیست؛ چه شکر عملی در اقتصاد، یعنی استفاده درست از تمام امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌ها برای رشد و سعادت مادی و معنوی جامعه و پرهیز از هدر دادن منابع و عوامل تولید که خود تأثیری مستقیم بر پیشرفت اقتصادی دارد. با این حال، وجود ارتباطی غیبی و بیرون از دریافت بشر میان شکر و فزونی نعمت به روشنی از آموزه‌های دینی اثبات می‌شود؛ چرا که از یک‌سو، مراحل



سه گانه شکر، به ایمان و تقوا بازمی‌گردد (نک: طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۱) و از سوی دیگر، پاره‌ای روایات تصریح دارند که حتی شکر قلبی نیز پیش از آن که بر زبان جاری شود و به آن عمل گردد در فزونی نعمت نقش دارد، چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «ما أنعم الله علی عبد نعمی فشکرها بقلبه إلا استوجب المزيد فیها قبل أن یظهر شکرها علی لسانه» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۵۳)؛ خداوند نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی نداشت که سپاس آن را در دل به جای آورد، جز آن که پیش از شکر زبانی آن شایستگی فزونی در آن نعمت را یافت.

### زهد و قناعت

در نگاهی سطحی عناصری مانند زهد و قناعت از عوامل رکود اقتصادی به شمار می‌رود؛ چرا که گرایش به افزایش سود مادی از بایستگی‌ها و مقدمات رشد اقتصادی است، در حالی که زهد و قناعت به رویگردانی از سود و ثروت و رضایت به کم‌ترین امکانات دعوت می‌کند. برخی از نویسندگان به اشتباه، عناصری همچون قناعت، زهد، شاکر بودن بر رزق مقسوم، نکوهش دنیا و پرهیز از آرزوهای دراز را ناسازگار با توسعه قلمداد کرده‌اند (نک: متوسلی، ص ۹۷). نیک روشن است که این عناصر، مفاهیم والا و عمیقی دارند که تحلیل صحیح آنها سوء برداشت‌های این‌چنینی را مرتفع می‌سازد.

با وجود این، در آموزه‌های اسلامی زهد و عناصر مرتبط با آن در شمار عوامل رشد اقتصادی به شمار می‌آید. اثبات این مهم نیازمند آن است که از نگاه اسلام مفاهیم صحیح این عناصر شناسایی گردد و از نتیجه‌گیری‌های نادرست که ریشه در برداشت‌های نادرست دارد، جلوگیری شود.

### مفهوم و کارکرد زهد

«زهد» در اصل به معنای «قَلت» در هر چیز است و از آنجا که به چیزهای کم و ناچیز رغبتی نمی‌شود، به معنای «بی‌رغبتی» نیز آمده است (نک: ابن فارس، ج ۳،

ص ۳۰؛ راغب اصفهانی، ص ۳۸۴). در علم اخلاق تعریف‌های گوناگونی برای زهد شده است. دقیق‌ترین این تعاریف که نگاهی واژه‌شناختی دارد، چنین است: زهد ناچیز دانستن و تمایل نداشتن به چیزهایی است که مانع تکامل آدمی است. (نک: عبدالله شبر، ص ۲۵۸).

به طور کلی از آموزه‌های دینی چنین برمی‌آید که زهد دو بعد دارد:

۱. بعد روحی که به معنای دل نبستن و شیفته نبودن به مظاهر مادی است. امام علی علیه السلام با اشاره به این نکته می‌فرماید: تمام زهد در دو جمله از قرآن است: ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ (حدید/۲۳)؛ «تا برای آنچه از دست شما رفته، تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شده، شادمان نباشید» (نیز: نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱).
۲. بعد عملی زهد که همان «برداشت کم برای بازدهی زیاد» است (نک: مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۴۷). از این روی، زهد عملی مربوط به صرفه‌جویی در مصرف است و هرگز عرصه تولید را شامل نمی‌شود. بنابراین زاهد حقیقی کسی است که از یک سو تمام توان خویش را در کار و تولید به کار بندد، و از دیگر سو با دل نبستن به امور مادی به راحتی از آنچه به دست آورده است به سود نیازمندان و مصالح جامعه صرف نظر کند. بدین سان آشکار می‌گردد که تفسیر زهد به دوری از دنیا و وانهادن فعالیت‌های اقتصادی برداشتی انحرافی و ویران‌گر از این عنصر سازنده و متعالی است (نک: قرضاوی، صص ۷۹-۸۲)؛ زیرا زهد حقیقی عاملی است برای تلاش بیشتر و به کارگیری تمام فرصت‌ها و امکانات و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری که شیفتگی به دنیا را نفی می‌کند و تأثیر مستقیمی بر تقویت وجدان کاری، بهره‌برداری مطلوب از منابع تولید و در نتیجه پیشرفت مادی فرد و جامعه دارد. از این روست که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لن یفتقر من زهد» (آمدی، ص ۳۶۶)؛ آن کس که زهد ورزد هرگز به فقر گرفتار نشود.

## مفهوم و کارکرد قناعت

واژه «قناعت» در لغت به معنای «روی آوردن به چیزی» است و مفهوم رضایت و خشنودی از آن برداشت می‌شود (ابن فارس، ج ۵، ص ۳۳). در اصطلاح این واژه گاه صفت فعل و به معنای «بسنده کردن به اندک در کالاهای مورد نیاز» دانسته شده است (راغب اصفهانی، ص ۶۸۵)، و گاه صفت نفس است و به مفهوم «صفت پایدار نفسانی و اکتفا به اندازه نیاز و ضرورت از مال» (نراقی، ج ۲، ص ۱۰۱).

با این همه، قناعت هرگز به معنای رها کردن کار و تولید و راضی شدن به مشکلات و عامل عقب ماندگی اقتصادی نیست، بلکه خود زمینه ساز رشد اقتصادی است؛ زیرا جامعه‌ای که مصارف اضافی خود را حذف کند و از تجملاتی که بر اساس نیازهای کاذب و روحیه اشرافی‌گری به وجود می‌آید دوری کند، می‌تواند پس انداز بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های لازم در توسعه داشته باشد؛ نکته‌ای که ماکس وبر بر آن تأکید داشت و در واقع پیدایش سرمایه‌داری و توسعه در غرب معلول زهد پروتستانیسم بود (نک: وبر، صص ۱۴۷-۱۵۰).

از دیگر سو با تأمین بهداشت روانی جامعه زمینه بروز مفاسد اقتصادی ناشی از حسد، آزمندی و هم‌چشمی کاهش می‌یابد و موجب سالم‌سازی فعالیت‌ها و افزایش امنیت اقتصادی می‌گردد.

آموزه‌های دینی با اشاره به این مطلب دو گونه تأثیر برای قناعت در زمینه رشد اقتصادی بیان نموده‌اند:

۱. تأثیر روانی یعنی احساس بی‌نیازی، رضایت از زندگی و آرامش روحی در عین فقر مادی، آنجا که آدمی تلاش خود را به انجام رسانیده است، چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لا کنز أغنی من القناعه...» و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحة...» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۳؛ نیز نک: کلینی، ج ۸، ص ۱۹)؛ هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست، ... آن که به مقدار کفاف بسنده کند، آسایش خود را فراهم ساخته است.

۲. تأثیر مادی به گونه‌ای که قناعت عاملی برای فقرزدایی به شمار رفته است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من لزم القناعت زال فقره» (آمدی، ص ۳۹۳)؛ هر که با قناعت همراه شد، فقر و تهیدستی‌اش از میان برود.

### تأکید بر مصرف کالاهای داخلی

در عرصه مصرف نیز، بر ارزش‌هایی تأکید شده است که به طور مستقیم بر پیشرفت درون‌زای اقتصادی تأثیر مثبت دارد که از آن جمله، پرهیز از الگو قراردادن بیگانگان در مصرف و اکتفا به مصرف کالاهای داخلی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «...أوحى الله إلى نبي من الأنبياء أن قل لقومك: لا يلبسوا لباس أعدائي ولا يطعموا طعام أعدائي ولا يشاكلوا بمشاكل أعدائي، فيكونوا أعدائي كما هم أعدائي» (طوسی، ج ۶، ص ۱۷۲)؛ خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند، که در این صورت، بسان آنان دشمن من خواهند بود». یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: «دور کعبه مشغول طواف بودم در حالی که برطله‌ای [نوعی کلاه دراز که یهودیان بر سر می‌گذاشتند] بر سرم بود. پس امام علیه السلام فرمود: لا تلبسها حول الكعبة فانها من زي اليهود (صدوق، ج ۲، ص ۴۱۱؛ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۱۳۴)؛ آن را در اطراف کعبه نپوش، چرا که از پوشش یهودیان است».

الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه‌های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می‌رساند؛ از جنبه اقتصادی، این کار بیشتر موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می‌شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، به تولید و اقتصاد ملی نیز ضربه می‌زند.

از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز، نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود، به

ویژه آن که الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت. رسول خدا ﷺ با اشاره به این نکته، می‌فرماید: «لا یشبهه الزیّ بالزیّ حتّٰی یشبه الخلق بالخلق، ومن شبّه بقوم فهو منهم» (دیلمی همدانی، ج ۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۸)؛ شکل‌ها [و الگوهای مصرفی] به یکدیگر همانند نمی‌گردد، جز آن که خُلق و خواها به هم نزدیک شود؛ و هر کس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می‌رود».

### نتایج بحث

۱. تحقیقات مختلف و تجربه برخی از کشورها نشان‌گر تأثیر مستقیم فرهنگ و از جمله آموزه‌های ادیان بر پیشرفت اقتصادی است. تأثیر مثبت دینداری بر رشد و پیشرفت اقتصادی، به طور عمده به نقش انگیزشی آموزه‌های دینی و تأکید آنها بر عناصری همچون ارزش کار، ارزش علم، وجدان کاری، نظم و انضباط، پاداش الهی در برابر رفتارهای مثبت اقتصادی، و نیز نقش آنها در سالم‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در کنار وضع قوانین هم‌سو بازمی‌گردد که زمینه‌ساز رشد و پیشرفت است.
۲. علت ایجاد تمدن اسلامی، آموزه‌های فرهنگ اصیل اسلامی بوده و سبب انحطاط تمدن اسلامی نیز به دو عامل بیرونی (حمله مغول) و درونی (رفاه زدگی افراطی مسلمانان و دوری از فرهنگ ناب دینی) بازمی‌گردد.
۳. در فرهنگ اسلامی، تمامی امکانات و شرایط لازم برای تحقق رشد تولید و بهره‌برداری کامل از طبیعت در نظر گرفته شده است. این امکانات و وسائل را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: قوانین و مقررات مرتبط، و عناصر فکری و فرهنگی. در بین عناصر اخلاقی مد نظر فرهنگ اسلامی نیز مواردی وجود دارد که تأثیر مثبت و مستقیمی بر پیشرفت اقتصادی دارد، از جمله: شکر و شکرگزاری، زهد و قناعت، و اصول حاکم بر مصرف همچون تأکید بر مصرف تولیدات داخلی.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، *غرر الحکمی و درر الکلم*، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ایروانی، جواد (۱۳۸۴)، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. تفضلی، فریدون (۱۳۸۸)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، چاپ نهم، تهران، نشر نی.
۶. چپرا، محمد عمر (۱۳۸۴)، *آینده علم اقتصاد (چشم‌اندازی اسلامی)*، ترجمه احمد شعبانی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه*، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. حکیمی، محمد رضا و دیگران (۱۳۶۸)، *الحیاء*، تهران، مکتب نشر الثقافی الاسلامیه.
۹. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۱ق)، *السرائر*، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۸)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، انقلاب اسلامی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، نشر الکتاب.
۱۲. شاکر، محمد (۱۳۷۸)، *فقر و غنا در قرآن و حدیث*، چاپ اول، تهران، رایزن.
۱۳. شبر، سید عبدالله (۱۳۷۴)، *الاخلاق*، قم، مکتبی العزیزی.
۱۴. صدر، محمد باقر (۱۳۸۲)، *اقتصادنا*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، نشر اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عامل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. عجلونی جراحی، اسماعیل بن محمد (۱۴۰۸ق)، *کشف الخفاء و مزیل الالباس*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۹. فروغی، محمد علی (۱۳۴۴)، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، زوار.
۲۰. قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۸)، *سیر اندیشه اقتصادی*، چاپ هشتم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. قرضای، یوسف (۱۴۱۷ق)، *دور القیم و الاخلاق فی الاقتصاد الاسلامی*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۲. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۰)، *اقتصاد رشد و توسعه*، چاپ اول، تهران، نشر نی.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، *توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش-شناسی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، تحقیق محمد باقر بهبودی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، *انسان و سرنوشت*، چاپ یازدهم، تهران، صدرا.
۲۷. .... (۱۳۷۲)، *سیری در نهج البلاغه*، چاپ نهم، تهران، صدرا.
۲۸. معیدفر، سعید (۱۳۷۷)، *بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن*، چاپ اول، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۲۹. .... (۱۳۸۰)، *فرهنگ کار*، چاپ اول، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، چاپ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. نراقی، محمد مهدی (بی تا)، *جامع السعادات*، تصحیح سید محمد کلانتر، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. نمازی، حسین و دادگر، یدالله (۱۳۸۵)، *ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار*، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۴. وبر، ماکس (۱۳۷۱)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، چاپ اول، تهران، سمت.

development, if they are analyzed and determined correctly and the public act according to them. Meanwhile, this paper states the cases of cultural effects on the economic development it analyzes some of the moral factors.

**Keywords:** economic development, culture, moral values



## A look to the Effect of Culture on the Economic Development

«153»

*Javad Irvani*

The successful economic experience of some countries which directly happened under the influence of the cultural elements in the last recent decades clearly shows the importance and position of the culture in the economic development. The Islamic culture teachings are full of the elements which if they are institutionalized it will contain a bright and promising future in economy. The positive effect of the religious persuasion on the economic growth and development; generally the motivating role of the religious teachings and its emphasis on the factors such as the importance of work, the importance of science, conscience at work, order and discipline, God's reward for the positive economic and also their role in economic healthy activities beside setting the accompanied rules which cause the economic growth and development. However, some of the distorted and deviational religious *writings which have been presented as religion during the human history are: factors of society lag and deemed untrustworthy factors in religions and unreliability*. From the other side, Islam has considered all necessities and necessary circumstances for occurring production growth and effective use of nature. These instruments and means are divided in two types: legal instruments and mental and cultural factors. Moral factors in Islamic culture (contrary to the crooked thinkers) have direct and positive effects on the economic

## Priorities of Production from the Point of Islam

*Ali Muhammad MirJalili*

*Somaye Youssefi*

Islam seeks nobility and authority for Muslims in all fields includes economic area and production is preliminary step toward this main goal. For this, Islam has considered a special role for production and invites Muslims and his followers to take activities in different areas such as farming products, animal husbandry products, and industrial products and also the commerce of the products in these sectors in order to be promoted and be distributed. It is necessary to be chosen perfect and accurate methods and strategies to achieve the production growth and self-sufficiency of Muslims and being independent from blasphemy countries. This research with analytic-descriptive method and with precious sayings of the noble prophet ((Peace and Blessings Be upon Him and His Household) and infallible Imams and with using the Quranic verses tries to define the priorities for production from the point of Islam to attain the economic growth and authority of Muslims. The aim of this note is to encourage producers to consider the priorities for production.

**Keywords:** The Quran, Islamic traditions, Muslims, work, production, priorities

interactions, individual differences, contents of the message and religious teachings

## **The Examination of Effectiveness of Iran's Scientific Growth and Economic –Scientific Dynamics**

*Muhammad Amin Khosravi*

*Muhammad Reza Sharifani*

*Ruhullah Rahimi*

**T**here are standards to study the scientific growth by countries. Every year, the scientific growth by countries with respect to the statistics and figures are studied and estimated by the national and foreign professional organizations. This paper is going to study the scientific growth in Iran in the last two decades with regard to the international standard parameters which are provided by the credible databases. Then, it analyzes the mutual relation of legal and economic growth and the degree of its effectiveness on scientific growth in this field. In the last two decades, Iran has an outstanding (significant) growth in science which has made progress and development in Iran from this perspective in the world. But contrary to the other countries, this scientific growth has an inconsiderable (little) effect on the economic growth in Iran. One of the important reasons is the absence of attention to the humanities in this area and also the absence of constant and right relationship between scientific sections and economic sections. It can be lessened the incredible gap between these two areas by the

## The Principles and Strategies of the Social Relations according to the Religious and Psychological Teachings

﴿156﴾

*Ali Ahmad Panahi*

The present research is going to determine the principles and strategies of a productive social relation which are taken from the Religious and Psychological teachings. The main question is what the principles and strategies of the effective relations are from the Religious and Psychological perspective. The research method is descriptive- analytic. For this purpose, after familiarity with and getting concepts and reasons which have been derived from the religious and psychological texts, the paper analyzes them and then implies to the principles and strategies which are based on the religious and psychological texts. The results show that the most outstanding principles and social interaction strategies which are accorded with the Religious and Psychological teachings are: familiarity with needs, knowing the community which is our goal, acquaintance with norms, knowing the message and the method of transmitting message, creating deliberate verbal and non-verbal relations, using of paradigm learning, attention to the individual differences and knowing capacity, considering the gender differences, mastering the contents of the religious teachings in summary, intelligence and familiarity with the techniques and rules of creating relation and transmitting messages, using the individual attractions ,.....

**Key words:** strategy, principles, the *evolution* of *morality*, social

security, the most important factors creating the cultural security are: the enhancement of intelligence and knowledge, beliefs, extending encouraging good and discouraging bad, *tawalla*(love of, obedience to, alliance with or loyalty to Imams and their cause) and *tabarra*(dissociation from, disobedience to, renunciation and abandon of the imams 'adversaries) , creating a right model and Alavi's culture, preserving the past true virtues, immunizing through strengthening the family institute and expanding marriage and self-esteem and establishing justice and preventing poverty and unemployment in the society. The most important obstacles to the cultural security are: constituting the uncertainty and doubt in the cultural system, cultural invasion, and eclecticism, the lack of qualification of the heads of governments and their excessive luxurious life and ambitions in the worldly life. Undoubtedly, acting according to the Imam Ali's orders protects the society against the cultural aggression which is one of the enemy's weapons in order to overthrow the government from the view of the supreme leader of Iran.

**Keywords:** security, culture, cultural aggression, cultural resistance

other factors are beyond this shadow; *zikr*(the remembrance of Allah ) , *supplication*, *prayer*, *fasting*, *haj* which are the instances of worshipping God and cause the individual and social peace; repentance, relying on Allah, hope in Allah, patience and familiarity with the Quran are the moral and spiritual instances of beliefs; purity, innocent, friendship with the fair and comforting which are social instances of belief and creating spiritual and mental peace of individual and society.

**Keywords:** peace, comfort of soul, spiritual (mental) balance, life, belief

### **Cultural Security in Islamic Society from the Perspective of Nahj Al-Balagha**

*Majid Baba Lian*

*Ali Reza Radbin*

This note scientifically tries to investigate one of the national security dimensions with the subject of the cultural security from the Nahj al- Balagha view. The cultural security is really preserving the traditions, values, conventions and national identity. The aim of this paper is to study the backgrounds of creating the cultural security in the society and its pathology from the point of Imam Ali (peace be upon him) with respect to his sayings in Nahj Al-Balagha. With the thematic studying (examination) of Nahj Al-Balagha and with studying books and articles which are codified about the different dimensions of security specially the cultural

## Abstracts

### **Peace in Life with Respect to the Islamic Teachings; Factors and Backgrounds**

*HasanBuzhMehrani*

*Ali JalaieianAkbarnia*

**P** eace is the spiritual (mental) balance and the absence of anxiety and anxiousness which are resulted from confronting problems and difficultiestactfully. Peace in its different types (naturally, mentally and religious belief) is from well-being components, which emerges in two forms: spiritual (mental) peace and social security. Because all human common activities are to achieve peace this paper aims to present peace factors from the perspective of Islamic teachings and has reported some of them which are: religious belief which is the main peace factor that the